

نشریه کمیته آذربایجان
حزب کمونیست کارگری ایران
سردبیر این شماره: شهلا خباززاده

سهند

دوره دوم شماره 10، آبان 1396، نوامبر 2017



ویژه نامه بزرگداشت محمد جراحی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

محمد جراحی چهره محبوب جنبش کارگری درگذشت

با کمال تأسف و تأثر محمد جراحی چهره شناخته شده جنبش کارگری و کادر حزب کمونیست کارگری ایران پس از ۳۰ سال تلاش بی وقفه در دفاع از طبقه کارگر و در راه آرمان رهایی بخش کمونیسم و پس از چندین ماه دست و پنجه نرم کردن با سرطان امروز ۱۳ مهر در بیمارستان تجریش در تهران درگذشت.

محمد جراحی را بطور واقعی جمهوری اسلامی به قتل رساند. محمد جراحی همراه یار دیرینه اش شاهرخ زمانی در خرداد سال ۱۳۹۰ به جرم دفاع از حقوق کارگران دستگیر شد، در زندان تبریز مورد ضرب و شتم شدیدی قرار گرفت و در یکی از بیدادگاههای حکومت اسلامی به پنج سال زندان محکوم شد. در مرداد ۹۵ پس از گذراندن دوره محکومیت و در حالیکه در زندان به بیماری های سرطان تیروئید، دیابت و چربی خون مبتلا شده بود از زندان آزاد شد. شکنجه گران جمهوری اسلامی در طول زندان مانع معالجات او شدند، او را بارها از داروهای حیاتی اش و از معالجه در بیرون زندان محروم کردند. معالجات او پس از آزادی از زندان بدلیل پیشرفت بیماری در شرایط غیر انسانی زندان جمهوری اسلامی، موثر واقع نشد و امروز ۱۳ مهر در سن ۵۸ سالگی در بیمارستان تجریش در تهران درگذشت. او و شاهرخ زمانی هر دو عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری بودند و هر دو قربانی جنایتکاری جمهوری اسلامی شدند.

محمد جراحی یک کارگر رزمنده، حق طلب، کمونیست و آزادیخواه بود و در طول زندان نیز امیدوار به پیروزی کارگران و مردم برای سرنگونی حکومت نحس اسلامی و برای آزادی و سوسیالیسم، به مبارزه خود ادامه داد. مرگ او ضایعه بزرگی برای جنبش کارگری و کمونیستی و برای مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران در راه شکل دادن به جامعه ای انسانی، آزاد و برابر است.

حزب کمونیست کارگری درگذشت محمد جراحی عزیز را به فرزندان و دوستانش و به طبقه کارگر و مردم ایران صمیمانه تسلیت میگوید.

دریغ که عمر محمد جراحی کوتاه بود، یاد او اما برای کارگران و مردم آزادیخواه همیشه زنده و گرامی خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهر ۱۳۹۶، ۵ اکتبر ۲۰۱۷



شهلا خباززاده

ما ایستاده ایم رفیق، بدرود!

خبر مرگ محمد جراحی قلب هر انسان آزادیخواهی را به درد آورد. این "قتل" پنهان نماند. دستهای آلوده به خون قاتل را همه می بینند. این قاتل زندگی دوست و هم‌رزم او شاهرخ زمانی را نیز نابود کرد. رژیم می که چنگال هایش به خون هزاران مبارز آزادیخواه آلوده است. حکومتی که بسیاری از کارگران مبارز را به بند کشیده است و زندگی آنها را مورد تهدید دائمی قرار میدهد. محمد جراحی مبارزی کمونیست و خستگی ناپذیر و محبوب جنبش کارگری ایران بود و بخاطر مبارزات حق طلبانه خود زندانی شد. شرایط غیرانسانی زندان عامل مهم در ابتلای محمد جراحی به سرطان و بیماری های دیگر بود. او بخاطر محرومیت از معالجه به موقع و مناسب در ۱۳ مهر جان خود را از دست داد. انعکاس مرگ محمد جراحی را می توان در ابراز انزجار فعالین جنبش کارگری و مردم آزادیخواه نسبت به جمهوری اسلامی و در همبستگی برای سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران دید.

جنبش کارگری یک فعال و یک رهبر کمونیست خود را از دست داد، اما زندگی و ایده های محمد جراحی فعالین و رهبران تازه ای را وارد جنبش کارگری ایران خواهد کرد. با عزمی راسختر به مبارزه ادامه خواهند داد تا بساط کل این نظام پوسیده سرمایه داری را با اسلامشان برچینند و زندگی شایسته انسان برقرار کنند. همانطور که جعفر عظیم زاده در مراسم این رفیق عزیز محمد جراحی گفت؛ ما ایستاده ایم. بدرود رفیق، بدرود.

این ویژه نامه برای گرامیداشت یاد محمد جراحی و بزرگداشت دیگر کارگران کمونیست و رهبران جنبش کارگری است که مبارزه پیگیر خود را علیه حکومت سرمایه قاطعانه به پیش می برند. ■

گوشه ای از زندگی و مبارزه محمد جراحی در زندان تبریز

فراز آزادی - اول نوامبر 2017

سال 91 چند روزی را در زندان تبریز گذراندم. زندانی که در آن افرادی مانند سکینه محمدی اشتیانی و محمد جراحی و شاهرخ زمانی در آن زندانی بودند. سکینه را، بخاطر پرونده ای که کمیته بین المللی علیه اعدام روی آن کار کرد و اسم اش را جهانی ساخت و در نهایت با تلاشهای این کمیته از زندان آزاد شد، همه میشناختند و در کنار اسم او از مینا احدی نام میبردند که شهرتی جهانی دارد. کمتر زندانی محکوم به اعدام بود که مینا را نشناسد، همه از فعالیتهايش میگفتند و شماره تلفن اش دست بدست میگشت. شاهرخ زمانی و محمد جراحی نیز در زندان شهره خاص و عام بودند، آنها بخاطر جسارتشان در برخورد به دادستان و قاضی پرونده شان و نیز بخاطر فعالیتتهائی که در داخل زندان داشتند، محبوب همه بودند. در زندان از حرفها و گفته هایشان میگفتند و سازماندهی زندانیان برای فعالیتهای اجتماعی را همه میستودند و از هر دو به عنوان رهبران محبوب کارگری یاد میکردند. به محض ورود به زندان، یکی از زندانیان عادی به بهانه دادن غذا در کنارم نشست و گفت که دوست عزیز شما تازه آمده ای، الان وقت دادن غذا گذشته و تا فردا از غذا و نان خیری نیست، به محیط زندان آشنا نیستی، بهتره که بیای پیش ما بشینی.

گوشه ای را نشان داد و رفت. من بعد از خوردن غذا برای پس دادن ظرف غذا پیش شان رفتم. جمعی پنج نفره بودند. یکی از این زندانیان گفت که: "محمد جراحی و شاهرخ گفته اند که فردی با مشخصات شما به زندان میاد، در اطلاعات خیلی اذیت شده، هوایش را داشته باشید". خیلی زود با این دوستان اخت گرفتم. صحبت از بحث های آنها، صحبت از اینکه کارگران باید متشکل شوند و غیره، کتابهایی که شاهرخ و محمد داشتند، هنوز پیش این زندانیان بود. هیچکدام از این زندانیان زندانیان سیاسی نبودند، این بند، بند معتادین، سارقین و مجرمین خطرناک و اعدامی ها بود. رژیم برای اذیت و آزار زندانیان سیاسی، آنها را در میان این زندانیان رها میکرد، با این هدف که زندانی سیاسی را تحت فشار قرار دهد. غافل از اینکه فعالینی مانند شاهرخ زمانی و محمد جراحی در کار سیاسی روی همه انسانها، بویژه انسانهایی که قربانی شرایط ضد انسانی سرمایه داری بودند، خبره اند. محمد و شاهرخ براحتی در میان این زندانیان فعالیت شان را میکردند و آنها را برای فعالیتهای اجتماعی داخل زندان و بعد از آزادیشان، برای بیرون زندان آماده میکردند. چنین تلاشهایی باعث شده بود که من به محض ورود به زندان مورد حمایت جمعی از این زندانیان قرار بگیرم که محمد جراحی و شاهرخ زمانی سازمان داده بودند. آنها مدام با بیرون در تماس بودند و فضا کاملا دستشان بود. همین

زندانیان میگفتند که شاهرخ و محمد برای اهداف حزبی و فعالیتی میکنند. آنها همه زندگی شان، برای نجات مردم از جهنم جمهوری اسلامی است. افکار و آرمانهای سوسیالیستی، کتابها و دست نوشته هایشان در میان بخشی از زندانیان دست بدست میگشت. از آنها بنام انسانهای جسوری که زندگی شان برای نجات جامعه صرف شده، یاد میکنند، از حرفهایی که در برابر قاضی و دادستان زده بودند، میگفتند. یکی از این زندانیان میگفت: "ما میدانیم محمد و شاهرخ در ارتباط با یک سازمان و یا حزب کار میکنند، حرفهایشان، حرف یک فرد و جمع دو سه نفره نیست، قطعاً کسی با این اهداف بزرگ فردی از یک تشکیلات بزرگ است و دقیقاً به همین خاطر رژیم از اینها میترسد". واقعاً هم همینطور بود، انسانهایی که رژیم برای محدود کردنشان، آنها را در میان معتادین و زندانیان عادی رها میکند و آنها متقابلاً روی همین زندانیان کار میکنند، آنها را با اهداف بزرگ انسانی و اجتماعی آشنا و سازماندهی میکنند، کمونیستها هستند. محمد جراحی در زندان هم دست از تلاشهای کمونیستی و سوسیالیستی اش برنداشته بود. او بعد از تبعید شاهرخ زمانی به زندان یزد، فعالیتهايش را شدت بخشید و بهمین دلیل بود که همیشه مورد تهدید و آزار و اذیت مامورین زندان قرار داشت و مدام او را از بندی به بندی دیگر منتقل میکردند. او

فعالین سایر جنبشهای اجتماعی، به سر آمده و فعالین برای رسیدن به آرمانهایشان باید تعلق تشکیلاتی داشته باشند و بدین ترتیب است که میتوان ستاد رهبری انقلاب آتی ایران را در سطح ملیونی به جامعه بهتر شناساند.

مراسم خاکسپاری اش و سخنرانی های پر شور و کمونیستی که از طرف دوستان اش و فعالین صورت گرفت، و سرود انترناسیونالی که بر مزارش سرداده شد، همگی گویای اینست که محمد جراحی در دل کارگران و فعالین اجتماعی و مردم آگاه آذربایجان جای دارد و آرمانهایش را با تلاش برای متحقق کردن جامعه ای انسانی، ساختن جامعه ای آزاد و برابر گرامی خواهیم داشت.

زنده باد محمد جراحی و یادش گرامی!

سوسیالیستی و حمایتی که از او در طول دوره نقاهت و پس از عملهای جراحی اش صورت گرفت، حضور پر شور فعالین اجتماعی و رهبران کارگری در بیمارستان بر بالین اش، نشان از تأثیرات این رهبر محبوب کارگری در جنبش کارگری ایران داشت.

همه آن انسانهایی که در طول بیش از سه دهه، چه در بیرون از زندان و چه در درون زندان با محمد جراحی و آرمانهایش آشنا شدند، همه و همه عملاً به کمونیسم و سوسیالیسم وصل شدند، محمد جراحی پل شد بین هزاران انسان و کمونیسم کارگری! چرا که او با اعلام علنی تعلق تشکیلاتی اش به حزب کمونیست کارگری، هر آنچه در زندگی اش تلاش کرده بود را به کمونیسم کارگری و ساختن یک دنیای بهتر وصل کرد.

محمد جراحی با این حرکت تاریخی اش، به همه فعالین نشان داد که دیگر دوره بی هویتی سیاسی و تشکیلاتی برای فعالین و رهبران کارگری و

همچنان به کار آگاهگرانه و سازماندهی در داخل زندان و ارسال بیانیه های فردی و جمعی ادامه میداد. دادن اطلاعات به مناسبتهای مختلف مانند روز جهانی کارگر و غیره و جلب حمایت از فعالیتهای مختلف به همراه دیگر زندانیان سیاسی از فعالیتهایی بود که تا روز آخر زندان محمد جراحی انجام داد و سرانجام بعد از گذراندن 5 سال زندان آزاد شد. در طول این مدت به اشکال مختلف، مورد اذیت و آزار مسئولین جنایتکار سیستم قضائی دادگاه انقلاب و اطلاعات تیریز قرار گرفت و چنانکه در یکی از مصاحبه های مطرح میکند، زندگی در شرایط سخت زندان و محیط آلوده، او را مریض کرد و تبعات همین مریضی باعث ابتلا و شدت گرفتن سرطان شد.

زندگی و مبارزات محمد جراحی برای همیشه تأثیراتش را بر روی جامعه آذربایجان گذاشت. زندگی چندین ماه پس از آزادی از زندان و ادامه مبارزه اش برای آرمانهای کارگری و



سربلند جنبش کارگری و کمونیستی مثل محمد جراحی است.

در این یادداشت میخواهم با اتکا به فقط گوشه هایی از آخرین سخنان محمد جراحی نشان دهم که زندگی او سرشار از حس انساندوستی و شور مبارزه علیه بیعدالتی و نابرابری بود. او تصویری عمیقا انساندوستانه و در عین حال بسیار زمینی و واقعی از کمونیسم و جنبش کمونیستی و اندیشه های مارکس داشت.

محمد جراحی کارگر کمونیستی است که خوب میداند اتحاد طبقه کارگر و مبارزین راه سوسیالیسم چقدر حیاتی است و در هر فرصتی بر اتحاد طبقاتی کارگران تاکید میکند و با صدای بلند اعلام میکند که:

"بایستی وحدت و همدلی را حفظ کنیم. اگر انتقادی داشته باشیم از همدیگر انتقاد سازنده باشد. ما به غیر از وحدت چاره دیگری نداریم که حتما بایستی بچه های چپ، بچه هایی که در راه سوسیالیسم قدم پیش گذاشته اند به خاطر آرمانهای انسانی بعضی اختلاف نظرها و اختلافهای شخصی را حتما کنار بگذارند. چونکه مساله انسان مطرح است. حق و حقوق انسانیت مطرح است."

همینجا با اتکا به همین جملات بسیار صریح و شفاف و بی تکلف میتوان گفت که در افکار و مبارزه محمد جراحی ما با کمونیسمی مواجه هستیم که هیچ شباهتی با "کمونیسم" آنکادر و کلیشه ای و قلابی چپ سنتی ندارد. "چپی" که با

محمد جراحی در راه مبارزه برای یک جامعه سوسیالیستی جان باخت. یادش گرامی باد!



محسن ابراهیمی

مقدمه

در این یادداشت قصد ندارم بیوگرافی محمد جراحی را بنویسم. کاری که باید در سطحی که درخور این رهبر و فعال کارگری کمونیست است انجام شود.

قصد من این است که با نگاهی به آخرین سخنان محمد جراحی جلوه هایی از زندگی او را برجسته کنم که تصویر روشنی از آرمانها و آرزوها و نگاهش به مناسبات انسانها میدهد و به این اعتبار احساسات، مشغله ها و دغدغه هایش برای رسیدن به آرزوهای انسانیش را منعکس میکند.

استواری، ثابت قدمی و جسارت او در دفاع از منافع کارگران و در دفاع از سوسیالیسم دیگر امروز برای همه روشن است. او پای ثابت انتشار نامه ها و کمپینهای اعتراضی زیادی برای احقاق حقوق کارگران و اقشار دیگر ستم دیده و تحت تبعیض در حکومت اسلامی بوده است. و به جرم دفاع از حقوق کارگران و زندگی انسانی برای همه انسانها پنج سال تمام در اسارتگاههای رژیم اسلامی سرمایه به زنجیر کشیده شد و نهایتا در راه آرمانهای انسانیش جان باخت.

جراحی حتی در اسارت

دشمنان طبقاتی اش که آشکارا قصد جاننش را داشتند کوتاه نیامد. اگرچه قضات سرمایه جرئت نکردند رسماً و علناً حکم به نابودی این فرزند جسور طبقه کارگر بدهند اما با رذیلانه ترین شیوه ها برای پایان دادن به حیاتش دسیسه چیدند. از نوع همان دسیسه هایی که برای پایان دادن به حیات فعالین کارگری کمونیست، زنده یاد شاهرخ زمانی و کورش بخشنده چیده بودند. داستان بیماریهایی که محمد جراحی در زندان و در بخش متادونیها به آنها دچار شد و ممانعت از درمانش در خارج از زندان را همه شنیده اند. با توجه به همه اینها محمد جراحی را در واقع حکومت اسلامی سرمایه داران بدست قضات و پاسداران این طبقه در زندان کشت اگرچه به شیوه ای بسیار زبونانه. آنها او را کشتند بدون اینکه جرئت کنند علناً حکم به قتلش بدهند که فقط نشانگر حقارت حکومت اسلامی در مقابل مبارزین

**محمد جراحی در راه
مبارزه برای یک جامعه
سوسیالیستی جان
باخت. یادش گرامی باد!**

عبارت پردازی در باره تاریخ و تکامل و رشد نیروهای مولده و "هنوز برای جامعه سوسیالیستی زود است"، سعی کرده است کارگران را دنبال نخود سیاه بفرستد و سیاست و قدرت سیاسی را درست به امان انواع و اقسام نیروهای سرمایه داری رها کند. "چپی" که تصویرش از کارگران یک عده آدمهای بخت برگشته سربزیر و مظلوم و قابل ترحم و قربانی و در بهترین حالت ناراضی است که قرار است با نشان دادن دستهای پینه بسته شان ترحم و همبستگی دیگران را جلب کنند و خودشان نقش و مسئولیتی در قبال رهایی طبقه کارگر و کل بشریت از اسارت سرمایه داری ندارند. "چپی" که مهمترین و حساس ترین وظیفه اش را اظهار اخلاص به کارگران از یکطرف و تخطئه کمونیسم متشکل و حزب کمونیستی و تبلیغات مسموم علیه حزب کمونیستی کارگران از طرف دیگر میداند.

**کودک کار دهه ۴۰ که به
یک فعال سرشناس و
محبوب کمونیست تبدیل
شد!**

محمد جراحی در مقطع "انقلاب سفید شاه و مردم" (انقلاب شاه و مردم؟!)، یعنی ۱۶ سال پیش از انقلاب ۱۳۵۷، فرزند خردسال یک خانواده روستایی در اطراف شهرستان اهر از آذربایجان بود.

اصلاحات ارضی شاه یک اقدام سیاسی توسط سرمایه داری برای کندن روستاییان از روستاها و فراهم کردن نیروی کار برای طبقه سرمایه دار در شهرهای بزرگ بود. والدین محمد جراحی جزوی از این نسل کننده شده از روستاها بود که برای ادامه بقای فیزیکی و ادامه حیات به شهرها روی آوردند و به اردوی طبقه کارگر رو به رشد در شهرهای بزرگ پیوستند. محمد جراحی هم در این مقطع تحولات اقتصادی ایران به عنوان فرزند خردسال این خانواده و به عنوان یک کارگر کودک به صف طبقه کارگر پیوست و به مدار استثمار شدید طبقه سرمایه دار از جسم و جان کودکان اش پرتاب شد.

او در باره این مرحله از زندگیش در پاسخ به سوال شهلا دانشفر میگوید:

"در شهرستان اهر در دهکده ای به نام "وند آباد" به دنیا آمدم. سه ساله بودم که به اتفاق خانواده به تبریز آمدم. از آن به بعد در تبریز زندگی کردیم. از سه سالگی دنبال کار و مشکلات زندگی بودم. وضعیت آن زمان اینجوری بود که حتی بچه های سه ساله هم کار میکردند. در کارخانه های قالی بافی، آهنگری و ..."

او شرایط کار و زندگیش در این مرحله را اینچنین به خاطر میآورد:

"... هر جوری دلشان میخواست با کارگران برخورد میکردند. کسی نبود و قانونی نبود. اتحادیه ای نبود.

سندیکایی نبود. این برای من یک انگیزه شد. ... من موقع رفتن به مدرسه حتی یک جفت کفش نداشتم. از مدرسه آمدم خانه همینجوری پاهام تاول زده بود. مادرم پاهایم را گرفت و گریه کرد. دیگر از آن به بعد نتوانستم دردم را به مادرم هم بگویم. من زندگی شخصی ام را اینجوری گذراندم. و با این مصیبت درس خواندم. بعد رفتم صافکاری کردم که کمک حال زندگیمان باشد. پدرم پیر بود و نمیتوانست خرج خانواده را در بیاورد. هرچند نفر کار میکردیم نمی توانستیم نان روزمان را در بیاوریم. مجبور بودم کار کنم."

آن کودک خردسال که در متن تحولات اقتصادی و رشد سرمایه داری به همراه خانواده اش به اعماق استثمار شدید در شهر صنعتی تبریز رانده شده بود، بعدا به خاطر میآورد که چگونه احساس همدردی عمیقش با کودکان پابرنه خانواده های فقیر یکدم رهایش نمیکرد و همیشه میخواست هر کاری از دستش بر میآید برایشان انجام بدهد.

جایی میگوید که وقتی بعد از مدتی شاگردی در کارگاهی استادکار میشود و میتواند یک ماشین ژیان دست و پا کند، از آن به عنوان امکانی برای کمک به کودکان هم طبقه ای اش استفاده میکرد. کودکانی که زندگی کودکان خودشان را به یادش میآوردند:

"یک ماشین ژیان داشتم. این انگیزه را داشتم. آن بچگی که پاهام تاول زده بود، همیشه جلوی مدرسه وا می ایستادم



محمد جراحی در راه مبارزه برای یک جامعه سوسیالیستی جان باخت. یادش گرامی باد!

زمستانها و بچه های کوچولو را سوار میکردم و می بردم به مسیرشان. کاری از دستم بر نمی آمد."

این لحظات اولیه شکل گرفتن ایده آله و آرمانها و آرزوهای کمونیستی در ذهن جوانی بود که به خاطر انگیزه های انسانی شکل گرفته در دوران کودکی میخواست کاری برای کودکان هم طبقه ای اش انجام دهد. و بعدا به جرم فعالیت برای رهایی کودکان کار و خیابان، به جرم رهایی کارگران از ستم و استثمار، به جرم رهایی جامعه از نظام نابرابر سرمایه داری و به قول خودش به جرم "دفاع از حق و حقوق انسانها" به زندان حکومت اسلامی طبقه سرمایه دار ایران می افتد. زندانی که جمهوری اسلامی در آن جان عزیزش را گرفت تا نقش و تلاش این رهبر محبوب و سرشناس کارگری برای رهایی یک جامعه ۹۰ میلیونی از زندان سرمایه داری اسلامی را حذف کند!

آیا جمهوری اسلامی توانست با این دسیسه جنایتکارانه اش علیه این رهبر کمونیست

کارگری به هدفش برسد؟ پاسخ قطعا منفی است. این را مراسم باشکوه خاکسپاریش نشان داد. حکومت اسلامی با مرگ محمد جراحی خودش و نظام کثیف سرمایه داری ایران را یک گام دیگر به لبه پرتگاه و مرگ حتمیش نزدیکتر کرد!

کارگری جوان و پرشور در مقطع انقلاب ۵۷!

محمد جراحی تقریبا ۲۰ ساله بود که وارد انقلاب ۱۳۵۷ میشود که یکی از تکاندهنده ترین تحولات سیاسی در ایران، خاورمیانه و منطقه و جهان بود. ولابد انقلاب ۵۷ برای جوانی از یک خانواده کارگری که دو دهه اول زندگی در معرض استثمار و فشار اقتصادی و فقر و تحقیر بوده است اتفاق مهم و تکان دهنده ای بود. اتفاقی که میتواند به آن شرایطی که مجبور میکند کودکان خانواده های کارگری در سرمای آذربایجان فاصله میان مدرسه و خانه را بدون یک کفش مناسب طی کنند پایان دهد.

میدانیم که این اتفاق نیافتد. میدانیم که طبقه کارگر ایران، علیرغم حضور فعالش در انقلاب، نتوانست توطئه های سازمانیافته سرمایه داری جهانی و دولتهايشان را، که به کمک طبقه سرمایه دار ایران آمدند تا از دست یک انقلاب بسیار قدرتمند نجاتشان دهند،

خنثی کند. میدانیم که آن انقلاب را به شکست کشاندند و پشت یکی از وحشی ترین و ضدکارگرتترین و ضدکمونیست ترین جنبشهای سیاسی قرن یعنی جنبش اسلامی رفتند و بالاخره توانستند آن انقلاب را شکست دهند. و میدانیم که امثال محمد جراحی، کارگر خردسال دهه ۴۰ به همراه میلیونها هم نسلش بعد از انقلاب ۵۷ به کارگران جوانی تبدیل شدند که این بار با دشمنی حتی هارتر مواجه بودند. و به این ترتیب محمد جراحی مثل همه کارگران هم نسلش وارد دوره دیگری از تلاش و مبارزه برای رهایی از چنگ نظام سرمایه داری شد.

در مقطع انقلاب ۵۷ چشمه های جوشان عدالتخواهی و انساندوستی و برابری طلبی از هر گوشه جامعه سر برآورده بود. طبقه کارگر تکان خورده بود و در شکستن کمر دیکتاتوری سلطنتی سرمایه داری نقش برجسته ای ایفا کرده بود. در زمینه و در چهارچوب ترک خورده ساختار سیاسی و امنیتی سرمایه داری مورد هجوم انقلاب ۵۷، تحرک بزرگی از متشکل شدن به هر شکلی محیطهای کار و زندگی را فرا گرفته بود. و در این میان، مثل همیشه، چپ در قالبها و اشکال مختلف به تحرک افتاده



کودکان کار دهه ۴۰ که همراه اصلاحات ارضی به جای مدرسه و بازی و شادی به اردوی کار پیوسته بودند، این بار در قامت جوانان کارگر وارد این انقلاب شده بودند و در شوراها کارگری و کمیته های کارخانه با ضد انقلاب اسلامی سرمایه دست و پنجه نرم میکردند. محمد جراحی متعلق به این نسل از کارگران است.

**محمد جراحی در راه
مبارزه برای یک جامعه
سوسیالیستی جان
باخت. یادش گرامی باد!**

گرفتن در این راه. خودش نمونه ای باشد برای ساختن جامعه ای که "بشریت از حق و حقوق شرافتمندانه اش برخوردار باشد!"

میدانم که این سخنان در باره "راستی و درستی" برای چپ کلیشه ای معلق گوی پا در هوا میتواند بهانه ای برای زیرسئوال بردن یک فعال کارگری سوسیالیست باشد. اینکه "راستی و درستی" بیشتر مقولات اخلاقی هستند و چه ربطی به نقد مارکسیستی جامعه سرمایه داری و مبارزه طبقاتی دارد؟ اینکه سبقت گرفتن از راستی و درستی بیشتر جلوه ای از فداکاری اخلاقی و آرمانخواهانه است و بس!

روشن است که از نقطه نظر چپی که در عبارات کلیشه ای منجمد شده است و به هیچ چیزی کمتر از لفاظی در باره مثلا "ماتریالیسم دیالکتیک"، "تضاد اصلی و فرعی"، "زیربنا و روبنا" و ... رضایت نمیدهد، این سخنان البته خیلی راضی کننده نیست. اما موضوع تماما برعکس است. ما اینجا با یک فعال کارگری مواجه هستیم که نه تنها سخنانش بلکه زندگی واقعی و انعکاسی از جامعه انسانی مورد نظرش است. جامعه ای که در آن انسانها از دغدغه معیشت و نان و آب و بهداشت و درمان و آموزش و سرپناه باید رها شوند و اصولا نیازی برای رقابت و سبقت گرفتن در زمینه همه آن ارزشها و ماتریالهایی که جامعه سرمایه داری در مغز و روح و روانشان حقنه کرده است نداشته باشند. جامعه ای که

انقلاب علیه نظام سلطنتی تبدیل شد. کارگر کمونیستی که این بار به جای نظام سلطنتی سرمایه داری با نظام اسلامی سرمایه داری مواجه است.

پایندی به مناسبات انسانی!

به دفاع محمد جراحی از سوسیالیسم خواهیم رسید اما اینجا اشاره ای کوتاه به عمق پایندی عمیق او به اهداف انسانی اش و مایه گذاشتن برای رسیدن به آنها اشاره ای میکنیم.

در پاسخ به این سئوال شهلا دانشفر که علایق شما چیست، جراحی ضمن اظهار انزجار از نظام اسلامی که در آن سران حکومت در جنایت و دزدی و رذالت و پستی از هم سبقت میگیرند، پاسخ میدهد که:

"علاقه من فقط به مبارزه و راستی انسانهاست. یک جامعه ای درست کنیم که انسانها بدون دغدغه بتوانند زندگی کنند. از راستی و درستی از همدیگر سبقت بگیرند."

بعدا می گوید که زمانی یک جامعه درست و انسانی ساخته ایم که "بتوانیم در جامعه مناسبات اقتصادی را درست کنیم که بشریت از حق و حقوق شرافتمندانه خودشان برخوردار باشند."

و برآستی که خود محمد جراحی به همین علایقش وفادار ماند. جانش را کف دستش گذاشت و تلاش کرد خود نمونه ای باشد در "راستی و درستی" و "سبقت"

بود.

کودکان کار دهه ۴۰ که همراه اصلاحات ارضی به جای مدرسه و بازی و شادی به اردوی کار پیوسته بودند، این بار در قامت جوانان کارگر وارد این انقلاب شده بودند و در شوراهای کارگری و کمیته های کارخانه با ضد انقلاب اسلامی سرمایه دست و پنجه نرم میکردند. محمد جراحی متعلق به این نسل از کارگران است.

محمد جراحی در باره پروسه پیشرویش از یک کارگر حق طلب و انساندوست به سمت کارگری آگاه که دیگر حق طلبی و انساندوستیش مینا و قالب انتقادی و سیاسی تیزتر و چپ میگیرد اینچنین به خاطر میاورد:

"یواش یواش داشت انقلاب میشد. آنجا من با بچه های چپی آشنا شدم. دیدم که اینها درد مرا میگویند. منتهی علمی تر و درستتر. همین باعث شد که با اینها نزدیکتر شوم. آن هم داوطلبانه. وقتی با بچه های چپی آشنا شدم یواش یواش با اصول و قوانین مارکسیستی آشنا شدم. دیگر از آن موقع سعی کردم علمی تر حرکت کنم..."

و به این ترتیب محمد جراحی از یک کودک کار دهه ۱۳۴۰ دوران سلطنت سرمایه داری به یک کارگر آگاه و چپ و کمونیست در دهه اول بعد از

محمد جراحی در راه مبارزه برای یک جامعه سوسیالیستی جان باخت. یادش گرامی باد!

در آن شرایطی فراهم شده است که انسانها اگر هم نیازی به رقابت دارند رقابنتشان برای سهم گذاری در سعادت و خوشبختی خود و همگان است و نه سبقت گرفتن خرده منفعتهای شخصی، دورویی و ریاکاری، حقه بازی، پشت پا انداختن و بالاخره پایمال کردن حقوق دیگران برای منافع شخصی خود.

محمد جراحی اگر چه در این "سبقت گرفتن" تنها نیست اما در میان دهها رهبر و فعال جنبش کارگری خود یکی از بهترین نمونه هاست. نمونه ای از تلاش برای مرحم گذاشتن بر زخم افشار پایمال شده جامعه. تلاش برای کمک به هم طبقه ای های خودش که میلیاردرهای حاکم در ایران از نان و درمان و دارو و بهداشت محرومشان کرده اند.

وقتی از همرزمانش و خاطره های جالبی که دارد سؤال میشود فوراً ما را با کارهای انساندوستانه و در عین حال سیاسی و آگاهگرانه ای آشنا میکند که به همراه همرزمش زنده یاد شاهرخ زمانی انجام میداده اند:

"خاطره جالبی دارم با زنده یاد شاهرخ. با او خیلی کارها کردیم. اکثر مبارزه را من با شاهرخ پیش بردیم. ما در منطقه خودمان یک انجمن سلامت درست کردیم. انجمن سلامت به نام آذربایجان. چندین کمیته زده بودیم. کمیته

ورزش، کمیته همکاری (نامفهوم)، کمیته اعتیاد، انواع و اقسام کمیته ها. واقعا آنجا شاهرخ یک شاهکارهایی کرده بود. میرفتیم پیش یک پزشک و میگفتیم میتوانی برای ما هفته ای پنج تا مریض را ویزیت کنی؟ این کارها را برای مردم انجام میدادیم. این سرپوشی بود برای ما. انجمن سلامتی سرپوش بود برای ما که میرفتیم کوه یا تیم فوتبال و وقت استراحت در مورد سندیکا و حق و حقوق انسانها و در مورد منشور بین الملل با بچه ها حرف میزدیم."

اینجا با چهره ای از فعالین کمونیست کارگری آشنا میشویم که در دنیای تماما ضدکارگر جمهوری اسلامی از هر امکانی استفاده میکنند تا اولاً گوشه کوچکی از درد و رنج هم طبقه ای هاشان را کاهش دهند و ثانياً در عین حال کارگران را به حقوق صنفی و سیاسییشان آشنا کنند.

خوش بینی به طبقه کارگر و مردم محروم!

محمد جراحی علیرغم ضربات و لطمات فیزیکی و بیماریهای مهلکی که در اسارتگاههای طبقه سرمایه دار به آنها دچار شده است، علیرغم اینکه خود نمونه ای از یورش بیرحمانه و قساوت بار پاسداران سرمایه بر جسم و جان و معیشت و روحش است، علیرغم تحمیل فقر و مشقت کم نظیر بر هم طبقه ای هایش، علیرغم طولانی بودن عمر حکومت قساوت بار اسلامی، اما با خوشبینی تمام به حق طلبی کارگران، به "رئوف" بودن مردم محروم، به تغییرات مثبتی که



در زمینه آگاهی و توقع طبقه کارگر و توده های محروم شکل گرفته است واقف است و به آینده امیدوار!

خوشبینی صمیمانه محمد جراحی نسبت به توده های مردم در این سخنان نمایان میشود که میگوید که تمام سیستمها سر این مردم زده اند اما با این وجود از رئوف بودن مردم صحبت میکند که خودش تجربه کرده است. تجربه ای که به قول خودش نشان میدهد که وقتی کسی میرود "با زبان خوش با یکی صحبت میکند و باهانش درد دل میکند" می بینی که مخاطب این صحبتها "خیلی متحول شده است."

محمد جراحی این خوش بینی به انسانها و دستاورد تلاش تبلیغی کمونیستی و انسانیش را به زبانی بسیار ساده اینچنین بیان میکند:

"ملت ایران همینجوری است. ملت بدی نیست. ما بایستی ملت را، خوبیهای زندگی را، لذتهای زندگی را برایشون مهیا

محمد جراحی در راه مبارزه برای یک جامعه سوسیالیستی جان باخت. یادش گرامی باد!

کنیم."

آری هیچ "ملتی" (و روشن است که این کارگر کمونیست منظورش از "ملت" اکثریت زحمتکش و ستمکش و تحت تعبیز طبقاتی و سیاسی و اجتماعی است) بد نیست. اما همانطور که جراحی میگوید بایستی خوبیهای زندگی و لذتهای زندگی برای این "ملت" فراهم شود که در این صورت ما با اقیانوسی از استعدادها، خلاقیتها، خصائل انسانی، احساس همدردی و همبستگی و کمک متقابل برای راه انداختن یک مناسبات انسانی مواجه خواهیم شد.

وقتی سؤال میشود که با توجه به اینکه امروز جنبش کارگری دوران تحول بخشی را میگذرانند، دورانی که یک وجه شور انگیزش جلو آمدن گفتمان رادیکال و انسانی است و تصویر شما از موقعیت کنونی جنبش کارگری چیست پاسخ میدهد:

"تصویرم خیلی خوبه. واقعا خوب جایی اشاره کردی. الان خواسته های طبقه کارگر، معلمان، پرستاران و قشرهای

مختلف مردم واقعا خواسته های بالاست. و خواسته هایشان هم بحق است."

یک وجه از این خواسته های "بالا" که احساس رضایت و خشنودی او را جلب میکند کمپین تیزهوشانه ای بود که برای لغو امنیتی کردن پرونده های کارگران معترض راه افتاد.

"الان یک طوری شده که اینها نمی خواهند امنیتی شود. برای اینکه مطالبه حقشان را میخواهند. اینها چیزهای اضافه نمیخواهند. دیروز باز نشسته ها رفته بودند جلوی مجلس تحصن کرده بودند. حقشان است. اینها چیز اضافی نمیخواهند. یا آن روز سر کاسپین، آنهایی که پولشان را خورده بودند، رفته بودند و شعار میدادند که "ای رهبر آزاده، دزدی چرا آزاده؟"

و با این اشاره های کوتاه استنتاج میکند که:

"اینها واقعا نشان دهنده این است که مردم خواسته دارند. مردم دیگر شعور دارند. مردم میخواهند با انگیزه و با شعور حرکت کنند. مردم ۵۷ نیستند. مردم ۵۷ خواسته نداشتند. بهترین شعارش (نامفهوم) بود. یا این بود حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله. این از فحش بدتر بود. ما مسکن میخواهیم. دارو میخواهیم. یا تحصیل میخواهیم." و ادامه میدهد که

"حالا مردم جامعتر شده اند. مدنی تر شده اند. حالا خواسته امروز مردم را نمیشود نادیده گرفت. هیچکس نمیتواند نادیده بگیرد."

اینجا چند نکته مهم است:

اولا اینکه محمد جراحی از ۵۷ ناراضی است با این تاکید که خواسته های مردم ناروشن بود. در یک تحلیل دقیقتر ما میدانیم که در سال ۵۷ آرزوها و مطالبات و شعارهای اکثریت مردم آزادی بود، برابری و زندگی انسانی بود. همان خواسته هایی بود که امروز کارگران کمونیستی مثل محمد جراحی برایش مبارزه میکنند. اما جنبش و حزبی کمونیستی قدرتمند وجود نداشت که در مقابل توطئه های سازمانیافته جهان سرمایه داری بایستد و خواست واقعی انقلاب را نمایندگی کند؛ جنبش حق طلبانه علیه نظام سرمایه داری و حکومت سلطنتی را رهبری کند و آنها را برای گرفتن قدرت سیاسی و استقرار یک نظام آزاد و برابر نمایندگی کند. و به این ترتیب جنبش انقلابی حق طلبانه مردم توسط جنبش اسلامی بالا کشیده شد.

اما محمد جراحی اینجا به یک نکته مهم انگشت میگذارد که امروز با ۵۷ فرق میکند. به زعم او امروز مردم آنقدر خواسته های روشنی دارند که شرایط

اما محمد جراحی اینجا به یک نکته مهم انگشت میگذارد که امروز با ۵۷ فرق میکند. به زعم او امروز مردم آنقدر خواسته های روشنی دارند که شرایط برای بالا کشیدن خواست مردم بمراتب تضعیف شده است. شرایط برای نمایندگی خواست مردم در قدرت سیاسی فراهم تر شده است.

محمد جراحی در راه مبارزه برای یک جامعه سوسیالیستی جان باخت. یادش گرامی باد!

برای بالا کشیدن خواست مردم بمراتب تضعیف شده است. شرایط برای نمایندگی خواست مردم در قدرت سیاسی فراهم تر شده است.

کمونیسم یک ایدئولوژی نیست. یک جنبش واقعی برای تغییر وضع زندگی بشر است!

کمونیسم یک جنبش واقعی برای تغییر زندگی انسانهاست. تغییر زندگی واقعی همین امروز انسانها، حتی در چهارچوب نظام سرمایه داری، البته تا آنجا که توازن قوا میان طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار حاکم امکان میدهد. اما کمونیسم فراتر از این است. کمونیسم جنبشی است که در عین مبارزه و تلاش تعطیل ناپذیر برای تحمیل حتی ذره ای اصلاحات در زندگی طبقه کارگر و میلیونها مردم محروم جامعه اما میخواهد آن بنیاد و آن اساس و آن ساختار اقتصادی و اجتماعی را برهم بزند که دیگر امکان پایمال کردن حق و حقوق انسانها موجود نباشد.

محمد جراحی یک کارگر کمونیست آگاهی است که هر دو وجه جنبش خودش را به خوبی درک میکند. هم برای اصلاح وضع هر تک تک هم طبقه ای های خودش و مردم محروم تلاش میکند و هم اینها را کافی نمیداند. میخواهد از آن فراتر برود.

برای محمد جراحی کمونیسم

یک ایدئولوژی نیست که بر روی تعدادی اصول کلیشه ای بنا شده است و طرفدارانش هم قرار نیست کاری بکنند جز هاله مقدس کشیدن حول آن ایدئولوژی و راه انداختن جنگ و رقابت فرقه ای. کمونیسم برای او بحث و جدل درون گروهی و درون فرقه ای آدمهای بیربط به جامعه نیست. او یک کارگر کمونیست درد دیده و آگاهی است که مساله اش تغییر زندگی واقعی است. از تغییر زندگی حتی در جزئی ترین شکل آن همین امروز تا تغییر بنیادی که راهش را سوسیالیسم میداند.

باچنین تصویری است که او به قول خودش وقتی در مقطعی از زندگیش از شاگردی به استادکاری میرسد و ژبانی جور میکند، اولین کارش این میشود که کودکان خردسال پابرنه را از دم مدرسه تا دم کوچه شان برساند تا شاید دیگر با دیدن پاهای تاول زده کودکان، قلب مادرهایشان، مثل مادر خودش، رنجور نشود؛ نظر چند دکتر شریفی را جلب میکند تا تعدادی انسان فقر زده را ویزیت کنند؛ کمک میکند تا جوانانی که در برهوت بیکاری و بی آیندگی حکومت اسلامی به اعتیاد پناه برده اند و بر جسم و جانشان حمله برده اند از اعتیاد رها شوند.

اما این کافی نیست. محمد جراحی فقط یک انسان شریف خیرخواه نیست. او یک فعال کارگری است که میداند باید بسیار فراتر از کمکهای انساندوستانه رفت. بایستی حتی جزئی ترین اصلاحات را با مبارزه و اعتراض بر طبقه حاکم

تحمیل کرد. و برای مبارزه قدرتمند و هر پیشروی طبقه کارگر تشکل و اتحاد لازم است و او برای رسیدن به این هدف از جان مایه میگذارد. این یک دغدغه اصلیش است و همیشه و تعطیل ناپذیر همراه همزمش شاهرخ و دیگر رهبران و فعالین کارگری دست اندرکارمتشکل کردن و متحد کردن کارگران است و یکدم از این کار آسوده نمی نشیند. و بالاخره به "جرم" متشکل کردن کارگران و فعالیت سوسیالیستی به زندان سرمایه می افتد.

این مساله آنقدر جدی است که از داخل زندان هم به مبارزه برای تشکل و اتحاد کارگران ادامه میدهد. در نامه سرگشاده از زندان با صدای بلند اعلام میکند که "ایجادسندیکا و دیگرتشکل‌های واقعی از ابتدایی ترین حقوق ما کارگران است. من یک کارگرم و تا ایجاد تشکل‌ها و سندیکا فعالیت خواهم کرد".

اما محمد جراحی حتی بسیار فراتر از تشکل‌های کارگری و سندیکا فکر میکند. او یک کمونیست است. یک سوسیالیست سرسخت است. میداند اولاً، تمام کمکهای انساندوستانه دست آخر ممکن است مرهمی بر گوشه ای از درد تعدادی انسان از اقیانوس انسانهایی باشد که همه روزه جان و روحشان را سرمایه داری تباه میکند و ثانیاً، مبارزه کارگر برای تحمیل اصلاحات مهم و حیاتی است اما کافی نیست. میداند که اعتراض متشکل طبقه کارگر باید کل این سیستم را زیر رو

محمد جراحی در راه مبارزه برای یک جامعه سوسیالیستی جان باخت. یادش گرامی باد!

کند تا طبقه اش و همه جامعه رها شوند.

او در جامعه ای رنج کشیده و استثمار شده مبارزه کرده است که سرمایه داری و حکومت اسلامیش بر بنیاد تبعیض شکل گرفته است به همه جلوه های زندگی و به همه جلوه های آزادی و حق طلبی تعرض میکند و به این اعتبار اقشار وسیعی از جامعه به پا خاسته اند و در قالب جنبشهای مختلف برای مطالبات انسانی و حق طلبانه شان مبارزه میکنند. او فقط یک فعال صنفی و فعال صرف مطالبات صنفی کارگری نیست و به عنوان یک فعال کارگری کمونیست همه این مبارزات را به خود و طبقه اش مربوط میداند. به عنوان یک فعال محبوب کارگری سوسیالیست خود را برای انسجام دادن و قدرتمند کردن این جنبشها مسئول میداند.

در پاسخ به سؤال قبلی که گفتمانهای رادیکال و انسانی

جلو آمده اند و تصویر شما از موقعیت جنبش کارگری چه هست، میگوید:

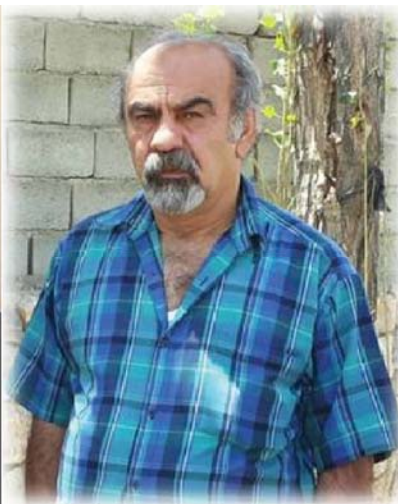
"بایستی جنبشها هم واقعا باهمدیگر یک انسجام درونی و وحدتی داشته باشند. بتوانند برای مردم یک راهکار خوب ارائه کنند. مردم را به بیراه نکشانند. که اینجا نقش جنبشها خیلی مهم است. فعلا هم سندیکاها فعالند. جنبش معلمان فعالند. جنبش کارگری فعال است. اگر ما بتوانیم با این جنبشها یک وحدتی داشته باشیم که حتما باید پیدا بکنیم، آن موقع خواسته های مردم راحت پیش میرود. ..."

به نظر من اینجا محمد جراحی به یکی از مهمترین مسئولیتهای اجتماعی و تاریخی طبقه کارگر و کمونیسم اشاره میکند که میتواند و باید در نقش سخنگوی منافع کل جامعه در مقابل نظام سرمایه داری ظاهر شود. میتواند و باید در نقش مدافع و نماینده و سخنگو و بالاخره رهبر همه جنبشها و اعتراضات برحق جامعه علیه نظم موجود و در نقش رهبری مبارزه برای رهایی کل جامعه از سلطه نظام نابرابر سرمایه

داری ظاهر شود.
در دفاع از سوسیالیسم در زندان رژیم اسلامی سرمایه!

محمد جراحی در ویدیوهای منتشر شده اظهار میکند که به خاطر شرایط مادی نمیتوانست وکیل بگیرد و خودش از خودش دفاع میکند. میگوید که نه تنها از سندیکا و تشکیلاتی کارگران بلکه از سوسیالیسم دفاع کرده است. اعلام میکند که به قاضی و دادستان و دست اندرکاران اسلامی سرمایه در زندان گفته است که "من سوسیالیستم". و با طعنه و تمسخر سعی کرده است به قاضیان اسلامی طبقه سرمایه دار حالی کند که "سوسیالیسم یعنی چه؟" گفته است که "آقای قاضی اصلا معنای سوسیالیسم را میدانی؟" سوسیالیسم یعنی اینکه مثل شما رانت خواری نکنند. حق مردم را نخورند." اسم فامیل قاضی اش که "حمله ور" بوده را دست انداخته است که "این شهرت برازنده خودت است." برازنده قاضی نظام سرمایه داری علیه طبقه کارگر است.

یک وجه مهم کیفرخواست



محمد جراحی در راه مبارزه برای یک جامعه سوسیالیستی جان باخت. یادش گرامی باد!

دادستان حکومت اسلامی علیه محمد جراحی این بوده است که او "چپ و سوسیالیست" است. و محمد جراحی این کیفرخواست را تبدیل کرده است به کیفرخواست طبقه کارگر علیه نمایندگان سرمایه داری در زندان. گفته است که او چپ است. "در راه حق و حقوق انسانها" فعالیت میکند؛ گفته است که "هر جای دنیا این چپها هستند که از حق و حقوق مردم دفاع میکنند؛" گفته است که او و همزمانش از این حقیقت که چپهای همه دنیا طرفدار حقوق انسانها هستند جدا نیستند؛ گفته است که او "چپ است و پایبند به اصول چپ است؛" گفته است که او و همزمانش "فقط حق و حقوق مردم را برایشان" میگفته اند.

محمد جراحی با سرافراشته و افتخار اعلام میکند که در بازجوییهایش با صراحت تمام از این دفاع میکرد که "چپ و مارکسیست" است. و به قول خودش:

"نه، انکار نمیکردم. دفاع میکردم. کار بدی نکرده بودم که انکار کنم. مگر مواد مخدر پخش

میکردم؟ داشتم حق و حقوق مردم را برایشون میگفتم. ترسی از محاکمه نداشتم. به حقانیت خودم اطمینان داشتم که راهم درست است. راه درستی دارم میروم. ترسی از محاکمه نداشتم، حتی اعدام." و وقتی در دادگاه در مقابل این "اتهام" قرار میگیرد که جمع و گروه و تشکلی که درست کرده بود تا با مردم ارتباط بگیرد و به قول خودش "حق و حقوق مردم" را برایشان بگوید یک گروه چپ و مارکسیستی است و اندیشه های سوسیالیستی را تبلیغ میکند، با طعنه جواب میدهد که:

"اصلا شما مارکسیسم را اطلاع نداری. سوسیالیسم را اطلاع نداری. سوسیالیسم مگر قانون من در آوردی است؟ قانون بشریت است. از حق و حقوق مردم دارد حرف میزند. من به عنوان یک مارکسیست از حق و حقوق مردم دارم حرف میزنم. مثل شما رانت خواری نکرده ام. مثل شما رشوه نخورده ام..."

روشن است که محمد جراحی نمیخواسته است قاضی سرمایه داری اسلامی را به راه راست هدایت کند. روشن است که در این رفت و برگشت و محاوره با قاضی و زندانبانانش، این اسیر طبقه

کارگر در زندان جمهوری اسلامی قاضی ضدکارگر را به تمسخر گرفته بود. روشن است که این "مکالمه" با قصابانی که جان این کارگر کمونیست را در دست داشتند فقط و فقط ابراز خشم و نفرت از جانیانی بود که برای حیات این رهبر محبوب و سرشناس کارگری دسیسه های پلیدی داشتند.

ت حزب کمونیستی کارگران و حزب کمونیست کارگری!

آخرین سؤال شهلا دانشفر از محمد جراحی به طور روشن این است: "در آخر مایلم نظرتان را در مورد حزب کمونیست کارگری ایران بدانم."

در پاسخهای محمد جراحی به این سؤال محورهایی هست که علیرغم کوتاه بودنش مبانی درک این فعال کارگری کمونیست را روشن میکند.

قبل از هر چیز او از قلمرو وسیع نگاه حزب به مسائل صحبت میکند. میگوید "اولا حزب دیدگاهش وسیع است." برای توضیح معنای این صحبتش حزب را با جنبش مقایسه میکند و روی تفاوتهای حزب با جنبش (به همان معنایی که او ترسیم کرده است) تاکید میکند. ما هر تعبیری از جنبش داشته باشیم، با توجه به پاسخهای

این بخش آخر صحبت‌های محمد جراحی در باره یک حزب کمونیستی معتبر در جامعه ایران حتما به مذاق آن طبقه ای خوش نمی آید که از پیام صریح محمد جراحی به حزب کمونیستی کارگران احساس خطر میکند.

**محمد جراحی در راه
مبارزه برای یک جامعه
سوسیالیستی جان
باخت. یادش گرامی باد!**

قبلی او معلوم است که منظور جراحی از جنبشها اینجا مثلا جنبش سندیکایی، جنبش رفرمیستی، جنبش ناسیونالیستی، جنبش کمونیستی و تفاوتهاشان نیست. او با مثالهایی که در پاسخ به سئوالات بالا زده است معلوم میکند که منظورش از جنبشها، تحرک عدالت طلبانه بخشهایی از جامعه برای مطالباتشان است. مثلا جنبش معلمان با شعارها و مطالبات معین را مثال میزند.

با اتکاء به این تصویر از جنبشها محمد جراحی ادامه میدهد که حزب "مثل جنبش نیست. جنبش در یک چهارچوب حرکت میکند. برای خودش یک مرامنامه و اساسنامه ای دارد." مثلا جنبش معلمان اهداف خاص معلمان را پیش میرد. میتوان به جنبش علیه اعدام، جنبش برای خلاصی فرهنگی، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، جنبش برابری زنان و غیره هم اشاره کرد که در نهایت همه این جنبشها روی موضوع معینی خیره میشوند. جنبشها تک موضوعی و تک مطالبه ای هستند. اما حزب، همچنانکه محمد جراحی با جملاتی بسیار صریح و روشن میگوید، فراتر از جنبشها به این معنا هست.

محمد جراحی در مورد جایگاه حزب آنقدر روشن است که در ادامه پاسخش تاکید میکند که

"حزب خیلی وسیعتر از اینها است." و توضیح میدهد که حزب در کارخانجات، در قلمروهای مدنی، در محیطهای فرهنگی فعال است. و در یک جمله میگوید که "در تمام کارها حزب میتواند مداخله کند" و بالاخره استنتاج میکند که "اگر ما حزب نداشته باشیم نمیتوانیم کارها را پیش ببریم".

با این تصویر از جایگاه حزب کمونیستی محمد جراحی پاسخش به این سؤال که نظراتان در باره حزب کمونیست کارگری ایران چیست را مشخصا اینچنین ادامه میدهد:

"البته نظر من در مورد حزب کارگری ایران خیلی خوب است. برای اینکه حزب کارگری ایران میتواند با دیدگاه وسیعی که دارد در تمام زمینه ها، تمامی به حساب تضادها، تمامی به حساب معضلاتی که در جامعه هست، تنها حزبی که میتواند راه کار داشته باشد فقط حزب کمونیست کارگری است."

این بخش آخر صحبتهای محمد جراحی در باره یک حزب کمونیستی معتبر در جامعه ایران حتما به مذاق آن طبقه ای خوش نمی آید که از پیام صریح محمد جراحی به تحزب کمونیستی کارگران احساس خطر میکند. همچنین این پیام خوشایند طیفی از "چپ" ها نمیتواند باشد که تحت تاثیر تبلیغات سالهای طولانی جهان سرمایه داری علیه کمونیسم و تحزب کمونیستی مرعوب شده اند و امروز مشغله ای ندارند جز تخطئه تشکیلاتی کارگران در حزب کمونیستی و دور کردن کارگران از حزب کمونیستی.

این احساس و اعلام تعلق علنی به یک حزب کمونیستی توسط یک فعال کارگری چپ و سوسیالیست قاعدتا باید مورد مباحثات و شغف هر انسان شریفی باشد که میخواهد دنیا از دست طبقه ای که به تباهیش کشیده است رها شود و میداند که بدون رهبری یک حزب کمونیستی هرگز جامعه به رهایی از اسارت سرمایه نخواهد رسید.

برای هر انسان دردمندی که آرزویش رهایی طبقه کارگر و کل جامعه است باید خوشحال کننده باشد که علیرغم حجم خیره کننده تبلیغات ضد کمونیستی جهان سرمایه داری، علیرغم تخطئه و بدنام کردن سازمانیافته حزبیت کمونیستی کارگران در دوران جنگ سرد، علیرغم تهاجم وسیعی که به بهانه فروپاشی بلوک شرق علیه کمونیسم و تحزب کمونیستی و مخصوصا تحزب کمونیستی کارگران راه انداختند، یک شخصیت سرشناس و مبارز کارگری اینچنین صمیمانه، بی لکنت زبان، شفاف و آگاهانه از متشکل شدن کمونیستی کارگران و حزب کمونیست کارگری دفاع میکند.

مؤخره:

محمد جراحی ۵ سال از عمرش را در اسارت در زندان جمهوری اسلامی گذراند. شکنجه های جسمی و روحی فراوانی را تحمل کرد. حکومت اسلامی او را آگاهانه و سازمانیافته در معرض انواع بیماریها قرار داد و نهایتا در زندان حکومت به بیماریهای مهلکی دچار شد و جان باخت.



محمد جراحی در راه مبارزه برای یک جامعه سوسیالیستی جان باخت. یادش گرامی باد!

داستان غم انگیز اسارت این فعال کارگری شریف و جسور طبقه کارگر در زندان جمهوری اسلامی را دیگر همه شنیده اند. اما این داستان دردناک وجه دیگری دارد که حاکی از قدرت و صلابت رهبران کارگری کمونیست و جنبش کارگری است. محمد جراحی یکی از برجسته ترین نمونه های فراموش نشدنی است که از یکطرف عمق قساوت و شقاوت و بیرحمی و رذالت طبقه سرمایه دار ایران و حکومتش را نشان میدهد و از طرف دیگر جسارت، قدرت، صلابت، عظمت طبقه کارگر و رهبران را نشان میدهد.

از لحظه جانباختن این کارگر مبارز و کمونیست محبوب تا مراسم خاکسپاریش فاصله بسیار کوتاهی بود. اما علیرغم این فاصله کوتاه حضور پرشور تعداد زیادی از فعالین و رهبران

سرود در مراسم خاکسپاری محمد جراحی، او در کنار کموناردهای پاریس، در کنار بلشویکهای انقلاب ۱۹۱۷، در کنار هزاران هزار کمونیستی که برای رهایی بشریت از نظام سرمایه داری مبارزه کرده اند و به خاک افتاده اند جای گرفت.

یاد محمد جراحی این رهبر شریف و جسور و آگاه طبقه کارگر گرامی باد!

27 مهر 1396- 19 اکتبر 2017

توضیح: منبع اصلی من در این یادداشت آخرین گفتگوهای ویدیویی منتشر شده محمد جراحی مخصوصا صحبتهای او با شهلا دانشفر از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران است که در اینترنت قابل دسترس هستند.

کارگری و مبارزین راه برابری و آزادی، سخنرانیهای پرشورشان و اعلام صریح این حقیقت که مسئول مرگ محمد جراحی و هم‌رزم شجاعش شاهرخ زمانی حکومت اسلامی است؛ و اعلام اینکه با مرگ محمد جراحی و شاهرخ زمانی عزمشان برای مبارزه برای رهایی طبقه کارگر و جامعه جزمتر خواهد شد؛ با اعلام اینکه غم از دست رفتن محمد جراحی را به نیرویی علیه آنهایی که مسبب این وضعیت هستند تبدیل خواهند کرد؛ نشان دادند که جمهوری اسلامی با قتل رهبران کارگری بیش از پیش زیر پای خودش و طبقه مورد حمایتش را خالی میکند.

محمد جراحی همانطور به خاک سپرده شد که سزاوارش بود. در میان سرود جاودانه و شورانگیز جهانی کارگران؛ سرود انترناسیونال. محمد جراحی برآستی شایسته این بود که در میان طنین این سرود جهانی طبقه کارگر و کمونیسم به خاک سپرده شود. با این





مینا احدی: گرامی یاد و خاطره محمد جراحی کارگر کمونیست و کادر حزب کمونیست کارگری ایران

سخنرانی مینا احدی در مراسم یاد بود محمد جراحی در شهر کلن آلمان

من به نوبه خودم تسلیت میگویم به خانواده محمد جراحی به همشهریان خودم و به مردم تبریز

محمد جراحی در این ویدیو با لهجه خیلی شیرینی از آذربایجان صحبت میکرد و مراسمی که بر گزار شد در تبریز بود که شاهرخ زمانی و تعداد زیادی از کمونیست هایی که ما از دهه ۶۰ میشناختیم در آنجا دفن شده اند. برای ما و خود من که در تبریز بودیم یادآور خاطرات دردناکی بود. ما برای اولین بار که آن جا رفتیم جمهوری اسلامی پسر جوانی به اسم مسعود را برای اینکه بقیه را بترساند تکه تکه اش کرده بود و ما برایش مراسم گرفتیم. همانموقع ۲۸ سال قبل ما سرود انترناسیونال خواندیم. ما داریم در مورد جامعه ای حرف میزنیم که جمهوری اسلامی قوانین شریعت، ضد انسانی بودن و وحشیگری و بربریتش آن جامعه را شخم زده است، بنظر من جامعه ایران بلند شده است و این انترناسیونال که بر مزار محمد جراحی خوانده شد مهر باطلی است بر حکومتی که با اسلام آمد با قوانین شریعت آمد، با قوانین ضد

هم ارتباط داشته باشید باید آخوند و ملا خبردار باشند که اصلا مردم به ریشش میخندند. اینکه حقوق کودک، حقوق همه انسانها را زیر پا گذاشته است و ما الان از ایران وجود شعارهایی را میبینیم که به حقوق کودک و حقوق زن احترام میگذارد. مبارزه میکند برعلیه بی عدالتی و زندانی سیاسیش کسی هست که از درون زندان از کل بشریت دفاع میکنند. این مهم است! این مهم است دیدن کارگری که میبند تو زندان و در واقع روزهای آخر زندگیش است اعلام میکند که بگویند من کمونیست بودم، و اعلام کنید که وابسته به حزب کمونیست کارگری بوده ام. بنظر من این هم داره جامعه ایران را جلو میبرد و جلو برد. اتفاق مهمی بود افتاد. چرا اینطوری است. جمهوری اسلامی وصله ای ناجور بود و آنرا نپذیرفتند برای اینکه فرهنگ غربی در جامعه ایران همیشه محبوب بوده است، برای اینکه این وصله

انسانی آمد. همانموقع در دهه ۶۰ در تبریز هرکس که حرف زد را کشتند، دکتری که به کمونیستی که در آن مقطع داشت مبارزه میکرد کمک کرده بود رفتند در داخل مطبش گلوله زدند و کشتند. جمهوری اسلامی اینگونه سر کار آمد حکومتی که میخواست ایران را اسلامی کند حکومتی که میخواست قوانین، سنتها و اخلاقیات آن جامعه را عوض کند و بنظر من طوفان درو کرد. نه به این خاطر که من از ایران هستم، من خیلی جاها به زبان آلمانی هم اینور و آنور سخنرانی میکنم و همیشه گفته ام ایران جامعه ای است که بلند شده است و جواب بربریت سرمایه داری قرن را میدهد، جامعه ای که بلند شده است، این جامعه حکومت اسلامی را نپذیرفت در تمام ابعاد آنرا نپذیرفته است. از زنان باحجاب که دارند بدون حجاب بیرون میروند، چهارشنبه های بی حجاب اعلام میکند، از اینکه گفته بودند اگر بخواهید با

ناجور را مردم پشش زدند و در عین حال در آن جامعه و در فضای آن جامعه کمونیسم پخش شد. این مهم است! در شرایطی که گفتند کمونیسم مرده است، بنظر من باید اینرا باصدای بلند گفت، منصور حکمت در یک جلسه که من هم شرکت داشتم گفت اگر من هم از بین رفتم اگر از زیر خاک هم بوده حرفهای مرا بیرون میاورند و این جامعه از آن دفاع میکند. بنظر من دارند میکنند. ما حالا با چپی طرف هستیم با کسانی که اسم خودشان را اپوزیسیون گذاشته اند ولی وقتی که یک رهبر کارگری میگوید من کمونیست هستم تنشانشان میلرزد و میگویند نه نه بقیه ممکن است به خطر بیافتند، ما با اینها از روزی که جمهوری اسلامی سرکار آمد در حال جنگیم. چپی که در آنموقعه میگفت خمینی ضد امپریالیست است حرف نزنید حجاب مهم نیست، زنهای ژینگول و بالای شهری فقط در مورد حجاب حرف میزنند، تا کم کم آمده اند مثلا به اسم خودمان داشتیم مقاله مینوشتیم میگفتند خطر امنیتی دارد. من وقتی که اروپا آمدم همین بحث بود با یک اسم دیگری خودت را معرفی کن ولی جنبشی که من از آن آمده ام و یاد گرفتم میگفت سینه سپر کن و حرفت را با چهره خودت بزن، مردم اگر میخواهند انتخاب کنند باید نقطه قدرتها و نقطه ضعفها و احساسم را با همه وجود ببینند. اگر میخواهیم جامعه ایران را رهبری کنیم اگر میخواهیم جمهوری اسلامی را بیندازیم، اگر میخواهیم

بگوییم که من بعد از جمهوری اسلامی میتوانم جامعه را رهبری کنم باید به مردم اجازه بدهیم که من را با اسم و مشخصات خودم ببینند بنظر من اون جامعه دارد رهبران خودش را ببیند. جعفر عظیم زاده با مبارزه ای که کرد عملا جمهوری اسلامی را در زمینه امنیتی کردن اعتراضات به شکست کشانید این ثبت شد در تاریخ به هر شکلی که بود با اعتصاب غذا تا پای مرگ رفت، ما همیشه نگرانش بودیم ولی اعلام کرد وقتی که میگوییم سفره کارگر خالی است نمی توانید بگوید خامنه ای روحش لرزید امنیتی است. ما داریم مبارزه میکنیم برای زندگی بهتر و این حربه را از دستشان گرفتند.

دوستان! جمهوری اسلامی از همه رهبران اعتراضات اجتماعی گروگان میگیرد، از مبارزه برای حقوق زن گرفته تا مبارزه بر علیه اسلام و مذهب تا مبارزه برای دفاع از حقوق کارگر و معلم و کودک و دانشجو گروگان میگیرد. تعدادی را میرد زندان تا پای مرگ شکنجه میکند و زیر فشار میگذارد تا از بقیه زهر چشم بگیرد، برای اینکه بگوید اگر اعتراض کنید به این روز میافتید و رهبران کارگری تو زندان چنان دفاع کردند چنان آزادمنش بودند چنان اطلاعیه های سطح بالا دادند که بنظر من در این زمینه هم جمهوری اسلامی را بشکست کشانیدند. پس ما در مورد جامعه ای حرف میزنیم که در آستانه شورش و انداختن جمهوری اسلامی و توضیح دادن یک آینده انسانی است.

من ادعا میکنم که کمونیسم در جامعه ایران شخم خورده است و بنظر من این جامعه بعد از رفتن جمهوری اسلامی آماده است چه در مورد مبارزه بر علیه بی حرمتی و بی حقوقی زن و کودک و همه این مسائل و چه در رابطه با عدالت اجتماعی حقوق انسانی و حقوق برابر و غیره جامعه ما کاملا آماده است اگر خون نپاشند اگر حمله نکنند این جامعه میتواند جواب جمهوری اسلامی را بدهد و ما باید مفتخر باشیم ۴۰ سال مبارزه کرده ایم خیلی از ما عزیزانمان را از دست داده ایم، خیلی از ما سختی های زیادی را کشیده ایم ولی باید جامعه در آنجا و در غرب هم به احترام ماها بلند شوند که سالهای سال مبارزه کردیم و پرچم کمونیسم را دستمان گرفتیم در شرایطی که میگفتند ساکت و میگفتند به شکست کشیده شده است ما اینکار را کردیم و حالا جامعه ایران دارد بلند می شود

به احترام همه رهبران کارگری و رهبران کمونیست و تمام رهبران و فعالین عرصه های مختلف مبارزه بلند شویم و دست بزنیم

زنده باد



سخنرانی شهلا دانشفر در مراسم گرامیداشت محمد جراحی از چهره های شاخص جنبش نوین کارگری

خدمت همه شما سلام دارم. محمد جراحی در سیزدهم مهرماه جان باخت. جان باختن این عزیز را به خانواده و همه بستگانش، به شما که اینجا جمع شده اید تا یاد او را گرامی بدارید، به کارگران و به همگان تسلیت میگویم. یادش گرامی باد!

محمد جراحی یک چهره محبوب کارگری، یک کارگر کمونیست و رزمنده و کادر حزب کمونیست کارگری ایران بود.

از کودک کار تا فعال پرشور کمونیست

محمد جراحی وقتی از زندگیش سخن میگوید، و از اینکه فقط سه سال داشته کار کرده تا کمک خرج خانواده باشد، و کودک کار بوده، میگوید من در زندگی خودم فهمیدم، تبعیض یعنی چه، نابرابری یعنی چه و سرمایه چه بر سر جامعه می آورد. و این چنین بود که سوسیالیست شدم. او توضیح میدهد و میگوید وقتی با چپ آشنا شدم، با مارکسیست آشنا شدم، پاسخ روشن را گرفتم. فهمیدم که راه ما، رهایی از شر سرمایه داری است و راه ما، سوسیالیسم است. از همین مقطع است که از همان اوان جوانی به عنوان یک فعال کارگری کمونیست و چپ شروع به فعالیت کرد. شروع به متحد کردن و سازمان دادن

کارگران در محافل چپ کرد. و به قول خودش شروع به آگاهگری در میان کارگران و نشان دادن ریشه های فقر و فلاکت در جامعه کرد. محمد جراحی یک پارچه شور بود. تمام زندگی اش سراسر از مبارزه بود. او حتی در بیدادگاه جمهوری اسلامی در مقابل بازجوهای جنایتکار گفت؛ من از حق کارگر دفاع کردم، از حق انسانها دفاع کرده ام. از سوسیالیست دفاع کرده ام و مثل شما دزد و رانت خوار نبوده ام. او با این سخنان صحنه محاکمه اش را به صحنه محاکمه جمهوری اسلامی و رانت خوران و جنایتکارانش تبدیل کرد. این شخصیت محمد جراحی است.

وقتی به زندگی محمد جراحی نگاه میکنیم، بر این حقیقت تاکید دارد که چگونه سوسیالیسم یک گرایش زنده و فعال در درون جنبش اعتراضی کارگری است. محمد جراحی ها بسیارند. طیف کارگران سوسیالیست، رادیکال و چپ و معترض بسیارند. محمد جراحی در آخرین سخنانش پیامی به همین طیف دارد. او میگوید که راه رهایی سوسیالیسم است و باید حزب داشت. و آنوقت حزبی را انتخاب میکند. این پیام محمد جراحی به کارگران، به جنبش کارگری و به فعالین کارگری چپ و کمونیست است. او میگوید بدون حزب

سوسیالیسم پیروز نمیشود. این سخنان مهر این زمانه را دارد. به عبارت روشنتر محمد جراحی در شرایطی این سخنان را میگوید که جنبش کارگری در چنین نقطه عطفی قرار دارد. در شرایطی که جنبش کارگری پیشروی های مهمی کرده و اعتراضات کارگری چنین گسترده است. در شرایطی که شعارهای اعتراض رادیکال، چپ و انسانی هر روز جلوتر آمده و به بیان اعتراض جامعه تبدیل شده است. در شرایطی که مضمون واقعی جنبش کارگری به اعتراض علیه سرمایه داری و علیه نابرابری تبدیل شده و این را در شعارهای اعتراضی و مبارزاتی هر روزه کارگر، معلم، بازنشسته و در تمام جامعه می بینیم. از جمله شعارهای چون سفره تو رنگینه، سفره ما فقیره، اگر ما اینجا نبودیم، تو اون بالا نبود، ملک نجومی تو ما را بی مسکن کرده، ثروتهای نجومی، فلاکت عمومی، یعنی مرگ بر سرمایه داری، و مستقیماً سرمایه داری حاکم را به چالش میکشد. در چنین موقعیتی جنبش کارگری به مرکز ثقل مبارزات سیاسی کل جامعه تبدیل شده و نقش بسیار مهمی در سیر تحولات سیاسی جامعه پیدا کرده است. در چنین موقعیتی گفتمان های چپ و کارگری اجتماعاً جلو آمده و به زبان اعتراض کل جامعه تبدیل شده است. محمد جراحی ها چهره ها و شخصیت های این جنبش هستند. محمد جراحی همانطور که خودش هم میگوید، آدم تئوریک نیست،

ولی ضرورت زمانه و امروز جامعه را خوب تشخیص داد. او درست در شرایطی که بحث بر سر آلترناتیو برای رهایی از جهنم سرمایه داری است، بحث بر سر انتخاب سیاستی روشن و داشتن افق و چشم اندازی روشن هست. محمد جراحی گفت برای اینکه سوسیالیسم به پیروزی برسد، باید حزب داشت و حزب کمونیست کارگری ایران، حزب من است. و این حزب است که در مقابل جامعه راهکار دارد. و این یعنی چفت شدن محمد جراحی ها با این اوضاع سیاسی و مهم است و برای کل جامعه پیام دارد. به این اعتبار این موضوع یک اتفاق سیاسی مهم در اوضاع خطیر امروز است که دارد در مقابل جامعه راه نشان میدهد.

تابو شکنی

محمد جراحی در عین حال با این گفته ها تابو شکنی کرد و گفتمان حزبیت و ضرورت داشتن حزب را جلو آورد. و این جنبش ماست، جنبش کمونیسم کارگری است. جنبشی که همیشه تابو شکن بوده است. برای مثال ما از تعیین یابی چپ و حضور علنی فعالین کارگری چپ و رادیکال صحبت کردیم. عده ای به ما حمله کردند و گفتند امنیت اجازه نمیدهد و ممکن نیست. و می بینیم امروز چگونه صفی از رهبران رادیکال، چپ و کمونیست جلو آمده اند. رهبرانی که صرفا رهبران کارگری نیستند، بلکه رهبران سیاسی شناخته شده در سطح جامعه هستند. ما در رابطه با کارگری که دستگیر

شده بود، با اسم و رسم مشخص کارزار مبارزاتی به راه انداختیم- کارزار دفاع از محمود صالحی- به ما حمله کردند و گفتند کارتان غیر مسئولانه است. او را به خطر انداخته اید. اما خوشبختانه امروز می بینیم در این عرصه ها چقدر جامعه به جلو آمده است. امروز می بینید که چهره های رادیکال، چپ و کمونیست کارگری یکی بعد از دیگری به جلوی صحنه می آیند و از جمله یکی از آنها محمد جراحی است. اینها همه تابو شکنی بوده است. حال در اعتراضات هر روزه کارگری می بینیم که کارگر می آید و از سوسیالیسم و تبعیض و نابرابری صحبت میکند، یا مثلا در مراسم گرامیداشت محمد جراحی در تبریز می بینیم که رهبران کارگری می آیند و این چنین جانانه از سوسیالیسم صحبت میکنند، علیه سرمایه داری حرف میزنند، سرود انترناسیونال میخوانند، و کارگران مشت‌هایشان را بلند میکنند و کیفرخواست خود را علیه سرمایه داری اعلام میکنند و ...

حایگاه و اهمیت حزب و حزبیت

پیام واقعی محمد جراحی اینست که دیگر اینجا نباید متوقف شد. پیام او اینست که همانقدر که گفتمان علیه سرمایه داری و برای رسیدن به سوسیالیسم وجود دارد، باید گفتمان حزبیت نیز به راه افتد. به این معنا که حق ماست که حزب داشته باشیم. حق ماست که در حزب خود متشکل باشیم. به عبارت

روشنتر آزادی بدون قید و شرط بیان و داشتن تشکل حق ماست. و همانطور که حق داشتن سندیکا و شورا و تشکلهای توده ای کارگری خود را داریم، باید حزب داشته باشیم. باید در برابر جبهه عظیم سرمایه داری، متحزب بود. این پیام محمد جراحی است و مهم است. جالب است و اینجاست که می بینیم که چگونه با کاری که محمد جراحی کرد، این گفتمان به راه افتاده است. بحث ها را حتما دنبال کرده اید. در میان فعالین کارگری بحث های داغی بر سر این موضوع به راه افتاده است. همان روزی که ما خبر ناگوار درگذشت محمد جراحی و کادر بودن او در حزب را اعلام کردیم، مثل خبر مهمی در محافل کارگری به خبر داغ تبدیل شد. این خواست خود محمد جراحی بود که عضویتش اعلام شود. در صحبتی که با خود او داشتیم، او گفت که من نمیخواهم اگر اتفاقی افتاد، از من فقط بعنوان یک فعال کارگری صحبت شود، بلکه من یک کارگر کمونیست و عضو حزب کمونیست کارگری ایران هستم و میخواهم به عنوان عضو حزب کمونیست کارگری ایران از من اسم برده شود. من میخواهم پایم بر جای محکم استوار باشد و این به من امید میدهد. و وقتی به او گفتم تو عضو این حزب هستی. این حزب متعلق به شماها است. جای شماها در این حزب است. گفتم اگر اعلام هم نمیکردی این سیاست ماست. سیاست عضویت ما همین است و از نظر ما همه

که بیرون داده میشد، امضاء محمد جراحی را نیز پایش می دیدید. و دیدید که در برابر بازجوهای زندان چگونه ایستاد و کل این سیستم را به محاکمه کشید. در عین حال محمد جراحی کاری کرد که حقارت محافل منفردی که به ظاهر از کارگر و سوسیالیسم دفاع میکنند، اما وقتی یک کارگر عضو حزب میشود، آنرا تقبیح میکنند، مقابل چشم همه گذاشته شود. پایان کار اینگونه محافل را نشان داد. به این معنا نیز تابو شکنی کرد و عقب ماندگی ها را نشان داد. محمد جراحی یکی از چهره های شاخص جنبش نوین کارگری بود. چهره هایی که دارد نشان میدهد که امروز جنبش کارگری ایران کجا ایستاده است.

زنده باد محمد جراحی! ■

مدتهاست به آنها سرزنده ام، بروم و دستشان را میگیرم و می آورم توی این حزب و میگویم کجا هستید؟ بیاید عضو این حزب شوید. او با چنین امیدی از این حزب و زندگی اش صحبت میکرد. محمد جراحی چنین شخصیتی بود. از همین روست که میگویم محمد جراحی ضرورت زمانه را فهمید. او انسان بزرگی بود و حرف زدن با این انسان بزرگ بسیار شورانگیز بود. او از لحظات زندگیش میگفت و از اینکه چگونه زندگی اش را به سختی سپری کرده است. همانطور که اشاره کردم، تمام زندگی او پر از مبارزه بود. در زندان و در بیرون از زندان. بیانیه های مختلفی که از زندان علیه اعدام، برای آزادی زندانیان سیاسی، در اعتراض به وضع اسفبار زندانیان، در دفاع از حقوق کودک و به مناسبتهایی چون روز جهانی کارگر و روز جهانی زن در هر مورد دیگری

کارگران کمونیست، همه کارگرانی که خود را سوسیالیست میدانند، اعضای بالقوه این حزب هستند. ممکن است هنوز تصمیم خود را نگرفته باشند، ولی اعضای این حزب و این جنبش هستند. بعدا وقتی گزارش عضویت محمد جراحی در جلسه هیات اجرایی حزب داده شد، کادر بودن او به تصویب رسید. بدین ترتیب کادری او را به وی رسماً اعلام کردم. نامه حمید تقوایی در مورد تبریک عضویت وی را برایش خواندم. جواب او این بود که شما به من انرژی دادید که بتوانم با این بیماری هایم بجنگم و به من امید دادید.

شور زندگی

محمد جراحی یک پارچه شور زندگی بود و گفت که با دکترم قرار دارم. امیدوارم حالم کمی بهتر شود تا سراغ دوستان قدیمی ام که بدلیل اینکه در زندان بودم و بیماری داشتم،

محمد جراحی و کمونیسم در ایران

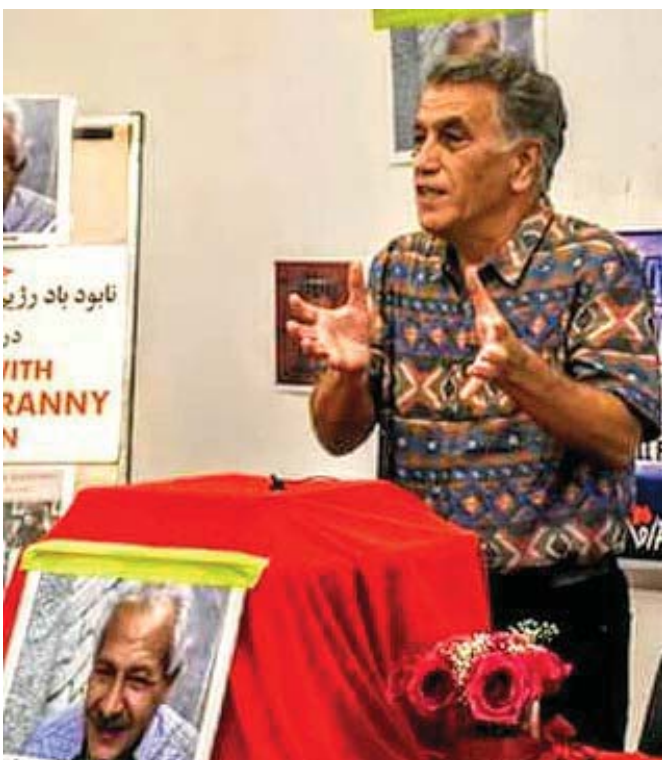
سخنرانی در مراسم گرامیداشت محمد جراحی در ونکوور کانادا

28 اکتبر 2017

مصطفی صابر

نمیدانم آیا شما ویدئوهایی که از صحبت های محمد جراحی و مراسم گرامیداشت او در یوتیوب هست را دیدید یا نه؟! اگر ندیده اید، توصیه میکنم ببینید. من تا قبل مرگش آشنایی چندانی با او نداشتم. ولی وقتی که این ویدئوها را نگاه کردم، برایم جالب و راستش خیلی روحیه بخش بود.

اولین نکته ای که تماشای ویدئوی مراسم خاکسپاری محمد جراحی نظر مرا به خود جلب



کرد این بود: در همان قبرستانیکه يك عده از فعالین کارگری از نقاط مختلف ایران برای گرامیداشت یاد محمد جراحی جمع شده اند، در عین حال خانواده ای را میبینید که آنها هم برای گرامیداشت عزیز خودشان جمع شده اند. از یکطرف صدای روضه خوانی و قرآن میشنوید، و از طرف دیگر صدای سرود انترناسیونال و ترجیع بند آن را، "انترناسیونال است نجات انسانها!" این صحنه برای من از این نظر بویژه جالب بود که همه اینها در جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است. شما این دو صحنه را در کانتراست باهم میبینید. از یکطرف روضه خوانی و آیه قرآن را میشنوید و در طرف دیگه سرود انترناسیونال را میشنوید. من فکر میکنم که این صحنه خود یکجور انعکاسی از اوضاع سیاسی ایران هست. و نکته جالب هم اینجاست که اینبار سرود انترناسیونال را کارگران میخوانند و طنین انداز میکنند. بعد میبینیم که موضوع محدود به گرامیداشت محمد جراحی نیست. در همان صحبتهایی که رهبران کارگری، مثل جعفر عظیم زاده و یا محمود صالحی میکنند، نکات فراتری مورد اشاره قرار میگیرد. (در ضمن این را هم بگویم که محمود صالحی را روز گذشته جلو بیمارستان دستگیر کردند و به زندان بردند. لازم است این را از طرف خودم و همه حضار محکوم کنم.) مثلاً به این اشاره میشود که این تنها محمد جراحی نبود که جمهوری اسلامی عملاً کشته است، به شاهرخ زمانی و دیگران اشاره میشود. همچنین به

فشارهایی که روی کارگران هست و اعتراضات و مبارزات جاری. در صحبتهای این رهبران کارگری يك امیدواری و اعتماد بنفسی هست که به منی که این سر دنیا در ونکوور نشسته ام روحیه میدهد. در واقع آنچه که حول درگذشت محمد جراحی اتفاق افتاد و بدرجه ای در مدیای اجتماعی مطرح شد يك اتفاق سیاسی مهم است. حالا قبل از اینکه بخواهیم راجع به بزرگداشت این آدم و کارهائیکه انجام داده صحبت کنیم، يك جنبش اجتماعی در صحنه جامعه ایران در حال جوشش و حرکت است که محمد جراحی اش را گرامی میدارد و بزرگ میکند و بزرگ کرده است. این بنظر من پدیده جدیدی در اوضاع سیاسی ایران است. شما ده سال پیش یا پنج سال پیش این را نمیدیدید. شاید نقطه عطف زمانی بود که معلم ها و کارگران آمدند و ایستادند کنار هم يك حرکت مشترکی را با همدیگر شروع کردند؛ علیه امنیتی کردن و جرم امنیتی دادن به فعالین کارگری، که يك فضای جدیدی در اوضاع سیاسی ایران بوجود آورد که بنظر من حائز اهمیت زیادی است. یعنی مرگ محمد جراحی در عین حال همه اینها را جلو چشم ما میآورد که چطور طبقه کارگر در ایران دارد در يك سطح سیاسی و وسیع در جامعه مطرح میشود. رهبران کارگری دارند در يك سطح سیاسی وسیعی مطرح میشوند. البته این هنوز آنقدر نیست که، برای مثال فرض کنید همین چند روز گذشته علی اشرف درویشیان فوت کرد که ایشان هم نویسنده چپ و کمونیست بود، و یادش هم گرامی باد، ولی خبر درگذشتش فوراً رفت روی اخبار بی بی سی. من فکر نمیکنم که خبر مرگ محمد جراحی فوراً رفته باشد روی سایت بی بی سی. هنوز در آن حد شاید مطرح نیست طبقه کارگر بعنوان يك نیروی سیاسی. ولی قطعاً چیزی که هست این است که، بدون تردید، ما با يك وضعیت جدیدی روبرو هستیم که قبلاً شاهد نبودیم. شاید ده سال پیش مشکل میشد از دو تا رهبر کارگری سرشناس اسم ببریم. ولی امروز تعداد زیادی هستند که چهره ها و شخصیتهای حتی سراسری شدند چه از بین معلم ها و چه کارگرها. این موضوعی است که در جریان مرگ محمد جراحی هم دیدیم، یعنی يك پیشروی در جنبش کارگری را شاهد هستیم که حول بزرگداشت محمد جراحی هم خود را نشان میدهد.

نکته بعدی که این ویدئو ها برجسته میکند و برای من جالب توجه است، این است که در صحبتهایکه محمد جراحی میکند و در مصاحبه هائیکه با او شده و یا همان سخنرانیهایی که سر مزارش میکنند، از سوسیالیسم و کمونیسم با روشنی و شفافیت صحبت میشود. برای مثال، از محمد جراحی میپرسند که شما را به جرم فعالیت سوسیالیستی و اینها گرفتند، شما در دادگاه چه گفتی؟ او جواب میدهد که ایستادم و سفت و سخت از سوسیالیسم دفاع کردم؛ معلوم است که اینکار را

برابر در کنار همدیگر زندگی کنند. و این چهره ای است از سوسیالیسم که ما الان در رابطه با گرامیداشت محمد جراحی بروشنی میبینیم.

نکته دیگری که ما، یعنی حزب کمونیست کارگری، در این موضوع برجسته کردیم و برای خود من کمی حیرت آور بود و آن مسئله عضویت محمد جراحی در حزب کمونیست کارگری بود. (خوب من در رهبری حزب کمونسیت کارگری هستم ولی من نمیدانستم که محمد جراحی کادر حزب است. این بخاطر این است که ما موقعیت تشکیلاتی فعالین داخل کشور را نمی دانیم. برای اینکه دانستن این اطلاعات نا لازم است.) ولی وقتیکه اطلاعیه حزب را دیدم که اعلام کرده بود محمد جراحی کادر حزب کمونیست کارگری بود خیلی خوشحال شدم. البته میدانید که يك عده ای به این مسئله حمله کردند، من هم به فکر رفتم که این خوب است یا بد است. ولی بعد از چند ساعتی متوجه شدم که ما چه کار درستی کردیم. برای اینکه این يك فضای جدیدی بوجود آورد. و آن فضای جدید این است که ما نه فقط با پیشروی سیاسی جنبش کارگری و پیشروی يك نوعی از کمونیسم روبرو هستیم، بلکه شاهد این هستیم که مسئله حزب گریزی از جانب یک رهبر کارگری مورد تهاجم قرار گرفت و از حزبیت و اهمیت حزب و تحزب دفاع شد. میخواهم بگویم که نفس حزبیت و تحزب فاکتور جدیدی بود که در درگذشت محمد جراحی مطرح

کارگری هم میشد دید، این است که این نیرویی است که میخواهد کل جامعه را آزاد کند. صنفی گری توش نمیبینید، ناسیونالیسم توش نمیبینید. حتی در يك مورد هم که محمود صالحی صحبت میکند، بصراحت میگوید که رفغ ستم ملی و مقابله با ستم ملی را فقط يك نیرو میتواند به سرانجام برساند و آن هم طبقه کارگر است. و چند بار هم این را با قاطعیت تکرار میکند. و باز در صحبتهای خود محمد جراحی، با وجود اینکه مریض است و نای حرف زدن ندارد و وقتی با او مصاحبه میکنند باید يك استراحتی به او بدهند که نفسی تازه کند تا حرف بزند، ولی هر وقت که حرف میزند چنان شفاف و واضح و امید بخش و چنان کارگری، کمونیستی و مارکسیستی است که برای من یکی امید بخش بود و روشن کننده بود. بهرحال میخواهم بگویم که نه فقط ما با این واقعیت روبرو هستیم که جنبش کارگری جلو آمده و رهبران و فعالین خودش را به میدان آورده، نه فقط ما با يك پیشروی سیاسی طبقه کارگر روبرو هستیم بلکه با پیشروی یک نوع کمونیسم و يك نوع سوسیالیسم روبرو هستیم که حزب توده ای نیست، سوسیالیسم، نمیدانم، سندیکالیستی نیست، سوسیالیسم ملی-اسلامی نیست، بلکه سوسیالیسم کارگری است و مشخصه اصلی اش این است که میخواهد همه جامعه را آزاد کند، میخواهد همه آدمها آزاد و

میکنم! بعد سوسیالیسم را از زبان خودش توصیف میکند. وقتی به حرفهایش گوش میکنید که سوسیالیسم چیست و کمونیسم چیست، تعریف بسیار روشن و شفاف و پا رو زمینی دارد. میخواهم بگویم که ما در مسئله مرگ محمد جراحی نه فقط پیشروی سیاسی جنبش کارگری و رهبران کارگری را می بینیم، بلکه پیشروی یک نوع کمونیسم و یک نوع سوسیالیسم را هم میبینیم. که این سوسیالیسم و این کمونیسم اینبار پرچمش بروشنی دست کارگراها و دست فعالین کارگری است. شما اگر ۱۰، ۱۵ سال به عقب برگردید، اگر یادتان باشد، توی جامعه ایران این يك چیز بهت آور بود که یکهو در دانشگاه تهران شعار آزادی و برابری بالا رفت. بعد از آنهمه انقلاب فرهنگی و کارها که کرده بودند ولی باز کمونیسم برگشت به دانشگاه و پرچمش رفت بالا. الان که به صحنه سیاسی ایران نگاه میکنید میبینید که این کارگران هستند که پرچم کمونیسم را بلند کرده اند. و دارند از کمونیسمی حزب میزنند که بسیار مارکسیستی و بسیار کارگری و بسیار شفاف است. شما يك ذره، فرض کنید، سندیکایم تو این کمونیسم نمیبینید. خیلی شفاف و روشن، وقتی ازش میپرسند که سوسیالیسم چیست، جواب میدهد که سوسیالیسم یعنی همه با هم برابرند، همه آزادند و همه باید خوشبخت باشند. و يك جوری صحبت میکند، با يك اعتماد بنفسی که گفتم، آنرا در صحبتهای دیگر رهبران

شد که این هم يك فاکتور جدید، و شاید هم جدیدترین فاکتور بود. اگر قبلا، دو سال و سه سال پیش شاهد پیشروی طبقه کارگر در زمینه سازمانیابی و اتحاد بودیم، که همچنان ادامه دارد، همزمان با مرگ محمد جراحی ما وارد يك عرصه فوق العاده و بنظر من حساس و مهمی شدیم. و آن هم این است که حزبیت و حزب مهم است و باید حزبی بود. و باز یادآوری میکنم همه اینها دارد در جمهوری اسلامی صورت میگیرد. جمهوری اسلامی که از همان اول با شعار اعتصاب حرام است سر کار آمد. اگر یادتان باشد، اولین صحبت‌های خمینی این بود که اعتصاب حرام است. حالا از یکطرف میگفت که خدا خودش هم کارگر است ولی از آن طرف هم میگفت که اعتصاب حرام است. و این رژیم است که این همه زندانی سیاسی دارد و هر روز سرکوب میکند و میخواهد جامعه را مختنق کند ولی نتوانسته است. و نه فقط نتوانسته بلکه داریم میبینیم که کارگران هر روز در خیابان هستند، هر روز در تظاهرات و اعتراض هستند و حالا عملا به جمهوری اسلامی تحمیل کرده اند که بلی من سوسیالیست هستم و سوسیالیسم هم چیز خیلی خوبی است. محمد جراحی نکته جالبی در یکی از مصاحبه هایش دارد. میگوید که آن قاضی که داشت منو محاکمه میکرد از من پرسید که تو اصلا میدانی که سوسیالیسم چیست؟ که من هم جواب دادم آری معلومه که میدانم سوسیالیسم چیه.

سوسیالیسم یعنی مثل شما نباشیم دیگر، رانت خوار نباشیم و استثمار نباشد. و اضافه میکند که اسم آن قاضی هم که منو محاکمه میکرد، "حمله ور" بود که من هم بهش گفتم آقای قاضی این اسم شما هم واقعا برازنده شماست. شما همه حمله ور هستید. حمله میبرید به انسانها و استثمارشان میکنید. سوسیالیسم یعنی اینکه استثمار نباشد، یعنی آدمها آزاد باشند. محمد جراحی دارد با این زبان صحبت میکند و این سوسیالیسم و این کمونیسم دارد رو در روی جمهوری اسلامی و چشم تو چشم جمهوری اسلامی مطرح میشود.

ما که اینجا جمع شدیم فقط برای گرامیداشت يك آدمی که مبارز بوده، شریف بوده نیست. واقعا هم وقتی صحبت‌های محمد جراحی را گوش میکنی، احساس میکنی که شرافت، انسانیت، محبت، از خود گذشتگی و فروتنی موج میزند توی صحبت‌هایش. من زیاد هوادار صمد بهرنگی نیستم ولی صمد بهرنگی حرف خوبی میزند، میگوید که مهم نیست که میمیری، بلکه مهم این است که مرگت چه تاثیری میگذارد. و این اتفاقی است که در مورد محمد جراحی افتاد. راستش برای من خیلی چیزها را بهم وصل کرد، خیلی جنبه هایی که حس میکردم که وجود دارد را بهم وصل کرد. راجع به پیشروی جنبش کارگری صحبت کرده بودیم، راجع به تشکل یابی حرف زده بودیم، در همین کنگره قبلی ما يك قطعنامه ای داشتیم در

مورد جنبش تشکل یابی، ولی حتی در کنگره هم نیامدیم بگویم جنبش تحزب یابی و اینکه تشکل حزبی باید مطرح شود و جلو برده شود! ولی محمد جراحی با مرگ خودش این را طرح کرد. میدانید که در آخرین ماه های عمرش یا در هفته های آخر عمرش، آمد و خودش خواست که عضو حزب بشود و حزب هم گفت که يك چنین آدمی با این سابقه باید کادر حزب بشود. محمد جراحی خودش میخواست که این پیامها را به همه ما برساند. و يك همچون آدمی، سوای آن سابقه مبارزاتی، سوای آن روشنی و شفافیتی که دارد و سوای آن محبت و انسانیتی که دارد، بنظر من يك روشن بینی سیاسی عمیقی هم از خودش نشان داد. من عمیقا مرگ این رهبر کارگری، این کارگر کمونیست را به تك تك دوستانش، به خانواده اش، به همه شما و همه کمونیستهای ایران تسلیت میگویم. همانطور که سر مزارش، رهبران کارگری که آنجا برای سوگواری آمده بودند، همه شان روی این تاکید داشتند که ما محکم در میدان ایستاده ایم تا این وضع را عوض کنیم. این پیامی است که مرگ محمد جراحی برای همه ما دارد. امیدوارم ما روزی را ببینیم که رهبران کارگری و کمونیستها در پیشاپیش مبارزات مردم ایران قرار بگیرند و مردم سرانجام بتوانند نه تنها از شر جمهوری اسلامی بلکه از شر سرمایه داری هم رها شوند و سرنوشت خود را بدست بگیرند. متشکرم. ■



سخنرانی در مراسم محمد جراحی در استکهلم

سیامک بهاری

به یاد عزیز محمد جراحی

مرگ محمد جراحی یک ضایعه بزرگ برای جنبش کارگری، جنبش عدالتخواهی و برای جنبش سوسیالیستی است. مرگ محمد جراحی را نمی‌توانند در جامعه‌ای که چنین به طپش افتاده است، مطرح نکنند. ایلنا مجبور است از او بعنوان یک فعال کارگری یاد کند. این روزنامه همان دولتی است که سه بار محمد جراحی را به جرم فعالیت‌های کارگری دستگیر و شکنجه کردند تا از او علیه خودش و آرمانهایش اعتراف بگیرند و البته شکست خوردند. محمد جراحی سه بار توسط جمهوری اسلامی دستگیر گردید- بار سوم به همراه زنده یاد شاهرخ زمانی جرم دیگری که "مرتکب" شده بود، تلاش برای متشکل و متحد کردن اعتراضات کارگری و دانشجویی این بار در تبریز. مبارزه او در داخل زندان و ادامه

ده‌ها چهره خوشنام و معتبر، برجسته، مقاوم و سوسیالیست در جنبش کارگری ایران، تلاش کرده‌اند. نهادهایی چون سازمان جهانی کار، سازمان حقوق بشر سازمان ملل بارها و بارها به ضرب مبارزه کارگری در ایران مجبور شده‌اند از این رهبران کارگری سوسیالیست دفاع کنند. بهنام ابراهیمزاده یکی از همین چهره‌ها است که اسمش در اجلاس جهانی سازمان حقوق بشر سازمان ملل رسماً مطرح شد و مورد دفاع قرار گرفت و آزادی فوری او را خواستار شدند.

او را خواستار شدند. جنبش کارگری ایران هزینه سنگینی برای این پیشروی غرور انگیز پرداخته است. به همین دلیل اعتراض و حرف دل جامعه از زبان این رهبران بازگویی می‌گردد.

این را حتی امثال رضا پهلوی هم مجبور است اذعان کند، که جنبش کارگری، و اعتراضات کارگری است که جمهوری اسلامی را شکست خواهد داد.

این چهره مصمم جنبش کارگری و اعتراضاتی است که جامعه را به درستی بخود معطوف کرده است.

این همان کارگری است که در سنج شلاقش می‌زدند، کارگر معدن آق دره است که طلا استخراج می‌کرد و پاسخ مطالباتش را با شلاق خوردن می‌خواستند بدهند.

حقانیت سوسیالیسم، در دست جنبش کارگری و مبارزات آن، جامعه را دارد به سمت دیگری می‌برد. رهبرانی که اعتماد جامعه را بخود جلب کرده‌اند. نمونه‌اش را در همین

مبارزه‌اش در خارج از زندان در مقابل توحش سرمایه‌داری به هم پیوند می‌خورد. در مقابل بازجو و شکنجه‌گرش با استقامت و سربلندی می‌ایستد و مقتدرانه می‌گوید: سوسیالیسم برای بشریت است، سوسیالیسم برای نجات انسانهاست، من مارکیسیستم، من باید از کارگر دفاع کنم. او بسادگی و شیوایی روح مانیفست کمونیست را بیان می‌کند. سوسیالیسم برای نجات بشریت است.

محمد جراحی اینجا می‌ایستد و از کارگر صنف نمی‌سازد. او آرمانهای طبقه کارگر را به همین سادگی بیان می‌کند. برای رهبری جامعه، برای نجات بشریت. همانطور که مارکس تأکید می‌کرد که کارگران با از دست دادن زنجیرهایشان جهانی را آزاد خواهند کرد.

با همین دفاعیه او جایگاه طبقاتی خود را در جنبش کارگری، مشخص می‌کند. او در همین سمت و جهت ایستاد. سوسیالیسم برای نجات کل بشریت از قید سرمایه! این جایگاه تاریخی او در مبارزه طبقاتی است.

نسلی از رهبران کارگری خوشنام، خوش‌فکر، در ایران جهان را بخود متوجه کرده‌اند، رهبرانی برجسته در جنبش کارگری که به شخصیت‌های معتبر بین‌المللی بدل شده‌اند. این را اتحادیه‌های آزاد کارگری معتبری چون (ITCU) می‌گوید. که برای رهایی امثال جعفر عظیمزاده، محمود صالحی، رضا شهابی، بهنام ابراهیمزاده، عثمان اسماعیلی، مظفر فلاحی، و

سخنرانی کوبنده محمود صالحی بر مزار محمد جراحی دیدید. می‌گوید: "ما قوی هستیم، این را بورژوازی بهتر از خود ما می‌داند. این جنبش کارگری، با این افق و دید، امروز سوگوار یکی از همین دست رهبران است. ضایعه مرگ محمد جراحی برای جایگاه ارزنده‌اش در این مبارزه توفنده است.

در جایی در مصاحبه‌ای محمد جراحی می‌گوید من فرد تئوریک نیستم، حقیقت این است که سوسیالیسم و کمونیسم، هم تئوری نیستند! قبل از هر چیز این جنبشی است برای محو مالکیت خصوصی، برای محو نابرابری و برچیدن نظام سرمایه‌داری. همین جاست که منصور حکمت می‌گوید اگر زیپ هر انسان شرافتمندی را بازکنی، یک سوسیالیست از آن بیرون می‌آید.

محمد جراحی کمونیسم را در بازار بیرحم کار در مشقت و حرمان بی پایان استثمار کارمزدی، بعنوان یک راه‌حل پیدا می‌کند و پرچم آن را بدست می‌گیرد. برای خاتمه دادن به وضعیت جهنمی.

جدال و تقابل عظیمی در ایران، بین جنبش کارگری، جنبش عدالت‌خواهی، جنبش برای آزادی و برابری با سرمایه‌داری در هر شکل و شمایلی که دارد، در جریان است.

جعفر عظیم‌زاده و محمود صالحی، رهبران این جنبش با اقتدار تمام بر سر مزار محمد جراحی اعلام کردند، ما از زندان جمهوری اسلامی سرمایه، نمی‌ترسیم. این قدرت و این ایستادگی پشتش

را به جنبش عظیمی تکیه داده است. این رهبران در خانه‌های تیمی مخفی نیستند، این‌ها در صحن جامعه، علنا پرچم مبارزه برای رهایی کارگر را در دست گرفته‌اند. محمد جراحی دقیقا از همین جایگاه خطاب به بازجوی شکنجه‌گرش می‌گوید، مگر نمی‌دانی سوسیالیسم برای نجات بشریت است؟! او دقیقا از جایگاه رهبر بودنش دارد این را می‌گوید، به جنبشی تکیه داده است که می‌داند برای نجات بشریت است!

این جنبش با این رهبران خوش‌فکر توانسته است در ابعاد جهانی احترام و اعتبار کسب کند. این مبارزات همه طرح‌ها و محاسباتی که اپوزیسیون راست به آن امید بسته بود را نیز به هم ریخته است. چرا دیگر نمی‌گویند رژیم چنچ؟ چه شد که در محاسبات راست‌ترین بخش و جناح‌های اپوزیسیون، کارگر و اعتراض کارگری به‌عنوان یگانه راه سرنگون کردن انقلابی جمهوری اسلامی مطرح شد. اتحاد احزاب بورژوایی را هم همین جنبش اعتراضی بی معنی می‌کند.

پرچم بزرگترین دستاورد، شکوه‌مندترین نماد تمدن بشریت، یعنی آزادی و برابری امروز در دست کارگر است. با همین اعتماد به نفس به جامعه فراخوان می‌دهد. می‌گوید با من بیا، با تشکل و با حزب بیا، برای متحد شدن باید حزب داشت. امروز ما در سوگ از دست دادن یکی از همین رهبران طراز اول هستیم.

رهبران کارگری که در زندان

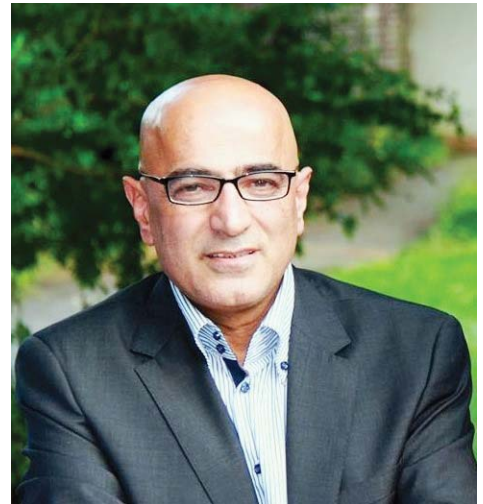
هستند، را باید ما آزاد کنیم. این جدال ادامه دارد، جنگ سرمایه‌داری و کارگر، جدال بین انسانیت با مخوف‌ترین و شرورترین و ضد انسانی‌ترین سیستم و نظام طبقاتی ادامه دارد. این شرارت را ما خاتمه می‌دهیم! این از توهم و خوش‌بینی ما ناشی نمی‌شود. نمونه‌اش را در سخنرانی‌های رهبران کارگری در مراسم خاکسپاری محمد جراحی دیدید.

اینجا کارگری را کشته‌اند! جمهوری اسلامی بدون تردید مسئول مستقیم مرگ نابهنگام محمد جراحی‌ها و شاهرخ زمانی‌ها است.

این دو شخصیت بویژه نقش تعیین کننده‌ای در متحد نگه داشتن و جهت دادن به تشکل‌های کارگری داشتند.

به اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های آنها نگاه کنید، جنبش کارگری علیه اعدام، جنبش کارگری در دفاع از حق کودک، کارگر فقط برای افزایش دستمزد نمی‌جنگد، این نبرد برای کل داستان آزادیخواهی، برای نجات بشریت است. این نقشی است که آنها با جدیت دنبال کردند. اینجاست که کارگر برای سرمایه‌داری خطرناک می‌شود. اینجا دیگر مبارزه نه برای افزایش دستمزد که برای لغو کارمزدی است. این آن جایگاهی است که امثال محمد جراحی به جنبش کارگری ایران دادند.

یک بار دیگر ضایعه مرگ محمد جراحی را به خانواده، بستگان و نزدیکانش، به همه شما و مردم مبارز ایران تسلیت می‌گویم. ■



۴ دهه گذشت!

در باب اهمیت "محمد جراحی" و هزاران نفر از همراهان او

نسان نودینیان

محمد جراحی از دیرزمانی نسبتاً طولانی بعنوان فعال کارگری شناخته شده بود. چهره او در میدیای اجتماعی، در اعتصاب و میتینگ ها، استواریش در دفاع از حقوق کارگران و وجودش در جبهه مخالفین به زندگی زیر خط فقر، حضور فعالش در جبهه مبارزه علیه "امنیتی کردن" فعالیت کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی، مخفی نبود. او با استواری تمام در کنار صدها فعال کارگری، معلمان و... ایستاده بود. او و همراهان او خیل عظیم ناراضیان به وضع موجود را تشکیل میدهند. صف او و آنها طولانی است، محصول دوره ای مشخص از عروج طبقه کارگر در شرایط کنونی هستند.

فعال کارگری را در صحنه سیاسی - اجتماعی در اشکال علنی، حقیقی و حقوقی در مقابل جامعه قرار داد. و به مرور کارگر مبارز، فعال و سخنگوی اعتراض کارگران و معلمان با نام و عکس و محل فعالیتش به صحنه سیاست و اعتراض در جامعه کشیده شد. بهره جمع آوری شده این سبک کار امروز در قامت محمد جراحی و اردوی هزاران نفری کارگر و معلم معترضی را تشکیل میدهند که نام و مشخصات آنها در جامعه شناخته شده است، اینها رهبر و سخنگویان تعیین بخشی طبقه کارگر هستند که مورد اعتماد و باور مردم در جامعه هستند.

محمد جراحی و اردوی عظیم همراهان او محصول دوره ای معین از عروج طبقه کارگر هستند. این اردوی عظیم محصول خودآگاهی اجتماعی هستند که میخواهند تغییری در جامعه بوجود بیاورند، ابژکتیو این تغییر را بوجود بیاورند، و به بیان دیگر حضور آنها تجربه ای گرانقدر از رشد سوسیالیسم علمی در طبقه کارگر است. این نیروی عظیم از فعالین و سخنگویان؛ مبارزه کردن، جستجو و تلاش برای تجمع و سازمانیابی، برقراری ارتباط با توده های کارگر، فعالین جنبش کارگری و معلمان، جنبش زنان و مدافعین حقوق کودک و... در هر مقطعی وظیفه دائمی و تعطیل ناپذیر آنها را تشکیل داده است.

مرگ محمد جراحی عکس العمل های احساسی و انسانی زیادی را در میدیای اجتماعی دامن زد، خیلی ها جمعی و فردی در مورد شخصیت او نوشتند، جایگاه ویژه و موثر او در جنبش کارگری را ارج نهادند، استواری و پایبندیش به هم طبقه ای هایش به خواست و اعتراض طبقه کارگر را یادآوری کردند، و تعدادی هم از روی ناباوری با شک و تردید به عضویتش در حزب کمونیستی، نوشتند! و همه قلمها او را مقاوم زندان و کارگر پُر شور و انقلابی لقب دادند. و اما؛ آنچه میتواند جایگاه محمد جراحی و هزاران کارگر و فعال جنبش کارگری را توضیح دهد یادآوری و تاکید است بر اتخاذ و در دست گرفتن سبک کار کمونیستی فعال در جنبش کارگری - کمونیستی ۴ دهه گذشته! این دوره طولانی پُر تلاطم ساده سپری نشده و دستاوردهای تاکنونی و پیشروی هایش در مسیر سازمانیابی طبقه کارگر آسان کسب نشده است. محمد جراحی و هزاران نفر از یاران و هم طبقه ای او محصول و دستاورد ایندوره هستند!

جدال فکری و عملی ای که قدرت طبقه کارگر را در دخالت و حضور او بشکل ابژکتیو، نمایندگی کند، از او سخنگویان شناخته شده و با اتوریته ای را معرفی کند، خود نیز تحت پوشش بحثهای مهم و تازه ای انجام شد که کارگر و سخنگو و

پیشروی های تاکنونی؛ هر بهبودی، هر جند جزئی، در زندگی کارگران نتیجه مبارزه انقلابی این اردوی عظیم محمد جراحی و همراهان او است.

پتانسیل بالای اعتراضات کارگران و معلمان در تدارم اعتصاب و میتینگ های اعتراضی، خواسته های شفاف برای بهبود معیشت، دفاع از آزادی بیان و تشکل و مبارزه علیه امنیتی کردن فعالیت کارگران و معلمان و سخنگویان آنها، چلنج اطاق های فکری دولت و تشکلهای زرد خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، خواست تحصیل رایگان، به مذاکره کشاندن دولت و کارفرماها با کارگران معترض، بخشهایی از قدرت اعتراض کارگران را به نمایش گذاشته است، که با هر اعتصاب و مبارزه و خواست حق طلبانه دولت و نهادهای سرمایه مجبورند جوابگو باشند.

جنبش اعتراضی کارگران و معلمان در صحنه های رو در رو و اعتصابات مداوم، در میتینگ و سخنرانی های پرشور آنها در فابریک و مقابل مجلس اسلامی و در خیابانها دورنمای اعتراضات رادیکال را تضمین کرده است.

و یک پیشروی مهم این طیف از سخنگویان و رهبران مورد اعتماد جامعه حضور آنها در احزاب کمونیستی و حزب کمونیست کارگری ایران است. و درس بزرگ عضویت محمد جراحی در این باور عمیقاً سیاسی - اجتماعی نهفته است که کمونیسم ما کارگری هست و کارگران میخواهند کمونیست باشند و در سازمان و حزب کمونیستی متشکل شوند!

۱۷ مهر ۱۳۹۶

۹ اکتبر ۲۰۱۷



را از سالها قبل یعنی قبل از زندان و دستگیری او، داشته ام.

آن روزها بیشتر یاهو مسینجر روش متداول ارتباط گیری و تماسهای ما بود. در اون مقطع تاریخی تا آنجا که من مطلع بودم تلاش میکرد با تمامی جریانات تماس داشته باشد. تمامی احزاب و جریانات چپ و کمونیست را دنبال میکرد. گاهی نقد داشت و گاهی سیاستهایی را

متن کتبی سخنرانی نسرین رمضانعلی در مراسم گرامیداشت محمد جراحی در کلن (آلمان)

یاد عزیز محمد جراحی گرامی باد. بدرود رفیقم اجازه بدین اینجوری شروع کنم برای من صحبت کردن در چنین شرایطی بسیار سخت است. چرا که افتخار آشنایی و تماس با محمد جراحی

قبول داشت. اما آنچه برای وی مهم بود و فکر میکنم تمامی این جستجوها و سوالها و بحثهایش به یک دلیل بود با کدام یک از این احزاب میتواند خود را تعریف کند. او فکر زنده و فعالی داشت. از تماس و نقد و بیان اشتباه و نادرستی بعضی سیاستها باز و راحت بود.

محمد جراحی بارها توسط نهادهای امنیتی و پلیس حکومت اسلامی احضار و بشکل کوتاه مدت دستگیر شده بود، اما اولین دستگیری های او سال های ۸۶ و سپس ۸۷ بود. در سال ۹۰ روانه زندان شد و احکام ناعادلانه زندان را به او تحمیل کردند. در طول مدت طولانی که او در زندان بود تحت فشار روحی قرار داشت و با رفتن او به مرخصی هم مخالفت میکردند. در سال ۱۳۹۰ برای مدتی کوتاه همراه با شاهرخ زمانی هر دو در یک زندان و هم بند بودند.

محمد جراحی اعتقاد عمیق به کار آگاهگرانه در میان هم طبقه هایش داشت، مسلح شدن کارگران به آگاهی طبقاتی برای او مهم بود.

نقطه قدرت محمد جراحی تشخیص شرایط اُبژکتیو و رویا رویی کارگران با رژیم اسلامی بود. او میدانست با علنی کردن دستگیریش فعالین کارگری از او دفاع خواهند کرد، به همین دلیل زمان دستگیری تقاضا کرده بود که دستگیریش مخفی نماید و دستگیریش علنی شد، و برای اولین بار محمد جراحی در جریان دستگیریش تصویرش هم علنی شد. این اقدام جسورانه

او به سنت معرفی علنی فعالین کارگری در جامعه شتاب بیشتری بخشید!

محمد جراحی یکی از پایه گذاران سندیکای نقاشان تبریز بود. البته هیچگاه خودش را و فعالیتش را به این سندیکا محدود نکرد. بعدها وی عضو کمیته پیگیری شد و فعالیت خود را در کمیته پیگیری ادامه داد. عضویت او در تشکلهای (سندیکای نقاشان تبریز و کمیته پیگیری) برای او گامهای مهمی بود در راستای اتحاد و تشکل کارگران، اما هیچ کدام از این تشکلهای پاسخ اصلی برای او نبود. وی بدنبال حزب طبقه کارگر بود حزبی که سازماندهی طبقه کارگر را امر خود بداند. او یکی از فعالین کارگری بود که هر کجا حضور داشت خیلی سریع وارد بحث و جدل میشد. وقتی محمد جراحی از زندان آزاد شد بدون ترس و واهمه هر آنچه بر وی گذشته بود در زندان و درگیری با بازجوها و به چالش کشیدنهای آنها را تعریف میکرد. او گفت؛ «یکبار چنان بحثهایشان تند میشود که بازجو وی را از اطاق بازجویی بیرون میکند».

محمد جراحی کمونیستی خستگی ناپذیر که زندان و زندانیان و بازجو را هم با صحبتهایش بخود معطوف میکرد.

محمد جراحی میگوید (اشاره به مصاحبه او با شهلا دانشفر) من کودک کار بودم، وقتی این صحبتها را گوش میکردم به یاد صحبت منصور حکمت افتادم که گفت اگر زیب پوست هر کارگری را باز بکنی کمونیستی

درونش است.

مبارزه و بیان نظرات برای فعالین کارگری امری همیشگی است، در روزهایی که شاهرخ زمانی و محمد جراحی در زندان بودند، آنها ساکت نبودند، میله های زندان هم دلیلی نمیشود که آنها با هم در تماس نباشند، و با خارج از زندان تماس نداشته باشند. بله حتی از درون زندان به مناسبتهای مختلف پیام میدادند. آنها حتی ساعتها با زندانبانهای خود نیز صحبت میکردند. همین هم دلیلی شده بود که زندانبانها هم با احترام عمیقی با این زندانیان رفتار کنند.

محمد جراحی نمونه و الگویی از رفتار انساندوستی و سرشار از شوق و علاقه به روابط پیرامونی خود بود. نقطه قدرت دیگر محمد جراحی اطلاع رسانی از وضعیت خودش در زندان بود. او بشکل روتین و مرتبی گزارشاتی از برخوردهای بازجوها و شرایط زندان را به خارج از زندان منتقل میکرد. محمد جراحی نگهبانان خود را نیز هم نظر خودش کرده بود. وجود او و کارهای خوب و تلاشهای خستگی ناپذیرش در غیابش بشدت دلم را بدرد میآورد، میگویم؛ او امروز نیست که این پیشروها و این پیروهای هم طبقه ای هایش را ببیند، برای من سخت است و فکر میکنم برای بازماندگانش سخت است که ما محمد جراحی را از دست دادیم! او نمیتواند دنیای آرمانها و آرزوهایی که برایش مبارزه کرده ببیند، در شادی و پیروزی

محمد جراحی با مرگش و اعلام هویت سیاسی و حزبیش طبقه کارگر، رهبران عملی فعالین رادیکال سوسیالیست و کمونیست را فراخواند تا به حزب خودشان حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندند.

اعلام عضویت او در حزب کمونیستی نقطه عطفی است در جنبش کارگری و جنبش سرنگونی طلبی در ایران.

اجازه می‌خواهم اینجا به تمام کسانی که با شنیدن خبر مرگ محمد جراحی دلشان بدرد آمد، تسلیت بگویم در این مراسم می‌گوییم که راه محمد جراحی کمونیست و مبارز خستگی ناپذیر ادامه دارد.

دوست دارم به دختر و پسرش بگویم اطمینان داشته باشید امروز اینجا پیمان تازه می‌کنیم تا سرنگونی انقلابی حکومت هار اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر که خواست محمد جراحی بود مبارزه مشترک ما ادامه دارد.

یاد عزیز محمد جراحی گرامی باد.

بدرود رفیقم

کارگر سوسیالیست برای دنیای عاری از ستم و استثمار مبارزه کرد و قلبش از تپش باز ایستاد. آنها گفتند محمد جراحی اولین رهبر نیست از دست دادیم و آخرین هم نخواهد بود.

اما برای من او نمونه ای از جنبش قوی طبقه کارگر است که امروز در فابریک و خیابان‌ها صدای اعتراض به نا عدالتی و حکومت اسلامی سرمایه داری را بلند کرده است.

مرگ محمد جراحی ضایعه بزرگی است برای جنبش کارگری و جنبش کمونیسم کارگری!

اما، با اطمینان خاطر می‌گوییم؛ همین امروز هزاران رهبر عملی و هزارها کمونیست رادیکال سوسیالیست و محمد جراحیها در ایران را داریم.

محمد جراحی پرچمدار سنت‌هایی بود که امروز دستاورد و بخشی از آگاهی سیاسی، کارگران در ایران است. او تعلق حزبیش، کمونیست و سوسیالیست بودنش را مخفی نکرد، به همین دلیل اعلام کرد که بعد از مرگش بگویند که عضو و کادر حزب کمونیست کارگری است.

کارگران در روز سرنگونی با مردم در ایران شریک شود. مرگ او در این روزها قلبم را بدرد می‌آورد.

محمد جراحی با وجود بیماری سختش در گروه های تلگرامی حضور داشت و سعی میکرد تاثیر گذار باشد، پیشنهادات او در مورد شعارها و ارزیابی هایش نظراتش در ارتباط با اعتراضات و بحثها ملموس بود. او فعال سیاسی و فعال جنبش کارگری به تمام معنی برای طبقه کارگر، بود!

در روز ۱۳ مهر ماه امسال در حالی که هزاران نفر در سراسر ایران از کارگران، معلمان و بازنشسته ها در خیابانها بودند و حکومت اسلامی را به مصاف میطلبیدند خبر درگذشت محمد جراحی در مدیای اجتماعی منتشر شد.

روز ۱۴ مهر در کمترین زمان ممکن فعالین کارگری، تشکلهای مستقل کارگری، صدها نفر از هم‌زمان و هم طبقه هایش خود را به تبریز رساندند و در مراسم وداع با او حضور پیدا کردند. سرود انترناسیونال خواندند، سخنرانی کردند و با صدای بلند و استوار گفتند؛ محمد جراحی این رهبر کارگری این

ممنوعیت تبعیض نژادی

حزب کمونیست کارگری قاطعانه علیه هر نوع تبعیض نژادی و نژادپرستی مبارزه میکند. نه فقط هر نوع تبعیض بر حسب نژاد باید صراحتاً در قوانین کشور ممنوع اعلام شود، بلکه، مخالفت قاطع با تبعیض نژادی در سطح جهان باید یک جزء دائمی سیاست خارجی کشور باشد.

از برنامه یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

مشخصات کمونیسم محمد جراحی!

سخنرانی محسن
ابراهیمی در مراسم
بزرگداشت محمد جراحی
در تورنتو

من هم سلام عرض میکنم به همه شما عزیزان. خیلی خوش آمدید. جانباختن محمد جراحی کارگر کمونیست، کارگر سوسیالیست را به همه شما، به همه انسانهای شریف و به طبقه کارگر صمیمانه تسلیت میگویم.

میخواهم در این فرصت کوتاهی که هست تصویری از شخصیت سیاسی و کمونیسم محمد جراحی بدهم.

اگر بخواهم در چند کلمه این تصویر را خلاصه کنم، محمد جراحی انسانی بود که کمونیسمش برخلاف تصویر سکتاریستی، تصویر غیر واقعی از کمونیسم، عمیقا انساندوستانه و زمینی بود. کمونیسم محمد جراحی جنبشی برای تغییر زندگی

انسانها همین امروز بود. کمونیسم محمد جراحی عمیقا از فرقه گرایی و سکتاریسم اجتناب میکند و جایگاه و اهمیت متشکل شدن کارگران و متحد شدن کارگران در اشکال مختلف را تاکید میکند. کمونیسم محمد جراحی بر اتحاد کارگری عمیقا تاکید میکند.

فراتر از این، کمونیسمی که محمد جراحی - در تصویری که میشود از صحبت‌هایش گرفت - نمایندگی میکند؛ و به نظر من در این مسیر تنها نیست (تعداد زیادی از فعالین و رهبران کارگری همین امروز در ایران در چنین مسیری هستند)، سخنگوی فقط کارگر و "صنف" کارگر نیست و به عنوان طبقه کارگر سخنگو و نماینده جامعه و همه انسانهاست. و بالاخره در تصویر محمد جراحی از کمونیسم، تحزب کمونیستی، تحزب کارگران در حزب کمونیستی جایگاه مهمی دارد و این را در صحبت‌های آخرش کاملا نشان داد و این به نظر من مهم است.

این چند کلمه را در اول خواستم بگویم تا تصویر کلی بدهم از محمد جراحی و شخصیت‌های شبیه محمد جراحی که در باره کمونیسم

او میگوید که که در این مقطع (سال 57) بود که با چپها آشنا میشود و وقتی با چپها آشنا میشود، میگوید که من متوجه شدم که اینها درد من را میگویند، حرف دل من را میگویند. محمد جراحی در حقیقت نفرتش از سرمایه داری و تلاشش برای تغییر سرمایه داری را از همان موقعی که کودک کار بود احساس میکند.

چه جوری فکر میکنند؛ در مورد سوسیالیسم چه جوری فکر میکنند؛ در مورد جنبش خودشان چه جوری فکر میکنند.

در دهه 40، وقتی به اصطلاح انقلاب "شاه و ملت"، اصلاحات ارضی توسط شاه انجام شد و تعداد وسیعی از روستائیان را از زمین و از روستا کند تا در اختیار طبقه سرمایه دار در حال رشد قرار دهد؛ در آن مقطع محمد جراحی یک کودک سه ساله و خردسال بود. او به قول خودش با خانواده اش به شهر میاید و از سه چهار سالگی به مدار استثمار سرمایه داری پرتاب میشود. محمد جراحی در دهه چهل کودک کار بود. ولی کودک کار دهه چهل، در دهه پنجاه - هنگامی که انقلاب میشود؛ انقلابی که طبقه کارگر را به میدان می آورد؛ انقلابی که قدرت عظیم طبقه کارگر را در مقابل نظام سلطنتی نشان میدهد؛ انقلابی که در متنش کارگران شوراها را تشکیل میدهند و کمیته های کارخانه را تشکیل میدهند و در سیاست دخالت مستقیم میکنند، {انقلابی که در آن} کارگران رو می آیند - جوانی 19 - 20 ساله در مقطع انقلاب 57 بود و متعلق به این نسل است.

او میگوید که که در این مقطع بود که با چپها آشنا میشود و

وقتی با چپها آشنا میشود، میگوید که من متوجه شدم که اینها درد من را میگویند، حرف دل من را میگویند. محمد جراحی در حقیقت نفرتش از سرمایه داری و تلاشش برای تغییر سرمایه داری را از همان موقعی که کودک کار بود احساس میکند؛ و این احساس که باید با این سیستم مبارزه کرد در همان دوره شکل میگیرد ولی با نزدیک شدن به چپ و چپها و آدمهای چپ متوجه میشود که به قول خودش اینها حرف دل من را دارند میگویند، حرف دل من را دارند میگویند ولی علمی تر و به این طریق است که جذب میشود به چپ عموماً، چپ دوره 57. همه ماها در آن دوره به چپ نزدیک شدیم، به گوشه های مختلف چپ، ولی خوب ذهنیت عمومی چپ ما میدانیم در آن موقع چه جوری بود و محمد جراحی هم در آن موقع در قالب همان چپ فکر میکرد.

گفتم تصویر محمد جراحی از کمونیسم، از سوسیالیسم، از مبارزه عمیقاً انساندوستانه است و این را در زندگی شخصی اش هم میشود دید. کمونیسم قبل از هر چیز، قبل از اینکه تئوری باشد، ایدئولوژی باشد، تلاشی برای تغییر زندگی آدمهاست. این را به نظر من وقتی صحبتهايش را در ویدیوها آدم میشنود، قشنگ نشان میدهد که چه جوری

حتی در سطح فردی به عنوان یک انسان هم میخواهد به آدمها کمک کند و آدمها را نجات بدهد. بعدها به خاطر میاورد که وقتی کودک خردسال بود و کفش درست حسابی نداشت و پاهایش تاول میزد و یکبار میاید به خانه شان و پاهای تاول زده اش را به مادرش نشان میدهد و مادرش غش میکند، هرگز از آن به بعد دیگر نمیخواهد به مادرش هم نشان بدهد پاهایش را {و دردش را به مادرش هم بگوید}. بعداً این را به خاطر میاورد و میگوید که وقتی بالاخره توانستم یک ژان دست و پا کنم، میرفتم جلوی مدرسه ها و سعی میکردم کودکان خردسالی - از طبقه خودش - که کفش درست حسابی نداشتند در زمستان آذربایجان، در سرمای آذربایجان، نزدیک خانه شان برسائیم. این عمق انساندوستی رهبران و فعالین کارگری مثل محمد جراحی است که تعدادشان خیلی زیاد است. ولی این برایش کافی نیست. همان مقطع تلاشی فراتر از این دارد میکند. متشکل میکند خودش را. به قول خودش با زنده یاد شاهرخ زمانی، انجمنی به نام انجمن سلامت تشکیل میدهند؛ میروند دنبال دکترها که تلاش کنند ببینند دکترهایی هستند که بیایند خانواده های فقیر را ویزیت کنند؟ به جوانان معتادی

دارند مبارزه میکنند، ولی در عین حال همدیگر را گاهی تحمل نمیکنند، از هم دور میشوند، و این ضربه میزند به اتحاد کارگری، میگوید:

"بایستی وحدت و همدلی را حفظ کنیم. اگر انتقادی داشته باشیم از همدیگر انتقاد سازنده داشته باشیم. ما به غیر از وحدت چاره دیگری نداریم. حتما بایستی بچه های چپ، بچه هایی که در راه سوسیالیسم قدم پیش گذاشته اند، به خاطر آرمانهای انسانی بعضی اختلاف نظرها و اختلافات شخصی را حتما کنار بگذارند، چونکه مساله انسان مطرح است، چونکه حقوق انسان مطرح است."

محمد جراحی در یکی از بحثهایی که در این ویدیوها مطرح میکند و من استنتاج

برای ایجاد سندیکا و دیگر تشکلهای کارگری تلاش کرده ام و تا آخرین لحظه هم تلاش خواهم کرد و تا آخرین لحظه هم واقعا تلاش کرد. اتحاد کارگری برای محمد جراحی فوق العاده مهم است چون میدانم بدون اتحاد کارگری هیچ کاری این جنبش نمیتواند بکند.

همزمان، به موازات اتحاد طبقه کارگر، بیزاری از تفرقه و سکتاریسم هم برایش اهمیت زیادی دارد. یک جایی حرفهایی میزند در همین ویدیوهایی که در دسترس هستند که من میخواهم همانها را عینا بخوانم. میگوید که "بایستی وحدت و همدلی را حفظ کنیم." در رابطه با سکتاریسم، وقتی می بیند که دور و برش کسانی هستند که شب و روز دارند تلاش میکنند، شب و روز

که قربانی آن جامعه هستند، میروند و تلاش میکند کمکشان کند و کارهای اینجوری. هم متشکل میکند خودش را به هر شکلی، مثلا در انجمن کوهنوردی و جاهای مختلف که هم تشکل و دور هم جمع شدن است و هم کمک به هر طریقی به هر تعدادی از انسانها که زندگی آنها را عوض کند. او این کارها را انجام میدهد.

خیلی روشن است. برای کارگری که چپ شده است؛ برای کارگری که در زندگی شخصی خودش درد و رنج تحت نظام سرمایه داری را با پوست و گوشت خود احساس کرده است و نفرت دارد و میخواهد مبارزه کند، اینها کافی نیستند. این انساندوستی فردی کافی نیست. محمد جراحی تلاش میکند در سطوح مختلف خودش را و دور و بریهای خودش را متشکل کند. میدانیم که او عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری میشود و فعالیت طولانی در این کمیته انجام میدهد و زندگی اینجوری پیش میرود.

محمد جراحی آنقدر برایش تشکل یابی کارگر و اتحاد کارگری مهم است که در زندان هم میدانیم آن نامه مشهورش را به بیرون میدهد که در آن نامه خیلی صریح گفت که من



مراسم خاکسپاری محمد جراحی در تبریز

کردم، برایش جنبشها مهم هستند. او وحدت جنبشها را میخواهد. اتحاد جنبشها را میخواهد. فوراً ممکن است اینطور به نظر بیاید که منظور از جنبشها، جنبش ناسیونالیستی است، جنبش فرمیستی است، جنبشهای ارتجاعی هستند، جنبشهای زیادی که در جامعه ایران هستند. روشن است که این نیست. در همان صحبت‌هایش وقتی از جنبشها حرف میزند از جنبش معلمان، از جنبش کارگران حرف میزند. منظور محمد جراحی از جنبشها، جنبشهایی برای عدالت، جنبشهایی برای آزادی هستند که در ایران پر هستند. مثلاً، جنبش برای لغو اعدام، جنبش برای رهایی فرهنگی، جنبشهای مختلف، تحرکات اعتراضی مختلف. محمد جراحی، حواسش، توجهش به طور جدی جلب میشود به این که این جنبشها، این تلاشها، این تحرکها بایستی به همدیگر نزدیک شوند تا قدرتمند بشوند. میخواهم بگویم که در تصویر محمد جراحی از کمونیسم، {مساله} فقط کارگران در شوراهای و در سندیکاها باید

متحد بشوند نیست. {او از این} فراتر میرود. میگوید جامعه سرشار از اعتراضات عدالت طلبانه هست و اینها باید به هم نزدیک بشوند. خودش را در قبال نزدیکی این اعتراضات و این جنبشها مسئول میداند. و فراتر از این برای کارگر سوسیالیست، کارگری که مبارزه کارگری در تصویرش از سیاست جایگاه جدی دارد این کافی نیست. خودش را سوسیالیست میداند و در بحث‌هایش این را علناً اعلام میکند. جالب است که از خاطرات زندانش وقتی حرف میزند، لحظات فوق العاده مهمی را آدم احساس میکند که در زندان چقدر این انسان عمیقاً به سوسیالیسم، عمیقاً به کمونیسم اعتقاد داشته است که لحظه به لحظه در مقابل جلادان و قاتلین و بازجویان و قضات حکومت اسلامی، قضات سرمایه از سوسیالیسم علناً دفاع میکند. خطاب به قاضی میگوید که "من چپ هستم و در راه حق و حقوق انسانها دارم مبارزه میکنم. هر جای دنیا این چیزها هستند که از حقوق مردم دفاع میکنند. من و هم‌زمانم از چیزها

در همه دنیا جدا نیستیم" و قاضی را دست میاندازد که شما نه مارکسیسم را میفهمید و نه سوسیالیسم را میفهمید. و به طور ساده میگوید مارکسیسم و سوسیالیسم یعنی رانت خواری نشود، یعنی دزدی نشود مثل شما. او اینجا بزبان خیلی ساده مغز و روح آن مبارزه ای را که انجام میدهد و برایش تلاش میکند یعنی سوسیالیسم را بیان میکند. دفاع جانانه محمد جراحی در زندان از سوسیالیسم با جرئت میشود گفت که یک کیفرخواست جدی علیه نظام سرمایه داری است که در زندان پیش میبرد.

یکی از مهمترین چیزهایی که من در قسمت اول صحبت کردم، تحزب کمونیستی کارگران است. ما میدانیم که در جامعه ای که ما داریم زندگی میکنیم آنقدر این فشار و این تلاش سرمایه داری برای اینکه کارگران را از احزاب کمونیستی دور کند بالاست که حتی در میان بخشی از کارگران تاثیر گذاشته است. در بخشی از چیزها، بخشی از فعالینی که واقعا تلاش میکنند

جامعه سوسیالیستی، جامعه ای بری از هرگونه ظلم و ستم طبقاتی و عاری از هرگونه تبعیض بین انسانهاست

این طیف هستند را فراتر میبرد. آخرین نکته ام. فاصله جانباختن محمد جراحی تا تشییع جنازه اش خیلی کم بود. فاصله بسیار کوتاهی بود ولی ما دیدیم که تعداد زیادی آنجا شرکت کردند. تعداد زیادی از فعالین کارگری، فعالین حقوق انسانها آنجا شرکت کردند و سخنرانیهای خیلی زیبایی کردند که من دو جمله از آن سخنرانیها را میگویم که به نظر من به خوبی نشان میدهد که حکومت اسلامی با کشتن محمد جراحی زیر پای خودش را خالی کرد. {در این سخنرانیها مطرح شد که} با مرگ محمد جراحی و شاهرخ زمانی عزم ما برای مبارزه، برای رهایی طبقه کارگر و جامعه جزمتر خواهد شد! غم از دست رفتن محمد جراحی را به نیرویی علیه آنهایی که مسبب این وضعیت هستند تبدیل خواهیم کرد!

{اینها به خوبی گواه این هستند که} جمهوری اسلامی با قتل رهبران کارگری بیش از

فرهنگی فعال است. در تمام کارها دخالت میکند. اگر ما حزب نداشته باشیم نمیتوانیم کارها را پیش ببریم. با این تصویر از حزبیت هست، با این تصویر از نیاز طبقه کارگر به حزب کمونیستی است که نظر مثبتش را در آن ویدیو در باره حزب کمونیست کارگری هم اعلام میکند و میگوید تنها حزبی است که میتواند راهکار داشته باشد.

تاکیدم اساسا این است که کارگری که، فعالین کارگری ای که در مقابل هجوم نظام سرمایه داری برای دور کردن کارگران از حزب کمونیستی اینچنین وسیع به حزبیت نگاه میکنند؛ حزب به عنوان نهاد، حزب به عنوان نیرویی که بسیار فراتر از یک بخش کارگران یا رهایی فقط کارگران نگاه میکند؛ به جامعه نگاه میکند؛ در مورد همه چیز دخالت میکند؛ به نظر من این {نگاه وسیع} بسیار بسیار این رهبران کارگری را، و تمام رهبران و فعالین کارگری که در

این جامعه را نجات بدهند تاثیر گذاشته است. محمد جراحی در این رابطه تصویر انساندوستانه، عمیق و زمینی اش از کمونیسم را به نظر من به درجات زیادی فراتر میبرد.

وقتی در این ویدیوها که شهلا دانشفر با او مصاحبه میکند، در ویدیوهای دیگری هم که پخش شده است و در مصاحبه ها دقت میکنید، خیلی روشن تصویرش از حزب را دارد میگوید. {تصویرش از} حزب کمونیستی را دارد میگوید که به نظر من این تصویر متفاوت است از آن تصاویر آنکادر و کلیشه ای که چپها تاریخا داشتند. عمیقا متفاوت است. در این تصویر محمد جراحی از حزبیت کمونیستی که خودش دارد سخن میگوید. میگوید حزب دیدگاهش وسیع است. حزب مثل جنبش نیست. منظورش همان جنبشهای تک موضوعی است. میگوید حزب در یک چهارچوب فقط حرکت نمیکند. حزب خیلی وسیعتر است. حزب در کارخانجات، در تحرکات مدنی، در محیطهای

میگوید حزب دیدگاهش وسیع است. حزب مثل جنبش نیست. منظورش همان جنبشهای تک موضوعی است. میگوید حزب در یک چهارچوب فقط حرکت نمیکند. حزب خیلی وسیعتر است. حزب در کارخانجات، در تحرکات مدنی، در محیطهای فرهنگی فعال است. در تمام کارها دخالت میکند. اگر ما حزب نداشته باشیم نمیتوانیم کارها را پیش ببریم.

پیش زیر پای خودش را و طبقه مورد حمایت خودش را خالی میکند.

محمد جراحی همانطور به خاک سپرده شد {که شایسته اش بود}. میدانیم در میان طنین سرود انترناسیونال به خاک سپرده شد. محمد جراحی برآستی شایسته این بود که در میان طنین این سرود جهانی طبقه کارگر و کمونیسم به خاک سپرده شود. با این سرود در مراسم خاکسپاری محمد جراحی، او در کنار کموناردهای پاریس، در کنار

بلشویکهای انقلاب 1917، در کنار تمام انسانهایی که برای آزادی، برای برابری، برای رهایی انسانها مبارزه کرده اند جای گرفت.

یادش گرامی باد.

توضیح نویسنده: مراسم بزرگداشت محمد جراحی توسط "کمیته همکاری نیروهای چپ و کمونیست - تورنتو" در تاریخ 21 اکتبر 2017 برگزار شد.

گرفته اند. ■

برابری انسان ها

برابری انسان ها یک مفهوم محوری در جنبش کمونیسم کارگری و یک اصل بنیادی جامعه آزاد سوسیالیستی است که باید با برچیدن نظام طبقاتی، استثمارگر و پر تبعیض سرمایه داری برقرار گردد. برابری کمونیستی مفهومی بسیار وسیع تر و جهانشمول تر از برابری حقوقی و صوری افراد و شمول یکسان قوانین و مقررات دولتی بر آنان را در بر دارد. برابری کمونیستی یک برابری واقعی و مادی در قلمرو اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میان انسان ها است. برابری نه فقط در حقوق سیاسی، بلکه همچنین در برخورداری از امکانات و مواهب مادی و محصولات تلاش جمعی بشر، برابری افراد در جایگاه اجتماعی و مناسبات اقتصادی، برابری نه فقط در محضر قوانین، بلکه در مناسبات مادی متقابل انسان ها با یکدیگر. برابری کمونیستی، که در عین حال شرط لازم شکوفایی توانها و استعدادهای مختلف و متنوع همه افراد و شادابی مادی و معنوی جامعه است، تنها با از میان رفتن تقسیم انسان ها به طبقات امکان پذیر میشود. جامعه طبقاتی بنا به تعریف نمیتواند جامعه ای برابر و آزاد باشد.

از برنامه یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

شهلا دانشفر در برنامه کارگران و یک دنیای بهتر

عضویت او در حزب کمونیست کارگری، نامه حمید تقوایی، سوالهایی از محمد جراحی و پاسخ های او

(بیماری او) تحت کنترل باشد. و بهمین دلیل بعد از اینکه آزاد شد سرطان او بازگشت و به او امان نداد و در واقع جمهوری اسلامی محمد جراحی را به قتل رساند، همانطور که شاهرخ زمانی را به قتل رساند، همانطور که ستار بهشتی را به قتل رساند و

براستی يك دنیای بهتر را درمقابل ما کارگران میذاره.»

برای من این صحبتها خیلی دلگرم کننده بود حالش را پرسیدم. از وضعیتش سوال کردم. از این صحبت کردم که اگر کمکی که از دست ما برمیاد حتما بگه. وبه این ترتیب اولین تماس ما گذشت. بدنبال



نظاره تماسی ۰۰۲۲۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

شهلا دانشفر برنامه کارگران و یک دنیای بهتر

این تماس او دوباره با ما ارتباط برقرار کرد و اینبار گفت: «تماس گرفتم که عضویت خودم را در حزب کمونیست کارگری ایران اعلام کنم.»

برای من بسیار شورانگیز بود، با استقبال تمام گفتم چه خبر خوشحال کننده ای! جای کسانی مثل شما توی این حزبه، این حزب شماسست و خوشحالم که حزب ما داره اینجوری جواب میگیره. او گفت من فکر کردم و فکر کردم و «نمیخوام که اگر اتفاقی برای من بیفته ازمن فقط به عنوان

شماری چند ... محمد جراحی همانطور که قبلا هم اعلام کردیم عضو و کادر حزب کمونیست کارگری ایران بود. داستان عضویت او در حزب اینطور بود. او بعد از اینکه از زندان آزاد شد در اولین تماسش با من صحبت کرد و گفت: «زنگ زدم تا ازت تشکر کنم بخاطر حمایتهایی که از من و شاهرخ کردید، شاهرخ را از دست دادیم اما من بجای او و همه کارگران زندانی تشکر میکنم. و برنامه کارگران يك دنیای بهتر،

محمد جراحی چهره شناخته شده کارگری، کارگر رزمنده و کمونیست، که اخیراً از زندان آزاد شده بود در سیزدهم مهرماه جان باخت، جان باختن این عزیز را به خانواده اش و به همگان تسلیت میگویم.

او پنج سال زندان بود بدون اینکه يك روز مرخصی داشته باشه، در زندان مورد اذیت و آزار و شکنجه قرار گرفت، در زندان تیروئید او دچار سرطان شد، زیر عمل جراحی قرار گرفت اما او را همچنان (در زندان) نگه داشتند بدون اینکه

شهلا دانشفر در برنامه کارگران و یک دنیای بهتر درباره محمد جراحی

به فعال کارگری صحبت بشه. من میخوام از من به عنوان عضو حزب، حزب کمونیست کارگری صحبت بشه. میخوام که اتکا کنم روی پایه های استوار این حزب.»

نمیدونستم چي بگم، خیلی شادی بخش بود. و بعد او از این صحبت کرد که باید سرمایه داری از بین بره، سوسیالیسم جوابه و این حزب میخواد و این را در مصاحبه ها و گفتگوهای بعدیش هم میگه. گفت هر کاری که از دست من برمیاد میخوام بکنم، با دکترم قرار دارم، امیدوارم حالم بهتر بشه، برم سراغ دوستان قدیمی که مدتهاست آنها را ندیدم، سر نزدم بخاطر اینکه در زندان بودم و حالم هم خوب نبود. اما میخوام برم سراغشان و بگویم بیاید با این حزب باشید.

موضوع عضویت محمد جراحی در هیئت اجرائی حزب کمونیست کارگری ایران مطرح شد و در آنجا تصمیم گرفته شد و تصویب شد که او یعنی محمد جراحی (هم عضو و هم) کادر حزب باشد.

من در تماس بعدی که با او گرفتم، کادر شدن او را در حزب اعلام کردم وهمینطور

نامه ای از طرف حمید تقوایی را برای او خواندم.

مضمون نامه این بود:

محمد جراحی عزیز، پیوستنت به حزب کمونیست کارگری را صمیمانه تبریک میگویم. وجود کارگران مبارز محبوب سرشناسی نظیر تو مایه امید و دلگرمی ما و نشانه حقانیت اهداف و سیاستهایی است که دنبال میکنیم. به حزب خودت خوش آمدی.

میدانم با بیماری سختی دست په گریبان هستی. از این بابت بسیار متاثر و متاسفم. در مقابله با این بیماری هرکمی از حزب ساخته باشد دریغ نخواهیم کرد. لطفا حتما مسائل ومشکلات را با ما در میان بگذار.

خیلی خوشحال خواهیم شد اگر امکان و فرصتی فراهم شود که باهم صحبت کنیم و بتوانیم در مورد این مسئله مستقیم گفتگو کنیم. برایت آرزوی بهبود و سلامتی کامل دارم. امیدوارم که سالهای سال تو را در کنار خود داشته باشیم. دستت را به گرمی میفشارم.

حمید تقوایی

۱۲ شهریور ۹۶

او بسیار به وجد آمده بود.

میگفت این حرفها به من انرژی میده، کمک میکنه که با بیماری بهتر کنار بیام. به من امید میده. حتما تا میتونی به من زنگ بزنی، صحبت کن. صحبت های تو امید دهنده است، صحبتهای شما امید دهنده است. او از منصور حکمت صحبت کرد. از نوشته های ارزنده حمید تقوایی صحبت کرد. گفت دوست دارم با ایشان صحبت کنم. قراری گذاشتیم ولی متاسفانه این تماس برقرار نشد و حمید تقوایی موفق نشد با این عزیز صحبت کند.

این تماس ها ادامه داشت. حالش را میپرسیدیم و او هم از اوضاع سیاسی، از جامعه، از حقوق کارگر، از سوسیالیسم و از اینها صحبت می کرد. یک پارچه شور زندگی بود.

در تماس دوم او اظهار علاقه کرد که گفتگویی با او داشته باشیم که از زندگیش بگه و از آینده بگه. و من هم استقبال کردم. گفتم که بسیار عالی. سوالاتی را همانطور تلفنی با او مطرح کردم و گفتم که در هر فرصتی احساس کردی که سر حال هستی و میتونی این سوال ها را جواب بده و برای ما بفرست. و او هم این کار را کرد. او در این گفتگو از حقوق کارگر صحبت می کنه، از زندگی خودش صحبت میکنه، از سوسیالیسم صحبت می

علاقه من فقط به مبارزه و راستی انسانهاست. یک جامعه ای درست کنیم که انسانها بدون دغدغه بتوانند زندگی کنند. از راست و درستی از همدیگر سبقت بگیرند. نه اینکه از کثیفی و لجن. مثل امروز جامعه ای که آخوند به بار آورده است.

شهلا دانشفر در برنامه کارگران و یک دنیای بهتر درباره محمد جراحی

کنه، از اینکه سوسیالیسم راه نجاته صحبت می کنه و از حزب کمونیست کارگری ایران صحبت می کنه. وقتی از او میپرسیم نظر شما درباره این حزب چیه، میگه تنها حزبی که راه کار داره حزب کمونیست کارگری ایران است. صحبت های محمد جراحی را در این برنامه پخش می کنیم و شما آنرا میشنوید.

اولین سوال از محمد جراحی این بود که به او گفتیم شمه ای از زندگی خودت برامون بگو. حتما برای کسانی که تو را میشناسند و در جریان مبارزات پر شورت در طول زندگی بودند، جالبه که از نزدیک تو را بشناسند. کجا متولد شدی؟ چند سال داری؟ چند فرزند داری؟ علاقه هایت چیه؟ چگونه گذران زندگی کردی؟ و طبعاً زندگی پر از مبارزه ات همه و همه اینها، جنبه های مختلف زندگی تو هست که جالبه تا از زبان خودت بشنویم و حتما برای بینندگان برنامه جذاب خواهد بود.

"در ۱۲ کیلومتری شهرستان اهر در دهکده ای به نام وندآباد به دنیا آمدم. سه ساله بودم که به اتفاق خانواده آمدم تبریز. از آن به بعد در تبریز زندگی کردم. از سه سالگی دنبال کار و مشکلات زندگی بودم. وضعیت آن زمان اینجوری بود که حتی بچه های دو سه ساله هم کار میکردند. درکارخانه های قالی بافی، آهنگری و همه جا. آن موقع کارگاهها سنتی بودند و هر

باعث شد که در ۲۳ سالگی به اینها نزدیکتر شوم. آن هم داوطلبانه.

یک ماشین ژیان داشتم. این انگیزه را داشتم. اون که بچگی که پاهام تاول زده بود، همیشه جلوی مدرسه زمستانها و میستادم و بچه های کوچولو را سوار میکردم و می بردم به مقصدشان. خوب کاری از دستم بر نمی آمد فقط این بود.

وقتی با بچه های چپی آشنا شدم یواش یواش با اصول و قوانین مارکسیستی آشنا شدم. که دیگه از آن موقع سعی کردم علمی تر حرکت کنم. اول در حوزه ها بودیم. از حوزه ها یک چیزهایی میگرفتند. یک چیزهایی ما میدادیم. گزارش میدادیم. آنها میگفتند چه کار باید بکنیم. آنها به ما راهکار میدادند. بعد یواش یواش در جامعه رفته رفته این کارها را پیش بردم. توی کار پخته شدیم. دیگر از آن موقع سعی کردم کارهایمان را منطقی تر و علمی تر پیش ببریم.

سوال بعدی ما از محمد جراحی این بود که: علایق شما چیست؟

جراحی پاسخ میدهد که: "علاقه من فقط به مبارزه و راستی انسانهاست. یک جامعه ای درست کنیم که انسانها بدون دغدغه بتوانند زندگی کنند. از راست و درستی از همدیگر سبقت بگیرند. نه اینکه از کثیفی و لجن. مثل امروز جامعه ای که آخوند به بار آورده است."

جوری دلشان میخواست با کارگران برخورد میکردند. کسی نبود و قانونی نبود، اتحادیه ای نبود، سندیکایی نبود. هیچ چیز. این برای من یک انگیزه شد. وقتی می آمدم تو محل پنجشنبه ها مثلاً که برای مراسم عزاداری میرفتیم تو مسجد و یا تعزیه خوانی امام حسین. وقتی دم از عدالت میزدن و فلان و درستی من برعکس این را تو کارم میدیدم، توی جامعه میدیدم و اینها برای من انگیزه شد. من موقع رفتن به مدرسه حتی یک جفت کفش نداشتم. از مدرسه آمدم خانه همینجوری پاهام تاول زده بود. مادرم پاهایم را گرفت و گریه کرد. دیگر از آن به بعد نتوانستم دردم را به مادرم هم بگم. من زندگی شخصی ام را اینجوری گذراندم. و با این مصیبت درس خواندم. بعد رفتم صافکاری کار کردم که کمک حال زندگیمان باشد. پدرم پیر بود و نمیتوانست خرج خانواده را در بیاورد. هرچند نفر هم بودیم و کار میکردیم باز نمی توانستیم نان روزمان را در بیاوریم. مجبور بودم کار کنم. در راهنمایی مجبور شدم که ترک تحصیل کنم و برم دنبال کار. رفتم صافکاری کار کردم. سه چهار سالی شاگردی کردم و بعد شدم استاد کار. وقتی شدم استادکار درآمد کمی بهتر شد، مغازه گرفتم و تونستم زندگی خانواده را بچرخانم.

یواش یواش داشت انقلاب میشد. آنجا من با بچه های چپی آشنا شدم. دیدم که اینها درد مرا میگویند. منتهای مراتب علمی تر و درستتر. همین

شهلا دانشفر در برنامه کارگران و یک دنیای بهتر درباره محمد جراحی

از محمد جراحی پرسیدیم چند سال داری؟

و او جواب میدهد نزدیک ۵۸ سال.

سوال دیگرمان این بود: شما یکی از چهره های سرشناس کارگری

هستید. سابقه مبارزاتی تو چیه و چه خاطره بازگو کننده و جالبی از مبارزات داری و از چهره هایی که با آنها هم‌مرزم بودی. آیا میتونی برای ما بگی؟

محمد جراحی پاسخ میدهد: "خاطره جالبی دارم با زنده یاد شاهرخ. چون با او خیلی کارها کردیم. اکثر مبارزه را من با شاهرخ پیش بردیم. ما در منطقه خودمان یک انجمن سلامت درست کردیم. انجمن سلامت به نام آذربایجان. اونجا فعالیت می کردیم. چندین کمیته زده بودیم. کمیته ورزش، کمیته همیاری، کمیته اعتیاد، انواع و اقسام کمیته ها. واقعا آنجا شاهرخ یک شاهکارهایی کرده بود. میرفتیم پیش یک پزشک و میگفتیم میتوانی برای ما هفته ای پنج تا مریض را ویزیت کنی؟ این کارها را برای مردم انجام میدادیم.

انجمن سلامتی سرپوش بود برای ما. مثلا وقتی با بچه ها میرفتیم کوه، یا تیم فوتبال و وقت استراحت د رمورد سندیکا و حق و حقوق انسانها و در مورد منشور بین الملل با بچه ها حرف میزدیم."

سوال بعدی: بخشی از

تا بتوانم معیشتم را خودم در بیاروم. وقتی مریض شدم دیگر نتوانستم. دیدم سرکار وضعم خراب است. همین جوری مریض برگشتم.

سئوال: امروز جنبش کارگری دوران تحول بخشی را میگذراند. یک وجه شورانگیز آن جلو آمدن گفتمان رادیکال و انسانی است. تصویر شما از موقعیت کنونی جنبش کارگری چیست؟

پاسخ: تصویرم خیلی خوبه. واقعا خوب جایی اشاره کردی. الان خواسته های طبقه کارگر، معلمان، پرستاران و قشرهای مختلف مردم واقعا خواسته هایشان بالا است و خواسته هایشان بحق است. الان هم اینها نمی خواهند این چیزها امنیتی بشه. برای اینکه مطالبه حقشان را میخواهند، مطالبه کارشان را میخواهند. دیروز باز نشسته ها رفته بودند جلوی مجلس تحصن کرده بودند. حقشان است. اینها چیز اضافی نمیخواهند. یا آن روز سر کاسپین و فلان آنهایی که پولشان را خورده بودند رفته بودند و شعار میدادند که "ای رهبر آزاده، دزدی چرا آزاده؟"

اینها واقعا نشان دهنده این است که مردم خواسته دارند. مردم دیگر شعور دارند. مردم میخواهند با انگیزه و با شعور حرکت کنند. مردم 57 نیستند.

مردم 57 خواسته نداشت، بهترین شعارش ... بود. یا این بود حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله. این هم از فحش بدتر بود. ما مسکن میخواهیم. دارو میخواهیم. یا تحصیل میخواهیم....

مبارزات شما در زندان بوده 5 سال حبس کشیدید. در زندان چه گذشت؟ تاثیر زندان مشخصا روی خود شما چه بوده؟

محمد جراحی جواب میدهد: در زندان همیشه با مردم بودیم. میخواستیم با مردم حرف بزنیم. کار ما همین بود دیگه. یه مبارز کارش چیه؟ حرف زدن با مردم. ما تو زندان هم همینکار را می کردیم.

بعد اینها ما را آوردند توی بند ۸ کار درمانی کردند. اونجا کسانی بودند که متادون میخوردند. مرضهای مسری داشتند. هپاتیت و ایدز و انواع و اقسام. اونها صبح میرفتند سرکار، ساعت 4 از کار برمیگشتند به خاطر اینکه ما با مردم ارتباطی نداشته باشیم. و اینها آدمهایی نبودند که به حرف ما گوش بدهند. چون بعد از ساعت 4 در نشنگی خودشان هستند. دیگر با اونها کاری ندارند. و به خاطر همین هم بند بودن من یک مریضی هایی از اینها گرفتم. دکترها هم نتوانستند تشخیص بدهند که من چه دردی دارم. یک سری تیروئید گرفتم. عمل تیروئید کردند، سال 90. حالا هم عمل کبد کردند، نمونه برداری کردند. نمیدانم جوابش و بقیه مراحلش چه جوری است. فعلا در این شرایط هستم.

سئوال: تا جایی که میدانیم بعد از زندان هم شما کار کردید. اینطور نیست؟

جواب: به خاطر مریضی ام یک ماه تقریبا استراحت کردم. بعد از یک ماه در شرکتی کار کردم

شهلا دانشفر در برنامه کارگران و یک دنیای بهتر درباره محمد جراحی

حالا مردم جامعهتر شده اند. مدنی تر شده اند. حالا خواسته امروز مردم را نمیشود نادیده گرفت. هیچکس نمیتواند نادیده بگیرد. بایستی جنبشها هم واقعا باهمدیگر یک انسجام و وحدتی داشته باشند که بتوانند برای مردم راهکارهای خوب ارائه کنند. مردم را به بیراه نکشانند. اینجا نقش جنبشها خیلی مهم است.

فعلا هم سندیکاها فعالند. جنبش معلمان فعالند. جنبش کارگری فعال است. اگر ما بتوانیم با این جنبشها یک وحدتی داشته باشیم که حتما باید پیدا بکنیم، آن موقع خواسته های مردم راحت پیش میرود. دیگه از امت شدن در میاییم و میشویم ملت، حداقل. سؤال: به عنوان یک فعال با تجربه و از رهبران شناخته شده کارگری تاکیدات فوری و مهمت خطاب به جنبش کارگری و فعالین و رهبران کارگری چیست؟ انتظارت چی هست؟

جواب: من از رفقایم، از دوستانم، انتظار این را دارم که واقعان آن منش و ادبیات مارکسیستی را ما بایستی خیلی دقیق عمل کنیم. والا مردم فردا میتوانند به ما هم

بخندند. یک زمانی بود که در ته استکان آخوندها چایی میخوردند. الان آخوند را به سگ هم حساب نمی آورند. ما هم اگر نتوانیم آن ادبیات را، آن مارکسیستی را داشته باشیم، یا اواخر شوری که مارکسیستها چه کار کردند. ما هم به هم میخوریم.

اول انقلاب ما واقعا رفقای داشتیم که از مرگ از همدیگر سیقت میگرفتند. بایستی اینجوری باشیم. اگر اینجوری نباشیم واقعا نمیتوانیم آن پرستیژ واقعی کمونیستی را به مردم نشان بدهیم.

یا مناسباتی که ما مثلا میتوانیم با آن راستی خودمان بدست بیاوریم. مناسبات را درست کنیم. مناسبات اقتصادی را درست کنیم که مردم با آن فرهنگ آشنا بشوند. ما اگر از خودمان مایه نگذاریم، ما اگر از خودمان گذشت نکنیم، ما اگر از دیگران بیشتر کار نکنیم نمیتوانیم آن مناسبات اقتصادی را درست انجام دهیم.

آن موقع است که ما میتوانیم جامعه را سازماندهی کنیم.

آخرین سوال در مورد حزب است: در آخر مایلم نظرتان را در مورد حزب کمونیست کارگری ایران بدانم.

پاسخ: اولاً حزب دیدگاهش وسیع است. مثل جنبش نیست. جنبش در یک

چهارچوب حرکت میکند. برای خودش یک مرامنامه و اساسنامه ای دارد. ولی حزب خیلی وسیعتر از اینها است. حزب در کارخانجات مردم را چیز میکند. در جاهای مدنی هست. در جاهای فرهنگی هست. در تمام کارها حزب میتواند مداخله کند. حق جامعه که مال کارگر است حزب میتواند از آنجا مطالباتش را از سیستم سرمایه داری داشته باشد. اگر ما حزب نداشته باشیم نمیتوانیم کارها را پیش ببریم. کارگری دارم حرف میزنم.

البته نظر من در مورد حزب (کمونیست) کارگری ایران خیلی خوب است. برای اینکه حزب (کمونیست) کارگری ایران میتواند با دیدگاه وسیعی که داره در تمام زمینه ها، تمامی به اصطلاح تضادها، تمامی به اصطلاح معضل هایی که در جامعه هست، تنها حزبی که میتواند به اصطلاح راهکار داشته باشد فقط حزب کمونیست کارگری است. بقیه حزبا نمیتوانند راهکارها را داشته باشند. چون آنها منافع شخصی خودشان هست... ■



خواست ما ایجاد جامعه ای بر مبنای برابری حقوقی همه احاد جامعه است که در آن همه انسانها شهروندان متساوی الحقوق بدون توجه به نژاد، ملیت و زبان و مذهب محسوب میشوند.

واقعا ما ایرانیها تو دست یک عده دایناسورهای قرون وسطایی هستیم، نه اینکه یک سیستم حکومتی. به این نمی شود گفت سیستم حکومتی. به اینها فقط دایناسورهای قرون وسطایی می شود گفت و غیر از خودشان هیچکس را نمی شناسند.

خدمتتان عرض کنم که من از تمامی فعالین کارگری، معلمان خواهشم این است که حتما در رابطه با آقای رضا شهابی آنچه که از دستشان بر می آید همبستگی را در مورد آزادی این بچه ها اقدامات مقدور را انجام بدهند. بخاطر اینکه اینها چه کارهایی کردند؟ آقای اسماعیل عبدی. واقعا من شنیدم متاثر شدم. آقای شاهپور احسانی راد، به چه جرمی شلاقش زدند حکم شلاق دادند؟ این حکم از کجا در آمده؟ خودشان و تمامی خانواده اینها منحل شدند.

من خودم زندان بودم چندین دفعه اعتصاب غذا کردم. میدانم اعتصاب غذا چیه. واقعا آدمو داغون می کنه، هم بیرون را هم داخل را. چاره ای نداریم جز اتحاد که با اینها مبارزه کنیم. ■

صحبت‌های محمد جراحی در برنامه تلویزیونی کارگران و یک دنیای بهتر با شهلا دانشفر

اول سپتامبر ۲۰۱۷

کسانی که اینبار با در زدند

به نام حرس سرو را سر زدند

چنان است معیار این کاروان

به نام شتر بر دم خر زدند

اینها وقتی می آیند رضا شهابی و اسماعیل عبدی و تمامی زندانیان سیاسی رجایی شهر را به اعتصاب می کشانند به حکم امنیتی، اینها واقعا دیگر از انسانیت بوئی نبرده اند.

کسی که از حقوق کودک دفاع می کند آیا این جرمش امنیتی است؟

کسی که از حقوق کارگر دفاع می کند و مدافع حقوق کارگر است آیا جرمش امنیتی است؟

کسی که می خواهد از فضای سبز دفاع کند جرمش امنیتی است؟

شاهرخ زمانی و محمد جراحی به منظور گذراندن دوران محکومیت از سوی دادگاه انقلاب، بازداشت شده‌اند.

علاوه بر این وضعیت میثم نجاتی عارف، یکی دیگر از فعالین کارگری، علی‌رغم گذشت چندین روز از زمان بازداشت نیز نامعلوم گزارش شده است.

برای این دو زندانی جلوگیری می‌کنند.

بر اساس این گزارش، مقامات زندان به اعتراض‌های مکرر این دو زندانی تاکنون توجه نکرده و بدین وسیله آنان را تحت فشارهای جسمی و روانی قرار می دهند و این در حالی که داشتن لباس گرم از حقوق اولیه زندانی است.

لازم به یادآوری است که

خبر مربوط به وضعیت محمد جراحی و شاهرخ زمانی در زندان

یازدهم آبان ۱۳۹۰

شاهرخ زمانی و محمد جراحی هم چنان در بند قرنطینه زندان تبریزاند

خبرگزاری هرانا - شاهرخ زمانی و محمد جراحی، دو فعال کارگری بازداشتی، کماکان در بند قرنطینه بدون لباس گرم و وسائل گرم کننده در شرایط سختی به سر می‌برند.

بگزارش کانون مدافعان حقوق کارگر، ماموران زندان و مقامات امنیتی، هم‌چنان پس از ده روز از بازداشت شاهرخ زمانی و محمد جراحی، از ملاقات خانواده و دریافت لباس گرم



نامه محمد جراحی به رئیس سندیکای نقاشان ساختمانی ایران در سال ۱۳۹۲

ریاست محترم سندیکای
نقاشان ساختمانی ایران

با عرض سلام و تقدیم احترام

ضمن درود به خدمت جنابعالی و سایر اعضای محترم سندیکای نقاشان و عرض خسته نباشید به عموم فعالان کارگری و کارگران زحمتکش ایران، به استحضار می‌رساند اینجانب محمد جراحی فعال کارگری و عضو سندیکای نقاشان با قریب به ۳۶ سال فعالیت سندیکایی هستم که به دفعات به‌خاطر دفاع از حقوق کارگران بازداشت و مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌ام. اینجانب در خرداد ماه سال ۹۰ به اتهام فعالیت در دفاع از حقوق کارگران توسط اداره اطلاعات تبریز بازداشت و پس از نزدیک به ۲ ماه بازداشت توأم با شکنجه و آزار و اذیت جسمی و روحی توسط دادگاه انقلاب تبریز طی یک حکم ناعادلانه به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده‌ام و هم‌اکنون بیش از ۲ سال است در زندان مرکزی تبریز مشغول گذراندن محکومیت خود هستم.

در طول این مدت به دلیل شرایط سنی (۵۵ سال) و وضعیت نامناسب زندان تبریز از

عمل جراحی تیروئید و علیرغم نظر پزشکان مبنی بر استراحت کامل، مسئولین زندان از اعطای مرخصی استعلاجی به بنده خودداری و بلافاصله پس از عمل جراحی به زندان منتقل شده‌ام.

با توجه به موارد ذکر شده به ضرس قاطع اعلام می‌کنم که حکم صادره کاملاً ناعادلانه و فرمایشی بوده و اینجانب قربانی فعالیت‌های خود در راستای احقاق حقوق کارگران شده‌ام. فلذا ضمن ارائه این گزارش از حکم صادره دادگاه و وضعیت جسمی خویش، خواهشمندم تا پرونده اینجانب را مورد پیگیری قرار دهید تا عدالت در این‌باره اجرا شود.

با سپاس و امتنان

فعال کارگری، محمد جراحی

نظر تغذیه و بهداشت به بیماری‌هایی اعم از سرطان تیروئید، دیابت و چربی خون دچار شده‌ام. ولی متأسفانه تا به حال اقدامات مناسبی از طرف مسئولین زندان در راستای درمان بیماری‌هایم انجام نگرفته است. شایان ذکر است بنده به‌خاطر ابتلاء به بیماری سرطان تیروئید یکبار مورد عمل جراحی قرار گرفته‌ام و طبق نظر پزشکان متخصص مراحل درمانی باید در بیرون از زندان پیگیری شود. از این‌رو اینجانب با تکمیل پرونده پزشکی خود و ارسال آن به پزشکی قانونی جهت صدور نظر کارشناسی مبنی بر عدم تحمل حبس اقدام کرده بودم و اکنون با گذشت ۵ ماه از طرف مسئولین امر پاسخی دریافت نکرده‌ام.

باید عنوان کنم اینجانب در طی ۲ سال گذشته از مرخصی بهره نبرده‌ام و حتی پس از



ایجاد تشکل فی نفسه باید محور کار قرار گیرد و تا تشکیل تشکلهای
توده ای بی وقفه ادامه یابد.

چند پرسش توسط گروه تلگرامی آزادی، برابری، انسانیت، از مهرداد جراحی درباره پدرش

آزادی، برابری، انسانیت: آیا پدرتان در لحظات آخر عمرش پیامی یا حرفی داشت؟

مهرداد جراحی: چند ساعت قبل از اینکه حال پدرم وخیم شود و به آی سی یو منتقل شود از من طلب بخشش کرد بخاطر اینکه کنارم نبود و مبارزات سیاسی و زندانی شدنش باعث شده بود از من غافل شود.

آزادی، برابری، انسانیت: شما بعنوان فرزند محمد جراحی به عنوان فعال خستگی ناپذیر جنبش کارگری نسبت به افکار و آرمانهای انسانی و سوسیالیستی پدرتان چه احساسی دارید؟

مهرداد جراحی: متأسفانه من در مورد فعالیت های پدرم اطلاعاتی ندارم و از سیاست چیزی نمیدانم ولی از اینکه پدرم از راهش کج نشد و همیشه رو به هدفش حرکت کرد برای من باعث افتخار است. ■

دوستان می‌گرفت باعث میشد با بیماری بچنگد وگرنه شاید خیلی زودتر از میان ما میرفت. توی بیمارستان برای اینکه دوستانش از شدت بیماری او ناراحت نشوند هر بار که ملاقات کننده ای بود سعی میکرد بنشیند و یکی دوساعت درد را مخفی میکرد و لبخند میزد و با روحیه با دوستانش صحبت میکرد و اکثراً بعد از ساعات ملاقات تا شب حالش بدتر میشد.

آزادی، برابری، انسانیت: در مراسم خاکسپاری پدرتان که با استقبال مواجه شد چهره های مطرح جنبش کارگری حضور داشتند شما چه احساسی از حضور و حمایت آنها داشتید؟

مهرداد جراحی: حیف که پدرم از چنین دوستانی جدا شد. خوشحال بودم که پدرم سربلند با دوستانش خداحافظی کرد.

آزادی، برابری، انسانیت: پدر شما سالها در زندان بوده است حتما در مدت حبس خانواده تان سختی کشیده اند اگر خاطره ای از آن دوره دارید مختصر بیان کنید؟

مهرداد جراحی: خاطره که همیشه از مدت زندان پدرم بگم. تنها چیزی که ما دیدیم سختی کشیدن پدرم بود مخصوصاً بعد از عمل تیروئید! همیشه توی تلفن میگفت حالش خوبه ولی ملاقات که میرفتیم هر بار پیرتر از دفعه قبل میدیدیمش طوری که دفعه آخر که رفتیم ملاقات به سختی پدرم رو شناختم!

آزادی، برابری، انسانیت: پدر شما یکی از فعالین مطرح جنبش کارگری بود در دوران بیماریش حمایت مردم را چگونه دیدید؟

مهرداد جراحی: توی این شش ماه که پدرم در بستر بیماری بود مردم و دوستان پدرم همه جوره از پدرم حمایت کردند. انرژی که پدرم از لطف

گفتگو با وکیل محمد جراحی

نقی محمودی وکیل و يك فعال سیاسی مدنی است که اکثر پرونده های سیاسی فعالین مدنی و کارگری، خصوصاً در آذربایجان را به عهده داشته است. اگر چه به خاطر اینگونه فعالیت ها، جمهوری اسلامی جواز وکالت او را باطل کرده است، ولی او هم چنان به دفاع خود از زندانیان سیاسی ادامه میدهد.

نقی محمودی همچنین وکالت محمد جراحی را هم بعهده داشته است که به همین خاطر گروه تلگرامی "آزادی، برابری، انسانیت" مصاحبه ای با ایشان انجام داده است که ما آنرا در این ویژه نامه درج میکنیم.

آزادی، برابری، انسانیت: آقای محمودی، با تشکر از شما که در این مصاحبه شرکت میکنید، اولین سؤال من از شما این است که شما چه زمانی وکالت محمد جراحی فعال کارگری را به عهده داشتید و چه اقداماتی در دفاع از این فعال کارگری و برای آزادی او از زندان انجام دادید؟

نقی محمودی: من در سال ۹۰ وکالت زنده یاد محمد جراحی را بدون دریافت حق الوکاله قبول کردم. آن زمان پرونده به لحاظ قطعیت حکم محکومیت حبس صادره به اجرای احکام کیفری ارسال شده بود و موکلم به زندان اعزام شده و در حال تحمل حبس بود. من توانستم با یک

قضائی و زندان های جمهوری اسلامی ایران می کنم.

شرایط سخت و طاقت فرسای زندان ها از نظر وضعیت بهداشت و درمان و سیستم سرمایش و گرمایش از سوئی و صدور احکام حبس سنگین از سوی دیگر، زندانی را از پای درمی آورد.

آزادی، برابری، انسانیت: از نظر شما، بعنوان وکیلی که سالها تجربه وکالت را پشت سر دارید، اطلاع رسانی گسترده و رسانه ای شدن پرونده های سیاسی فعالین چقدر در آزادی آنها موثر است؟

نقی محمودی: شخصا معتقدم و بارها در تبریز هم بر این امر تاکید داشتم که اطلاع رسانی و مداخله وکیل در پرونده های سیاسی باعث می شود که دست مسئولین قضائی و زندان، در آزار و اذیت مضاعف زندانی کوتاه شود. هر چند مقامات رژیم جمهوری اسلامی ایران همواره سعی می کنند که عدم توجه به فشارهای بین المللی را تبلیغ کنند ولی واقعیت غیر از این است و فشارهای بین المللی باعث تزلزلشان می شود. بنابراین، به هر وسیله ممکن، سکوت خبری نسبت به وضعیت زندانی را باید شکست. شکستن سکوت، اولین قدم در راه شکستن حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است. ■

فعالین کارگری را چگونه ارزیابی میکنید؟

نقی محمودی: سیاست مقامات قضائی و مسئولین زندان، نسبت به تمام دگراندیشان و زندانیان سیاسی، سیاستی خشن و بی رحماست و نسبت به افرادی که در پی ایجاد تشکل، گروه یا سازمان هستند بی رحم تر.

فعالین کارگری کسانی هستند که طعم تلخ و سنگین سیاست بی رحم تر را با اعماق وجودشان، درک می کنند. به همین سبب نیز آماج احکام سنگین قرار داشته و حتی از حقوق زندانیان طبق مقررات زندان های جمهوری اسلامی ایران از قبیل مرخصی معمولی، استعلاجی و فوت بستگان نزدیک برخوردار نیستند. نمونه بارز آن زنده یاد شاهرخ زمانی است که حتی نتوانست برای عروسی دخترش و فوت مادرش از یک ساعت مرخصی استفاده کند.

آزادی، برابری، انسانیت: شما چه کسانی را عاملین مرگ محمد جراحی می دانید؟ آیا به نظر شما مسببین این رویداد را باید روزی پشت میز محاکمه کشاند؟

نقی محمودی: من مرگ شاهرخ زمانی در زندان و مرگ تدریجی محمد جراحی که از داخل زندان شروع و در بیرون از زندان به فوت وی منجر شد را مستقیما متوجه مسئولین

ایراد شکلی پرونده را مجددا به دادگاه تجدیدنظر برگردانم و حبس قطعی اش را به حالت تعلیق درآورم که منتهی به آزادی زنده یاد جراحی شد. البته چند روزی در آزادی اش تعلل کردند که بعد از نامه نگاری های زیاد به اجرای احکام کیفری و زندان تبریز، نهایتا آزادی اش محقق شد.

و زمانی که مجددا به همراه زنده یاد شاهرخ زمانی دستگیر شد و پنج سال حبس بدون مرخصی را تحمل کرد، پروانه وکالت باطل و ضبط شده بود. به این خاطر، علیرغم مراجعه ها نتوانستم وکالتشان را قبول کنم و تنها کاری که از دستم برمی آمد ارائه مشاوره بود.

آزادی، برابری، انسانیت: جمهوری اسلامی محمد جراحی را با چه اتهام هایی پنج سال پشت میله ها نگه داشت؟

نقی محمودی: تلاش برای ایجاد تشکل کارگری و چاپ نشریات کارگری تنها کاری بود که او و شاهرخ انجام داده بودند که با اتهامات عدیده ای از قبیل تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور مواجه شدند.

آزادی، برابری، انسانیت: شما بعنوان وکیل محمد جراحی، سیاست جمهوری اسلامی در داخل زندان نسبت به فعالین سیاسی و خصوصا

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه انسانی

محمد جراحی، با سرود انترناسیونال به خاک سپرده شد. یادش گرامی باد!

شهلا دانشفر

روز ۱۴ مهر محمد جراحی چهره محبوب کارگری، کارگر رزمنده و کمونیست در گورستان "وادی رحمت تبریز" با حضور اعضای خانواده، همکاران و جمع وسیعی از مردم تبریز، و رهنوردان راه آزادی و برابری که از شهرهای دیگر به تبریز رفته بودند، به خاک سپرده شد. محمد جراحی در صبح روز ۱۳ مهر در بیمارستان تجریش تهران جان سپرد، جان باختن او را به خانواده اش، و به همگان تسلیت میگویم.

مراسم گرامیداشت محمد جراحی، در ۱۴ مهر با شکوه بود. سخن این مراسم ادامه جنگ علیه توحش سرمایه داری بود. سخن این مراسم سوسیالیسم به عنوان راه رهایی و اتحاد و همبستگی کارگری بود و در آخر نیز با سرود انترناسیونال، سرود همبستگی جهانی کارگران پایان یافت. در این مراسم به ادامه راه محمد جراحی و شاهرخ زمانی، دو چهره محبوب کمونیست و رزمنده جنبش کارگری که جان باختند و بطور واقعی جمهوری اسلامی آنها را به قتل رساند، تاکید شد و شرکت کنندگان

عزم جزم خود را برای پایان دادن به این بربریت اعلام کردند.

جعفر عظیم زاده، محمود صالحی، آیت نیافر و علی فائز پور از چهره های شناخته شده کارگری از جمله سخنرانان این مراسم بودند. محمود صالحی، در این مراسم اعلام کرد و گفت: «کسانی مانند محمد جراحی و شاهرخ زمانی هیچگاه نمی‌میرند چراکه در زندگی‌شان به انسانیت خدمت کرده‌اند. به بشریت و طبقه کارگر خدمت کرده اند. ما این غمها را به نیرو تبدیل کنیم علیه کسانی که ما را به این روز انداخته اند»

جعفر عظیم زاده در سخنرانی اش با اشاره به بیمار شدن محمد جراحی در زندان و محرومیتش از حق درمان گفت: «مسئول مرگ محمد جراحی و شاهرخ زمانی کسانی هستند که حق‌خواهی کارگر را در این مملکت برنمی‌تابند. «او طی این سخنرانی افزود: «ما کارگران با مرگ شاهرخ زمانی و محمد جراحی بسیار مصمم‌تر از پیش حق‌خواهی خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد وضعیت موجود دوام پیدا بکند.»

آیت نیافر از کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری در سخنرانی خود میگوید تا آزادی و برابری انسانها و محو جامعه سرمایه داری این جنگ و مبارزه و اعتراض ادامه خواهد داشت. تا زمانیکه حقوقها یک

پنجم زیر خط فقر باشد، این وضع ادامه خواهد داشت. و یاد محمد جراحی و شاهرخ زمانی را گرامی داشت.

در گذشت محمد جراحی برآستی ضایعه ای در جنبش کارگری و برای جنبش کمونیستی است.

محمد جراحی همراه با زنده یاد شاهرخ زمانی که در شهریور ۹۴ در زندانهای رژیم اسلامی جان باخت، از بنیانگزاران سندیکای نقاشان بود. محمد جراحی همچنین عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری بود. او اول بار در سال ۸۶ به دلیل مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران بازداشت و به ۱۴ ماه حبس محکوم شد و بعدتر با قرار وثیقه از زندان آزاد شد. جراحی در سال ۸۷ نیز یک ماه در زندان بود. و بالاخره در خرداد سال ۹۰ همراه با شاهرخ زمانی و تعدادی از فعالین دانشجویی تبریز دستگیر شد و در بیدادگاههای رژیم اسلامی به ۵ سال حبس محکوم گردید. محمد جراحی طی نامه ای از زندان حکم خود را نا عادلانه خواند، و فعالیتهايش را در دفاع از حقوق کارگران برحق دانست. او مدت ۵ سال را بدون یک روز مرخصی و در شرایط بسیار سختی در زندان مرکزی تبریز گذراند. اما محمد جراحی در زندان نیز همچنان ایستاد و صدای آزادیخواهی و انسانیت بود. از جمله با گذاشتن امضای خود در زیر بیانیه هایی که در

اسلامی محمد جراحی را به قتل رساند.

محمد جراحی یک کارگر مبارز، کمونیست و آزادیخواه و کادر حزب کمونیست کارگری ایران بود. زندگی‌اش سراسر مبارزه در راه آرمانهای انسانی‌اش و برای آزادی و سوسیالیسم بود. یاد او همیشه گرمی است. ■

مبارزه سیاسی در ایران است. ۳- همه ما میدانیم در هر جامعه طبقاتی يك مبارزه دائمی علیه استثمار و نابرابری در جریان است. و در هر جامعه ای که مبارزه میان دو قطب اصلی جامعه در جریان است، کمونیسم يك گرایش زنده و داده شده در صفوف مبارزه کارگر علیه سرمایه است. هر کجا کارگر برای حقوق خود و جامعه مبارزه میکند، سر و کله مارکس و مانیفست و کمونیسم هم پیدا است. لازم نیست ذره بین گرفت و با چراغ به دنبال کمونیسم و کمونیست‌ها در صفوف اعتراضی کارگران گشت. این واقعیتی است که حتی هر مامور تازه استخدام شده در نهادهای سرکوبگر به هر فرد کنجکاوی خاطر نشان خواهد کرد. کافی است حتی نیم نگاهی به فیلمهای موجود که اعتراضات کارگری را بیان میکنند، بیندازیم تا ببینیم چگونه ماموران دستگاه سرکوب در پس هر اعتراضی به دنبال سازماندهندگان کمونیست

هنگام با موجی از اعتراض روبرو شد.

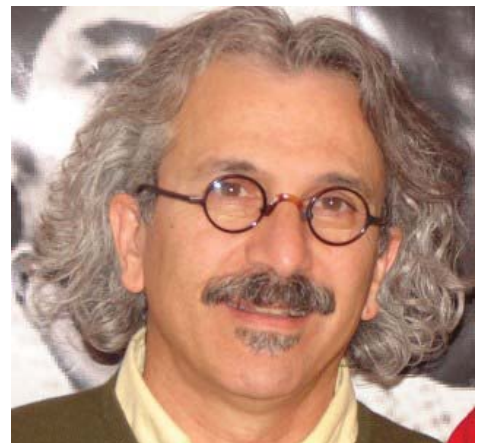
جراحی در مرداد ۹۵ پس از گذراندن دوره محکومیت ۵ ساله‌اش آزاد شد. او پس از آزادی به دلیل بازگشت بیماری سرطانش در بیمارستانهای تبریز بستری و پس از مدتی به بیمارستان شهدای تجریش در تهران منتقل شد و در ۱۳ مهر پس از مدتها مبارزه با سرطان در بیمارستان تجریش جان باخت. بطور واقعی جمهوری

بود. محمد جراحی تجسم فردی این واقعیت مبارزه طبقه کارگر است که گاه آشکار و گاه پنهان اما در هر حال بر علیه وضعیت موجود در جریان است.

۲- علی القاعده در يك جامعه آزاد، در جامعه ای که ابزار بیان و عقیده جرم نیست، انسانی بخاطر دیدگاه سیاسی‌اش به قتل و زنجیر کشیده نمیشود. در جامعه ای که تحزب آزاد است، عضویت در احزاب رادیکال سوسیالیست و کمونیستی کارگری مترادف با زندان و شکنجه و اعدام نیست، هر انسانی میتواند تعلق سیاسی و تشکیلاتی خود را آگاهانه و بدون هیچ پی‌آمدی به اطلاع عموم و جامعه برساند. اما در ایران اسلام زده و استبداد زده چنین نیست. بسیاری از فعالین سیاسی جنبش‌های اجتماعی ناچارند که بخشی از عقاید و باورهای خود و یا تعلق تشکیلاتی خود را از چشم رژیم و بعضا حتی جامعه و یا بخشی از نزدیکان و عزیزان خود به درجاتی پنهان کنند. این واقعیت بخشی از مشخصه

دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام میگذاشت، همچنان در صف مقدم اعتراض بود.

محمد جراحی در زندان به بیماری سرطان تیروئید مبتلا شد. در همانموقع تحت عمل جراحی قرار گرفت، اما بعد از عمل جانین اسلامی او را دوباره به زندان بازگرداندند و اجازه ندادند که تحت کنترل قرار گیرد و حتی به او داروی اشتباه دادند. این خبر در آن



چند کلمه پیرامون تحركات آنتی کمونیستی پس از مرگ محمد جراحی

علی جوادی

۱- مرگ زودرس محمد جراحی چهره شناخته شده و محبوب جنبش سوسیالیسم کارگری در ایران قلب همه ما را به درد آورد. محمد جراحی زندگی‌اش با فقر و استثمار و نابرابری و در عین حال مبارزه برای نابودی فقر و استثمار و نابرابری در هم تنیده شده بود و از این منظر يك چهره شاخص و رادیکال جنبش سوسیالیسم کارگری

میگردند.

۴- جامعه ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. کمونیسم کارگری يك گرایش قوی و مهم در سوخت و ساز و فعال و انفعالات همیشگی طبقه کارگر است. کمونیستها و فعالین کمونیست در جنبش کارگری بخشی مهم و غیر قابل انکار تحركات صفوف طبقه کارگرانند. اینکه فعالینی مانند محمد جراحی دارای تعلق حزبی باشند و یا در دوره از فعالیت سیاسی خود به حزب معینی و در اینجا به حزب کمونیست کارگری پیوندند، نه امر عجیب و نه امر ناشناخته ای است. خلاف این واقعیت عجیب است. اگر چنین نباشد، عجیب است.

۵- حزب کمونیست کارگری و کلا کمونیسم کارگری يك رکن مهم و تعیین کننده گرایش رادیکال سوسیالیسم کارگری است. روی آوری به حزب کمونیست کارگری يك امر طبیعی و منطقی برای فعالین کارگری است. حزب کمونیست کارگری، حزب کارگران پیشرو و رادیکال سوسیالیستی است که منافع عمومی کل طبقه کارگر را در هر جدالی نمایندگی میکند. پرچمدار تغییرات جزبی روزمره و تغییرات بنیادی در جامعه است. پرچمدار اصلاحات هر روزه در

زندگی توده های وسیع مردم و انقلاب کارگری است. از این رو پیوستن امثال محمد جراحی به حزب کمونیست کارگری يك امر طبیعی و منطقی است.

۶- اعلام علنی تعلق محمد جراحی به حزب کمونیست کارگری بخشی از پایبندی ما کمونیستهای کارگری به حقیقت است. جنبش ما جنبش بیان حقایق است. بیان حقیقت تعلق تشکیلاتی محمد جراحی به حزب کمونیست کارگری از این ویژگی حزب ما سرچشمه میگیرد. این واقعیت که محمد جراحی در دوره پایانی عمر کوتاه خود به حزب کمونیست کارگری پیوست، واقعیتی است که هیچ درجه از تحرك آنتی کمونیستی محافل حاشیه ای و مغرض نمیتواند، آن را مخدوش کند. ما بیان این حقیقت را به محمد جراحی ها میدونیم.

۷- آیا اعلام تعلق تشکیلاتی محمد جراحی به حزب کمونیست کارگری تاثیری در امنیت فعالین کارگری نمی اندازد؟ واقعیت این است که تعلق تشکیلاتی و حزبی بسیاری از فعالین کارگری و اجتماعی کم و بیش شناخته شده است. اما آنچه به رژیم آدمکشان اسلامی اجازه نمیدهد به این فعالین به این "جرم" تعرض کنند، توازن قوای

سیاسی است و رابطه ای که این فعالین میان کار علنی و کار مخفی خود ایجاد کرده اند. این رابطه به هر درجه که توازن قوا در جامعه به نفع کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی تغییر میکند، بیشتر و بیشتر آشکار میشود. برعکس آنهم صادق است. به هر درجه که جامعه خفقان زده تر میشود این رابطه به جهت عکس خود تغییر میکند.

۸- ما از کنار فغان و اتهامات سخیف و آنتی کمونیستی محافل و جریانات حاشیه ای میگذریم. در عوض بر این واقعیت تاکید میکنیم که طبقه کارگر با حزبش آزاد میشود. باز تاکید میکنیم که برای اجتناب از آینده ای که بار دیگر سلطه گرایشات و جنبش های مختلف سرمایه چه در شکل سلطنتی و اسلامی بر جامعه تحمیل کنند، تمامی کارگران رادیکال سوسیالیست، تمامی رهبران عملی کارگری و جنبشهای آزادی و برابری زن و مردم باد به حزب کمونیست کارگری بپیوندند. درهای حزب کمونیست کارگری برای همه این عزیزان باز است. این حزب شماس است. این راهی بود که محمد جراحی برگزید!

علی جوادی

۷ اکتبر ۲۰۱۷

حزب کمونیست کارگری و کلا کمونیسم کارگری يك رکن مهم و تعیین کننده گرایش رادیکال سوسیالیسم کارگری است. روی آوری به حزب کمونیست کارگری يك امر طبیعی و منطقی برای فعالین کارگری است. حزب کمونیست کارگری، حزب کارگران پیشرو و رادیکال سوسیالیستی است که منافع عمومی کل طبقه کارگر را در هر جدالی نمایندگی میکند.

حزب و حزبیت و مرگ محمد جراحی

مصطفی صابر

حزب ما با مرگ رفیق عزیزمان محمد جراحی اعلام کرد که یک رهبر کارگری کمونیست و یک کادر حزب متاسفانه ما را ترک کرده است... این اطلاع رسانی و بزرگداشت از محمد جراحی با نگرانی برخی دوستان روبرو شده و البته همینطور کسانی که دنیای شان فراتر از رقابت های فرقه ای نمی رود را برانگیخته تا بر حقیقت و بر حزب خاک بپاشند.

دسته اول میگویند که کار حزب ما از لحاظ امنیتی درست نبود و حالا همه کسانی که هم‌رزم و همگام محمد جراحی بوده اند میتوانند از لحاظ امنیتی مورد خطر واقع شوند. چون جمهوری اسلامی میتواند به اتهام عضویت یا رابطه با حزب کمونیست کارگری به آنها گیر بدهد. دسته دوم هم صاف و ساده ما را متهم میکنند خیر ساخته ایم. و... این یادداشت من صرفاً یک اقدام شخصی است و مایلم چند کلمه در پاسخ به دوستان نگران و یا همینطور مغرضان همزاد پندار بنویسم. چرا که فکر میکنم این موضوع اهمیت سیاسی فراتری از خود موضوع دارد.

در جواب به دسته اول باید بگویم اگر کسی عضو و کادر یک حزب کمونیستی خلاف

جریان و ممنوعه در جمهوری اسلامی بود، برای من قابل فهم است که به دلایل امنیتی عضویت اش را در موارد زیادی مخفی نگهدارد. اما وقتی او از میان ما رفت باید هنوز هم مخفی کاری کنیم و هویت حزبی او را از مردم مخفی کنیم؟ اگر جواب این سوال مثبت باشد باید بگویم دیگر اینرا نمی توان به حساب اختناق و سرکوب و امنیت گذاشت. اینرا دیگر باید به حساب این گذاشت که ما را آنقدر تحت فشار و تعقیب قرار داده اند که حتی بعد از مرگمان هم مردم نباید بدانند که عضو کدام حزب و سازمان بودیم! این واقعا دل مرا شکست. دلم برای خودمان و همه کمونیستها سوخت. و خوشحالم که حزب ما در اطلاعیه مرگ محمد جراحی عزیزمان اعلام کرد که او کادر حزب بوده است.

بنظر من این مهم است که رهبران علنی کارگری بتوانند همه جا و با افتخار از تعلق شان به حزب و جریان سیاسی مورد علاقه اشان صحبت کنند و آنرا اعلام دارند. البته من میفهمم که شرایط امنیتی فعلی همیشه اجازه اینرا نمی دهد. اما فکر میکنم کتمان کردن تعلق حزبی و سازمانی حتی بعد از مرگ دیگر فاجعه ای است که خودمان برای خودمان آفریده ایم. این عادات تحمیل شده از اختناق است.

بنظر من باید این فضا را تغییر داد. حزب و حزبیت برای طبقه کارگر و برای رهایی بشر بسیار مهم است و نباید اجازه داد که ما را به جایی برانند که حتی بعد از مرگمان هم تعلق حزبی و سازمانی مان مخفی بماند. البته من میدانم که رژیم به احتمال زیاد سراغ رفقا و هم‌رزمان محمد خواهد آمد. اما ما که در مورد تعلق سازمانی کس دیگری حرف نزده ایم. هرکسی خودش میداند چطور جواب مزاحمت ها و آزار جمهوری اسلامی را بدهد. همچنان که تا بحال داده است. اما این بار اگر آمدند باید به آنها بیش از پیش تعرض کرد که این حق محمد جراحی بود که کادر هر حزبی که خودش دلش میخواست باشد. باید از این حق دفاع کرد و رژیم را عقب راند. بنظر من زمان پیشروی های ما فرار رسیده است...

اما در مورد دسته دوم که بواسطه اعلامیه حزب در مورد مرگ محمد جراحی کمپینی علیه حزب ما راه انداخته اند فقط میتوانم بگویم متاسفم رفقا. خواهش میکنم از دنیای محدود تنگ نظرانه بیرون بیایید. در هر حال لااقل متوجه باشید که از زور رقابت حقیر و فرقه ای شما جزو کمپین جمهوری اسلامی که حزب و حزبیت را برای کارگر جرم میداند نشوید. ■

بنظر من باید این فضا را تغییر داد. حزب و حزبیت برای طبقه کارگر و برای رهایی بشر بسیار مهم است و نباید اجازه داد که ما را به جایی برانند که حتی بعد از مرگمان هم تعلق حزبی و سازمانی مان مخفی بماند.

محمد جراحی درگذشت

مینا احدی

او را کشتند. محمد جراحی فعال کارگری که اسیر حکومت اسلامی بود و زندانبانان و حاکمین خونخوار اسلامی، در حالیکه او مبتلا به سرطان تیروئید بود، از آزار و اذیتش دست بر نداشته و با شکنجه روحی و جسمی او نه فقط به خانواده اش نشان دادند که چه ظرفیتی در بیرحمی و سنگدلی دارند، بلکه با این سیاست خواستند به کارگران و معلمین و معترضین و منزجرین از حکومت اعلام کنند که نتیجه اعتراض، میتواند به اینجا کشیده شود. غافل از اینکه قهرمانی ها و شجاعت امثال محمد جراحی ها و شاهرخ زمانی ها، نه گفتن این قهرمانان در بدترین شرایط به حاکمین انسان

کش اسلامی، تو دهنی محکمی به سران این رژیم از محافظه کار تا اصلاح طلب اشان بوده، و اعتراضات در ایران را گسترده تر و روحیه اعتراضی و تهاجمی را بیشتر و بیشتر کرده است. روزی نیست که در مقابل مجلس حاکمین اسلامی و قاتلین کارگران، تعدادی از مردم معترض تجمع نکنند. این را همه مردم ایران و سران وقیح اسلامی شاهدند. مردم ایران پایه های حکومت اسلامی را نشانه رفته اند و دیر نیست روزی که با سرنگونی این حکومت، همه به احترام شاهرخ زمانی ها و محمد جراحی ها بپا خاسته و با نصب مجسمه های این عزیزان در ایران و در دنیا بعنوان یادبود دوران سخت مقابله با جنبش اسلامی در ایران، نام و یاد آنها جاودانه کنند. ■

گرامی باد یاد و خاطره محمد جراحی کارگر کمونیست

رضا رشیدی فعال کارگری

محمد جراحی درگذشت. خبر بسیار زود در وب سایتها منتشر شد.

عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری بود. به دلیل تلاش برای متشکل کردن کارگران و متحد کردن صفوف مبارزه بر علیه سرمایه داری حاکم بر ایران جانش را داد.

شایسته است برای فقدان محمد جراحی جنبش کارگری و فعالین آن مراسمهایی متحد و دسته جمعی برگزار کنند.

محمد جراحی جایگاه ویژه ای در جنبش کارگری دارد و به اعتبار استقامت و پایداری و تلاش برای متحد کردن کارگران و آگاهی بخشی کمونیستی به کارگران، شایسته بیشترین

تجلیل هاست.

متأسفانه محمد جراحی زنده نماند تا در هم شکستن حکومت سرمایه داران در ایران را ببیند. اما اهمیت فعالیتها و تلاش و فعالیت کمونیستی محمد جراحی در تاریخ جنبش کارگری و سیاسی ایران ماندگار خواهد ماند.

درد بر محمد جراحی
زنده باد اتحاد کارگری
زنده باد سوسیالیسم



شد که آزادی ورهایی طبقه کارگر با دل رحمی و صدقه دادن به طبقه کارگر چاره ساز نیست.

محمد جراحی بدرستی به این نتیجه رسید که نظام سرمایه داری در همه شکل و شمایلش جوابگوی مردم جامعه و طبقه کارگر نیست. متوجه شد که نظام سرمایه فقر و جنایت را در جامعه تولید و باز تولید میکند.

محمد جراحی جمهوری اسلامی را از بدو تولدش یک نظام ضد انسانی پنداشت و از همین دیدگاه با جریانان چپ سنتی و کمونیسم بورژوازی مرزبندی کرد. "کمونیسم و چپی" که در سال ۵۷ و بعدها یکی در میان از این حکومت حمایت کرد.

محمد جراحی متعلق به چپ توده ای- فدایی-استالینی-مائوئی که از حکومت خمینی دفاع کردند نبود.

محمد جراحی کمونیسم مارکس بود. محمد جراحی بدرستی متوجه شد که آزادی و برابری طبقه کارگر فقط با سرنگونی انقلابی حکومت جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی-سوسیالیستی امکان پذیر است. سوسیالیسم را تنها راه رهایی جامعه و طبقه کارگر میپنداشت.

جمهوری اسلامی بر علیه محمد جراحی ها

جمهوری اسلامی با زندان، شکنجه و کشتار صدها هزار انقلابی، چپ و کمونیست میخواست که صدای انسانیت

محمد جراحی در حقیقت شاهد زنده بی حقوقی مطلق طبقه کارگر در زمان دوران طلایی حکومت ضد انسانی پهلوی است.

در زمانی که فقط میلیاردها دلار خرج هزینه جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی برای نشان دادن "حقوق بشر" امپراطور خون و شمشیر "کوروش کبیر" در شیراز هزینه میکردند تا رهبران و استثمارگران ایران و جهان را از الطاف این امپراطور جهانگشا و شمشیر بدست مطلع سازند، محمد جراحی ها- در تبریز در سنین ۴-۲ سالگی زیر ستم و استثمار شاهنشاهی آریا مهر و اعوان و انصارش بایستی با کار شاقه نان آور خانواده خود باشند و پابرنه به مدرسه بروند و از ترس رنج مادر، حتی تاول و خون پا را از چشم مادر دور نگهدارند.

دوران کودکی محمد جراحی در حقیقت دادرسی و کیفر خواست از حکومت شاه، سلطنت پهلوی و کل نظام ضد کارگری- انسانی سرمایه داری در ایران است.

دوران طلایی خمینی جلاد

انقلاب ۵۷ از محمد جراحی یک کمونیست ساخت. محمد جراحی بگفته خودش وقتی استاد کار شد و دستش بدهانش رسید کودکان را با اتومبیل ژیان از مدرسه به خانه میبرد تا در سرمای تبریز پای پابرنه اشان یخ نبندد و تاول نزند. به گفته خودش "از دست من کار دیگری بر نیامد."

محمد جراحی بدرستی متوجه



درسهای از زندگی پر مشقت و پربار محمد جراحی- وداع با کمونیسم بورژوازی و چپهای سنتی

مجید آذری

مصاحبه ای که اخیرا توسط شهلا دانشفر با کارگر کمونیست و انقلابی محمد جراحی انتشار پیدا کرد حاوی درسهای بود که برای جنبش انقلابی و کمونیستی ایران بسیار با اهمیت است.

محمد جراحی مثل اکثریت قریب به اتفاق طبقه کارگر در ایران از همان دوران جنینی و کودکی با فقر و بیحقوقی دست و پنجه نرم کرد.

زندگی در دوران خردسالی و نوجوانی محمد جراحی که در سن ۲-۳ سالگی باید مثل هزاران هزار کودک خردسال در تبریز نان آور خانواده اش باشد، مشقت محکمی است به دهان تمام یاهو گویان طرفدار سلطنت پهلوی، که مدعی هستند طبقه کارگر بخاطر شکم سیرش حکومت پهلوی را بزیر کشید.

کمونیستی- کارگری میسر است و حزب کمونیست کارگری را تنها حزب کمونیستی- انقلابی و کارگری خطاب کرد و همه مردم و به خصوص طبقه کارگر خواست که به حزب خودشان به پیوندند.

محمد جراحی ربطی به "کمونیسم مستقل" و "کارگر مستقل" نداشت. بنا به تعریف، سوسیالیسم و کمونیسم یعنی اجتماعی شدن و اشتراکی شدن و این در تضاد کامل با مستقل بودن و مبارزه مستقل کردن است. کارگر و کمونیست مستقل و تنها، عملاً در تضاد با منافع طبقه کارگر، اجتماع، سوسیالیسم و کمونیسم است و سرخودش را گول میزند.

برای ادامه راه محمد جراحی، برای سرنگونی انقلابی حکومت جهل و جنایت اسلامی، برای رهایی و آزادی طبقه کارگر و جامعه به حزب خودتان- حزب کمونیست کارگری به پیوندند. ■

محمد جراحی بدرستی متوجه شد که دیگر احزاب و سازمانها عملاً ربطی به منافع طبقه کارگر و آزادی انسان ندارند و فقط برای سرگرمی و بازار گرمی می‌خواهند سر خود و جامعه را شیر به مالند.

محمد جراحی کمونیسم خود را کمونیسم مارکس، منصور حکمت، حمید تقوایی و حزب کمونیست کارگری خطاب کرد.

محمد جراحی ربطی به کمونیسم ضد آمریکایی- ضد اسرائیلی و اسلام زده نداشت.

محمد جراحی کمونیسمش ربطی به دمکراسی طلبی بوزوازی و مصدق السطنه و دیگر جناحهای ریز و درشت سرمایه نداشت.

محمد جراحی بدرستی متوجه شد که مبارزه و جنبش طبقه کارگر به خودی خود نمیتواند طبقه کارگر و جامعه را آزاد کند.

او رسماً اعلام کرد که راه رهایی و آزادی طبقه کارگر فقط از طریق تحزب در حزب

و حق طلبی آنان به گوش طبقه کارگر و محمد جراحی ها نرسد. با سانسور و جنایت و شقاوت کوچکترین صدای حق طلبی طبقه کارگر را در نطفه خفه میکرد. محمد جراحی همواره تحت تعقیب، زندانی و زیر شکنجه بود و در آخر هم همین حکومت باعث قتل او شد.

اما همه این جنایات حکومت جهل و جنایت اسلامی محمد جراحی ها را نتوانست از پای در آورد.

محمد جراحی با صدای بلند اعلام کرد که طبقه کارگر باید بقدرت برسد. سوسیالیسم تنها راه رهایی جامعه و طبقه کارگر است.

محمد جراحی در میان تمام تبلیغات و سانسور حکومت اسلامی خط انقلابی و کمونیسم کارگری را تشخیص داد و به همگان پیام داد که برای رهایی و آزادی طبقه کارگر باید به حزب کمونیست کارگری پیوست.

قوانین کار و رفاه اجتماعی نظیر کلیه حقوق و وظایف شهروندان کشور باید بدون هیچ تبعیضی شامل کارگران خارجی و خارجیان مقیم کشور گردد.

حزب کمونیست کارگری مدافع برابری کامل حقوقی همه کارگران در کشور، مستقل از تابعیت، ملیت، مذهب، جنسیت و غیره است.

آزادی کامل و بی قید و شرط اعتصاب. اعتصاب کارگری نیازمند هیچ مجوزی

از جانب دولت و مقامات دولتی نیست. پرداخت حقوق کامل در ایام اعتصاب. حق برابر برای اعتصابیون برای توضیح علل اقدام خویش و پاسخگویی به اظهارات دولت و کارفرمایان از رسانه های عمومی.

ممنوعیت غیر قانونی کردن مواردی اعتصابات به هر بهانه، نظیر "منافع ملی و میهنی"، "شرایط اضطراری"، "شرایط جنگی" و غیره.

از برنامه یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

چرا در سایه بمانیم؟

پرستو داوری

میلیونها کارگر وزحمتکش به طور روزانه زیر فشارهای گوناگون سیستم سرمایه داری قرار دارند. سرمایه داری به عنوان یک سیستم عمل می کند و اگر از مسایل جزئی بگذریم این سیستم در سطوح مختلف جهانی متحدانه زنجیرهای وابستگی میلیونها انسان را در گیر و دار روابط تولید روزانه ومستمر می یابد و می یابد. بنابراین چاره کارگران برای خلاصی از تبعات زشت سیستم سرمایه داری همانا مبارزه ای بی امان علیه این سیستم است. یکی از اساسی ترین ارکان این مبارزه اتحاد هرچه بیشتر کارگران منسجم در تشکل های کارگری است و پیوستن به صفوف حزب طبقه ی کارگر به مثابه عالی ترین و نوین ترین و پیگیرترین و منسجم ترین تشکل آن باید در دستور کار روز تمامی فعالین سیاسی مدافع منافع طبقه کارگر و خود فعالین

گذاشت اما به درستی به پیوند مبارزه فردی با مبارزه حزبی اعتقاد داشت. پیام زنده یاد محمد جراحی در واقع این بود: چرا باید در سایه بمانیم؟ ما که زندگی مان عین مبارزه مان و مبارزه مان عین زندگی است، پس چرا خود را در حزب سیاسیمان متشکل نکنیم و از این طریق مبارزه و نقشمان را برجسته نسازیم؟ چرا باید چون توده یی بی شکل مبارزه کنیم که همیشه آتش مان همان آتش باشد و کاسه مان خالی تر از دیروز. برجسته سازی مبارزه مان از طریق تشکل یابی حزبی اولین حرکت های پیش روی طبقه کارگر باید باشد تا در روشنایی آن ما کارگران مبارز در سایه بمانیم. با پیوستن به احزاب طبقه کارگر نه تنها در سایه نمی مانیم بلکه مبارزه خود و نقش خود را برجسته نیز می سازیم.

با درود فراوان به زنده یاد محمد جراحی که برجسته زندگی کرد و برجسته مبارزه کرد و برجسته جاودان شد. ■

کارگری و هر انسانی که برای رهایی کل جامعه مبارزه میکند قرار گیرد. از میان مبارزات روزمره کارگران بی نام و نشان که بگذریم بخشی از آن نیروی عظیم کار مبارزه خود را ارتقا و اعتلا بخشیده و سعی کرده اند به شکل حزبی متشکل شوند. زیرا با تسلط یافتن بر آگاهی طبقاتی به این حقیقت واقف شده اند که ناگزیرند برای رهایی طبقه کارگر و کل جامعه از زیر سلطه سیستم سرمایه داری به حزب کارگری و کمونیستی بپیوندند.

زنده یاد محمد جراحی از تبار این بخش از کارگران بود که پس از آگاهی یافتن به صفوف حزب طبقه کارگر پیوست زیرا وی بخوبی می دانست که از طریق مبارزه فردی ولو آنکه سالیان سال در زندان سپری کنی و تمام عمر در حال مبارزه باشی اثر چندانی ندارد.

بنابراین گرچه وی مبارزی تمام عیار بود و در راه مبارزه رنج ها و سختی های زیادی متحمل شد و حتی از جانش مایه



در مورد عضویت محمد جراحی در حزب کمونیست کارگری

نبودن و "مستقل از احزاب" بودن فضیلتی برای خود ساخته اند با حزب کمونیست کارگری و کلا حزب و حزیت کارگران مشکل دارند.

اما دوران این نوع حزب گریزی و حزب ستیزی ها به سر آمده است. محمد جراحی ها خود گواه روی آوری طبقه کارگر و فعالین جنبش کارگری به حزب و حزیت کمونیستی هستند. بزودی روشن خواهد شد که محمد جراحی در مورد حزیت و مشخصا حزب کمونیست کارگری چه نظری داشته و چگونه فکر میکرده است اما نه ما و نه جامعه در اثبات حقانیت حزب به ارائه هیچ سند و مدرکی نیاز نداریم. سابقه و اعتبار حزب در جنبش کارگری و در جامعه بهترین جواب به این مدعیان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ مهر ۱۳۹۶، ۷ اکتبر ۲۰۱۷

بدنبال انتشار اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد در گذشت محمد جراحی چهره سرشناس جنبش کارگری و کادر حزب عده ای با انتشار یک نامه سراسر توهین و افترا آمیز، عضویت او در حزب را زیر سؤال برده اند. اما مشکل این افراد سند و مدرک عضویت نیست، نفس عضویت یک فعال سرشناس کارگری در یک حزب کمونیستی است. اینان در سطر اول ادعای نامه شان خواستار مدرک شده اند اما سطر دوم به بعد را به سخیف ترین حملات و تهمت و افترازنی ها علیه حزب اختصاص داده اند. این یک ادعای حقوقی نیست یک حمله هیستریک به حزب و حزیت کمونیستی است. اینان که از عضو هیچ حزبی

سختترین شرایط متحمل حبس شد و به فاصله کوتاهی بعد از آزادیش در واقع حدود یکسال بود آزاد شده بود. از چهار ماه پیش، سه ماه پیش دچار این مریضی شد و اینجوری جاننش را از دست داد.

مسئول مستقیم جان باختن شاهرخ و محمد جراحی به نظر من کسانی هستند که حق خواهی کارگر را تو این مملکت برنمی تابند و کارگران را زندان می کنند و تحت بدترین شرایط به جایی می کشند که امروز ما ناچاریم به دست خودمان این دوستان را در واقع بیایم سر مزارشان اینجا و مراسم بگیریم برایشان.

در عین حال نکته مهم دیگه ای که وجود داره اینه که مرگ محمد، مرگ شاهرخ، بر خلاف تصور کسانی که در واقع این رفقای ما را اینجوری از دست ما گرفتند، برخلاف تصور آنها که گویا طبقه کارگر، فعالین کارگری از زندان بترسند، از مرگ بترسند، کاملا برعکس است. با مرگ شاهرخ، با مرگ محمد بسیار مصمم تر از پیش، بسیار مصمم تر از همیشه حق خواهی خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد وضعیت موجود دوام پیدا کنه. زنده باشید

همینجا می گویم، بدرود محمد عزیز، بدرود رفیق بزرگ

منبع: سایت اتحادیه کارگران ایران



سخنرانی جعفر عظیم زاده در مراسم خاکسپاری محمد جراحی

محمد عزیز را نمی شناختمش یک سال شناختمش. بعد از اینکه از زندان آزاد شد آمدم پیشش در واقع دوستیمان شروع شد. در وجود محمد من یکی از بهترین، خوشفکرترین و صدیق ترین فعالین جنبش کارگری را پیدا کردم در یکسال گذشته.

محمد را از ما گرفتند محمد را ۵ سال زندان محکوم کردند رسیدگی پزشکی در زندان برایش نکردند، درمان نشد در زندان، تحت بدترین و

جانباخته ما نیست، از این پس جانباختگان دیگری خواهیم داشت. برای راه سوسیالیسم هزینه های گزافی باید بدیم. من وقتتان را نمیگیرم و از حضور همه حضار تشکر میکنم، قدردانی میکنم. و میخواهم بگویم این که از دست ما رفته، رفیق عزیز ما بود، رفیق گرمی ما بود، کارگری زحمتکش و انسانی شریف بود. یادش گرمی! ■

تسلیت میگم به تمام انسانهای آزادیخواه و برابری طلب.

درست است که محمد جراحی در بین ما نیست منتهی افکار محمد جراحی و اندیشه محمد جراحی توسط تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب همیشه زنده و جاودانه خواهد ماند.

محمد جراحی ایستاده ما را ترک کرد، ایستاده از کنار ما گذشت و خاطره هایی در بین ما کارگران گذاشت و رفت. امیدوارم اندیشه های محمد جراحی و دیگر دوستانی که در بین ما نیستند و بعنوان کارگر و فعال کارگری در بین طبقه کارگر و حقوق بگیران بودند در یاد ما همیشه گرمی و زنده باد.

با سپاس از همه عزیزان و رفقا!

به امید سلامتی و تندرستی برای خانواده محمد جراحی ■

سخنان آیت نیافر در مراسم خاکسپاری محمد جراحی

قطعا راه محمد جراحی، شاهرخ زمانی و از این جمله دوستان ادامه خواهد داشت. تا آزادی و برابری انسانها و محو نظام سرمایه داری این جنگ، مبارزه و اعتراض ادامه خواهد داشت. تا زمانی که حقوقها زیر یک پنجم خط فقر باشد این وضع ادامه خواهد داشت. این اولین و آخرین



صحبتهای علی نجاتی در گرامیداشت یاد محمد جراحی

باسلام و وقت بخیر به همه کارگران و فعالین کارگری!

امروز صبح متاسفانه خبر درگذشت رفیق عزیزمان واقعا ناگوار بود و خاطره تلخی در اذهان همه ما کارگران و فعالین کارگری گذاشت. همطور که میدانید محمد جراحی سالیان دراز در خدمت جامعه کارگری بود و برای حال رفاه کارگران با شدیدترین و بدترین اتهامات

امنیتی روبرو شد که آخرین وضعیت محمد جراحی زنده یاد پنج سال زندان بود که متاسفانه علیرغم مشکلات فراوان جسمی که داشت و با همه مریضی که همراه او بود در زندان با بی توجهی مسئولین زندان روبرو شد و مسئولین از کوچکترین امکانات برای انتقال او به بیمارستان و درمان بیماریش حقیقتا خیلی کوتاهی کردند.

در اینجا جا دارد من بعنوان کارگر و عضو هیات مدیره سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه تسلیت خودم را به خانواده محمد جراحی و همچنین به جامعه کارگری گفته باشم. و امیدوارم همیشه کارگران و فعالین کارگری در کنار هم با افکار محمد جراحی و زنده یاد شاهرخ زمانی، و تمام دوستان دیگر که در راه خدمت به طبقه کارگر خودشان تلاش و خدمت میکنند، در راستای خدمت به طبقه کارگر کوشا باشند. من

برای خواندن، شنیدن و دیدن آثار منصور حکمت به سایت زیر مراجعه کنید

<http://hekmat.public-archive.net/indexFa.html>

بدرود با محمد جراحی

بهنام ابراهیم زاده

نمی دانم به چه کسی باید تسلیت گفت؟

در غروبی غمگین این ستاره جنبش کارگری از میان دوستان ورفقایش رفت.

به خاندان گرامی، به فرزندان و مادر و برادران شایسته اش، به دوستان پاکباز، به یاران یک دل و همه همدلان و یاران ورفقای مشفقش، به فعالین کارگری و یا اعضای کمیته پیگیری ویا به ...

باور نمی کنیم که ما باشیم و او نباشد، مشعلی که او و دیگر یارانش از جمله شاهرخ زمانی و کوروش بخشنده و دیگر عزیزان جانباخته بر افروختند، همواره روشن خواهد ماند. مشعلی که کارش روشنایی و جلوداری بوده وهست.

رفیق عزیز محمدجان، نام تو و دیگر یاران عزیزمان از شاهرخ عزیز گرفته تا کوروش بخشنده بر دل و بر صفحه تاریخ جنبش کارگری همیشه ماندگار خواهد ماند.

رفیق خوبم! امروز که خورشید طلوع کرد چندان صبح بی تو آمد، در فقدان کسی که خوبی هایش بر کسی پوشیده نبوده ونیست وانکارش غیر ممکن؛

محمد در طول سالها فعالیت بدون کمترین حاشیه، غیر از حوزه اش هرگز ننوشت. دغدغه اش جز هدفش نبود.

محمد جراحی از لفاظی و پیچیده کردن کلمات در عرصه رسانه رو



جنبش کارگری و تلنگری محکم و واقعی برای همه کسانی که آینده ای را نمی بینند تنها به حال و آینده خودشان میاندیشند

محمد عزیز!

ما فعالین کارگری به آرمان هایت وفادار خواهیم ماند ولحظه ای در دفاع از خواست ومطالبات بر حقمان کوتاه نخواهیم آمد وسکوت نخواهیم کرد.

ما به احترام تو ایستاده ایم. بدرود! . . . بدرود!

بهنام ابراهیم زاده وبلاگ نویس وفعال کارگری وفعال حقوق کودک و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

مهرماه ۹۶ تهران

منبع: صفحه فیس بوک بهنام ابراهیم زاده

گردان بود. ساده می نوشت اما محکم ومتین ونافذ وموثرترین حرفها را به ساده ترین شیوه می نوشت وبیان می کرد. او ترس از عقب افتادن از قافله را نداشت. او آهسته وپیوسته حرکت می کرد. سختکوش وپرتلاش وخستگی ناپذیربود. رفیقمان اینگونه بود وباخوبی های بسیار دیگر که حالا نبودش درجنبش کارگری احساس می شود.

او هرگز پیش کسی چیزی نگفت وگلایه ای نکرد اما واقعیت تلخ اینکه دیگر در میان ما نیست. اما یادش درقلب ما همیشه ماندگار خواهد ماند و راهش را با تمام قدرت ادامه خواهیم داد.

فقدان و نبودنش ما را بیشتر از قبل برای مطالبه گری مان مصمم خواهد کرد.

رفیق عزیز، امیدوارم مرگ شما در شرایط حساس کنونی انگیزه ومحرکی باشد جهت تحکیم روابط فعالین کارگری واتحاد وانسجام

مذهب و ناسیونالیسم، جریانات فکری و اجتماعی فی نفسه تبعیض آمیز، خرافی و مغایر با آزادی و شکوفایی انسان هستند. مذهب، بطور مشخص، حتی بعنوان امر خصوصی افراد، سد راه رهایی و شکوفایی و اعتلای انسان است.

از برنامه یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

زمانی پیوست.

مرگ محمد هر چند که برای همه ما دردناک و تحمل ناپذیر و برای جنبش کارگری ایران ضایعه ای بزرگ است اما، ما در غم از دست دادن محمد زانوی غم در بغل نخواهیم گرفت و محکم و استوار خواهیم ایستاد و لحظه ای در مبارزه برای تحقق آرمانهای بزرگش درنگ نخواهیم کرد.

نگ ابدی بر ستمگران و سرکوبگران

بدرود رفیقم، بدرود محمد عزیز، بدرود سرو قامت جنبش کارگری ایران،
بدرود، بدرود، بدرود

دوستان و خانواده محمد جراحی خود را در غم و اندوه آن عزیز مبارزشریک می دانیم.

یادش گرامی

از طرف عثمان اسماعیلی، سامان بخشنده، کاوه حکیمی، سید علی حسینی، مروارید شریف پور، عزت نصری، نجیبه صالح زاده، یدالله صمدی و محمود صالحی

۱۳/۷/۹۶

منبع: صفحه فیسبوک

نگ ابدی بر

ستمگران و سرکوبگران

جعفر عظیم زاده

محمد جراحی پس از ماهها ایستادگی در برابر بیماری سرطان، صبح امروز در بیمارستان تجریش چشم از جهان فرو بست. مرگ محمد داغ ننگی است بر پیشانی سرکوبگرانی که تاب تحمل فریاد عدالتخواهی این کارگر مبارز را نیاورند، او را به مدت ۵ سال تحت ضد انسانی ترین شرایط به زندان انداختند، در زندان مراقبتهای پزشکی را از او دریغ کردند، تا آخرین دقائق پایان محکومیتش علیرغم جسم بیمار و رنجورش، او را در زندان نگه داشتند و محمد به فاصله کمتر از یکسال از رهائیش از زندان، بر بستر بیماری افتاد و امروز به یار دیرینش شاهرخ

محمد جراحی ما را تنها گذاشت

محمود صالحی، (پیام جمعی)

کارگران، مردم آزادیخواه،

محمد جراحی یکی از فعالان کارگری که مدت ۵ سال به اتهام دفاع از طبقه کارگر در زندان بود و در زندان دچار انواع مریضی شده بود. متأسفانه امروز پنجشنبه مورخ ۱۳/۷/۹۶ بعد از ۵ ماه دست و پنجه نرم کردن با مریضی سرطان در بیمارستان شهدای تجریش در تهران جان باخت. ما ضمن تسلیت به جنبش کارگری ایران، جهان،

بعنوان یک اصل عمومی، حزب کمونیست کارگری خواهان زندگی مردم منتسب به ملیت های مختلف بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوب های کشوری بزرگتر است که سازمانیابی صف های قدرتمند کارگری را در عرصه مبارزه طبقاتی تسهیل میکند. با این حال در مواردی که پیشینه ستم ملی و تخاصمات میان مردم منتسب به ملیت های مختلف همزیستی میان آنها را در چهارچوب های کشوری موجود دشوار و مشقت بار ساخته باشد، حزب کمونیست کارگری حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل از طریق مراجعه مستقیم به آراء خود آن مردم را، به رسمیت می شناسد.

زندگی و مرگ محمد جراحی، کیفرخواستی تمام و کمال از سوی ما کارگران علیه سرکوب و فقر و فلاکت است

محمد جراحی پس از ماهها ایستادگی در برابر بیماری سرطان، صبح روز پنج شنبه در بیمارستان تجریش درگذشت و دیروز طی مراسم با شکوهی در میان بدرقه خانواده و یاران و دوستانش از شهرهای تبریز، تهران، کرج، سقز، سنندج، ساوه و... به خاک سپرده شد.

محمد جراحی تنها به فاصله ۷ ماه پس از آزادی از زندان، در فروردین ماه سالجاری دچار مشکلات جسمانی حاد شد و پس از پیگیری های لازم پزشکی در خرداد ماه امسال بدلیل تشخیص بیماری سرطان کبد بستری گردید.

محمد در زندان دچار بیماری سرطان تیروئید شد و بارها بدلیل عدم رسیدگی پزشکی به وضعیتش دست به اعتراض زد، با این حال نه تنها رسیدگی های پزشکی لازم صورت نگرفت بلکه او را با تنی رنجور و مریض تا آخرین دقایق پایان دوران محکومیتش در زندان نگه داشتند.

تحمیل ۵ سال زندان با شرایط سخت و غیرانسانی به محمد جراحی و محروم کردن او از مراقبتهای پزشکی لازم و درمان در طول دوران حبس و نهایتا ابتلای او به سرطان کبد و مرگ، نتیجه بلاواسطه سیاستهای ضد کارگری

است که می رود در مصافی تعیین کننده با ستمگران و سرکوب گران، پیام آور آزادی و رفاه و برابری برای طبقه کارگر ایران باشد.

زندگی پر مشقت محمد جراحی و فقر و فلاکتی که در طول دوران حیاتش به او و خانواده اش تحمیل شد و شرایطی که به این انسان عزیز و بزرگ از محکومیت به زندان تا دوران حبس و آزادی و مرگ خود یک کیفرخواست تمام و کمال علیه همه ی آن ستم و فقر و فلاکت و سرکوبی است که بر میلیونها کارگر در ایران تحمیل شده است.

ما با این کیفرخواست و با ابراز همدردی عمیق با خانواده محمد جراحی و یاران و دوستانش اعلام می داریم نه تنها در برابر از دست دادن این فعال برجسته جنبش کارگری ایران سر در گریبان نخواهیم کرد بلکه پرشور و مصمم همچون محمد جراحی و شاهرخ زمانی برای خلاصی از وضعیت مصیبت بار موجود مبارزات حق طلبانه خود را با عمق و دامنه بیشتری ادامه خواهیم داد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

۱۵ مهر ماه ۱۳۹۶



زندگی و مرگ محمد جراحی، کیفرخواستی تمام و کمال از سوی ما کارگران علیه سرکوب و فقر و فلاکت است

اتحادیه آزاد کارگران ایران

است

سرمایه داری حاکم بر ایران در طول نزدیک به چهل سال گذشته و مبین بکارگیری ضد انسانی ترین شکلی از سرکوب بر علیه حق خواهی طبقه کارگر ایران است که بویژه در طول نزدیک به یک دهه گذشته خود را از طریق سرکوب میدانی کارگران ایران از شهر بایک تا شرکت واحد تهران و لاستیک البرز و هفت تپه و هپکو و آذر آب، تا صدور حکم شلاق بر علیه اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سنندج و اجرای این حکم شنیع و ضد انسانی در مورد کارگران معدن آق دره و دیگر کارگران به منصف ظهور رسانیده و امروز درمانده از حفظ ژست مستضعف پناهی خود، تمام قد و با چهره ای عریان در برابر طبقه کارگر ایران ظاهر شده است.

از جان گذشتگی کارگرانی همچون محمد جراحی و شاهرخ زمانی و اعتراضات جسورانه کارگران هپکو و آذر آب تا تسلیم ناپذیری معلمان و کارگرانی چون اسماعیل عیدی، محمود بهشتی لنگرودی، علی اکبر باغانی، محسن عمرانی، مختار اسدی، محمود صالحی، رضا شهابی، جعفر عظیم زاده و دهها فعال صنفی دیگر، نمادی از ایستادگی طبقه کارگر ایران در برابر ستم و سرکوب و بی حقوقی و نوک کوه یخ جنبشی عظیم و تاریخی در ایران برای پایان دادن به وضعیت مصیبت بار موجود

به خانواده جراحی و تمامی کارگران ایران تسلیت گفته و خود را شریک غم آنان می دانیم. یادش گرامی باد.

در اینجا جا دارد نگرانی خود را نسبت به ادامه بازداشت رضا شهبابی، کارگر شرکت واحد تهران و حومه و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام داریم. وضعیت جسمانی رضا شهبابی با توجه به گفته همسر او ربابه رضایی بسیار وخیم اعلام شده است و جا دارد فوری و بی قید و شرط رضاشهبابی آزاد و تحت درمان قرار گیرد؛

در آخر درگذشت محمد جراحی رابه خانواده محترم و تمامی کارگران تسلیت میگوییم به امید اتحاد و همبستگی تمامی کارگران جهان.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

پیام تسلیت سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به کارگران و خانواده گرامی محمد جراحی

با کمال تأسف امروز مطلع شدیم که فعال کارگری، عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، قلبش برای همیشه از تپش باز ایستاد. محمد جراحی یکی از مبارزان راه رهایی طبقه کارگر بود که به خاطر مبارزات کارگری به ۵ سال حبس محکوم شده بود. او در شرایط بسیار سخت و با داشتن بیماری، دوران زندان را بدون مرخصی به پایان رساند. عدم رسیدگی پزشکی در دوران محکومیت، می تواند یکی از عامل های مرگ نابهنگام محمد جراحی باشد.

ما کارگران هفت تپه و اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه این ضایعه را

شورای همبستگی کارگران دماوند

با کمال تأسف سنگر مبارزه کارگران و آزادیخواهان و برابری طلبان یکی دیگر از فعالین جسور و خستگی ناپذیرش را از دست داد. مرگ ناحق و تحمیلی محمد جراحی ایمان و اراده همزمانش را محکمتر و جسورتر کرد. و این سنگر روز بروز با واقعیت حاکمیت سرمایه روبرو و مستحکمتر می شود. به خانواده استوار محمد جراحی و تمام دلسوزان انسانیت و طبقه کارگر تسلیت می گوییم و یادش برای همیشه زنده و جاودان است.

بود که در راه مبارزه برای بهبود شرایط زندگی طبقه ی کارگر جان باخت. بی شک قوه قضاییه و سازمان امور زندان ها در این مرگ دخیلند و باید پاسخگو باشند. چرا که سرطان را همین ها به جان او انداخته بودند.

طبقه ی کارگران ایران، کنشگری مقاوم و دلسوز را و کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری یار و همزمزمی باورمند را از دست داده اند.

ما این ضایعه ی اسفناک را به خانواده بزرگ جراحی و به کارگران و زحمتکشان ایران تسلیت می گوییم.

بدیهی است که یاد محمد جراحی همواره با کارگران خواهد بود و عزم همزمانش را برای رسیدن به جامعه ای عاری از ستم و برخوردار از رفاه و شایسته ی زیستن بیشتر خواهد کرد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

قلب محمد جراحی فعال کارگری از تپش ایستاد!

۱۳ مهر ۱۳۹۶

در کمال اندوه خبر یافتیم که قلب پر تپش محمد جراحی فعال کارگری و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری و همزمزم زنده یاد شاهرخ زمانی صبح روزه شنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۶ در بیمارستان تجریش از تپش ایستاد.

محمد جراحی، سه دهه از زندگی اش را در راه مبارزه با ستم سرمایه و اعتلای جنبش کارگری گذراند و در این راه بارها دستگیر و زندانی شد که آخرین بار به مدت ۵ سال بدون حتی یک روز مرخصی در زندان بود. و همانجا بود که به علت عدم رسیدگی درمانی به بیماری مبتلا شد و پس از آزادی از زندان نیز درمانش به جایی نرسید و امروز در بیمارستان در گذشت.

محمد جراحی نمونه ای از صدها فعال کارگری

نگ بر عاملین مرگ فعال کارگری محمد جراحی

زنده یاد محمد جراحی پنج سال به دلیل مبارزه برای دفاع از حقوق کارگران زندانی شد. و حتی حقوق اولیه وی به عنوان یک زندانی رعایت نگردید. مراجعه به پزشک را از وی دریغ کردند و به دلیل عدم تشخیص به موقع سرطان، به فاصله کمتر از یکسال پس از آزادی به دلیل پیشرفت بیماری، مراقبت های پزشکی موثر

واقع نشد و متأسفانه یارانش را تنها گذاشت. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه یاد این فعال کارگری را گرامی می دارد و به خانواده و دوستان و یارانش تسلیت عرض می کند.

**سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه**

۹۶/۰۷/۱۴

برای محمد جراحی که دمی از مبارزه علیه ستم و استثمار به دور نماند!

جراحی فقط یک نام و یک خاطره نخواهد بود! جراحی فقط یک یار و همراه گرامی نخواهد بود! او نه تمثیل یک قهرمان، که خود یک راه بود، راهی که فراسوی صلح و نان و آزادی است! او یک افق درخشان در جهان بی عدالتی و تبعیض بود و خواهد ماند.

مرگ او یک مرگ ساده نبود بلکه از جنس مرگ انسان هایی است که در راه حمایت از کارگران و تمام مزد بگیران دمی ننشستند. او به دلیل همین تلاشش از طرف صاحبان زر و زور به زندان افتاد و در اثر بی توجهی زندانبانان جوانی و سلامتی خود را از دست داد. امروز وی نمرده است بلکه یاد و خاطره اش در تک تک ما باقی است.

راهش پر رهرو!

"گروه اتحاد بازنشستگان"

دردناک و خسارت جبران ناپذیری است. اما راه و آرمان او همچنانکه هم اکنون هر روزه در اعتصابات و اعتراضات طوفنده کارگران و معلمان شاهد هستیم، پر رهرو است و یاد و خاطره او مانند مبارزانی همچون شاهرخ زمانی و کوروش بخشنده همراه لحظه به لحظه مبارزات جنبش کارگری ایران خواهد بود.

ما با از دست دادن هر همرزمی، باری گران بر دوش احساس می کنیم. اما مطمئناً بارغم از دست دادن آنان را با همبستگی و اتحاد قدرتمندتر خود برای رسیدن به آرزوهایشان، بر خود هموار خواهیم کرد.

جوانمیر مرادی

۱۳/۷/۱۳۹۶

همراه با شکنجه های جسمی و روحی که منتج به سرطان شد، در حالیکه حدود یک سال بود که از زندان و از توهین و تحقیر زندانبانان و شکنجه گر رهائی یافته بود، امروز درگذشت.

مرگ محمد جراحی یک باره رقم نخورده بود. روند مرگ او سالها پیش، در دوران بازداشت، شکنجه و زندان شکل گرفت و با محروم شدنش از معالجه و حتی داروهائی که خانواده اش با هزینه شخصی تهیه می کردند، بیماری او به مرحله بحران و لاعلاجی رسید که امروز بعد از سالها تحمل درد، زندگی را بدرود گفت.

بدون شک مرگ محمد جراحی برای جنبش کارگری واقعه ای



محمد جراحی را از جنبش کارگری ایران گرفتند

محمد جراحی عضو کمیته پیگیری، مدافع جسور، خستگی ناپذیر و مبارز راه آرمانهای طبقه کارگر بعد از تحمل ۵ سال بدترین و غیر انسانی ترین شرایط زندان

محمد جراحی در گذشت!

صبح امروز ۱۳ مهرماه، محمد جراحی کارگر مبارز و عضو کمیته پیگیری، بعد از تحمل سالها رنج زندان و بیماری چشم از جهان فروبست. محمد جراحی که به دلیل فعالیت های کارگری از خرداد ماه سال ۹۰ دستگیر و به پنج سال حبس محکوم شده بود در طی مدت اسارت به بیماری تیروئید دچار شد. بیماری که در صورت عدم درمان می تواند تبدیل به سرطان تیروئید شود و در مورد محمد نیز چنین شد. در تمام مدت پنج سال زندان با وجود ابتلا به چنین بیماری مهلکی به وی اجازه مرخصی و درمان ندادند و یک بار هم که به دلیل وخامت حالش با دستبند و پابند از زندان به بیمارستان منتقل شده بود، آنچنان مورد اذیت و آزار و توهین مامورین همراه قرار گرفت که دیگر راضی به مراجعه به بیمارستان نشد. اینچنین بود که شمع وجود نازنین محمد جراحی ذره ذره آب شد و سرانجام خاموشی گرفت؛ تا بار دیگر شاهد عمق کینه و عداوت سرمایه و ایادی آن به کارگران و فعالین صدیق جنبش کارگری باشیم.

همچنان که دو سال قبل شاهرخ زمانی دیگر کارگر صدیق و خستگی ناپذیر جنبش کارگری نیز که در تمام مدت پنج ساله حبس اش از مرخصی محروم بود، در زندان به شکل مشکوکی جان خود را از دست داد. هم اکنون نیز رضا شهبابی کارگر زندانی به دلیل

اعتصاب غذای پنجاه روزه اش در اعتراض به محکومیت غیر قانونی ۹۶۸ روزه خود، با وجود وضعیت وخیم جسمی، در شرایط بد زندان به سر می برد. این در حالی است که علی رغم توصیه پزشکان معالج برای ادامه معالجه رضا، هنوز او به بیمارستان منتقل نشده و چه بسا بار دیگر شاهد فاجعه ای از این دست باشیم.

کارگران! مردم آزاده و وجدان های آگاه و بیدار ایران و جهان!

روزی نیست که شاهد بگیر و ببند و زندانی شدن کارگران و معلمان آگاه، فعالین کارگری و اجتماعی باشیم. این واقعیتی است که این قبیل زندانیان تنها آزادی خود را از دست نمی دهند، بلکه به دلیل شرایط بسیار سخت و نامطلوب زندان، به سلامتی جسمی و روانی زندانیان نیز آسیب وارد می شود. زندان های ایران امروز در واقع به قتلگاه کارگران آگاه و مبارز و فعالان کارگری و اجتماعی تبدیل شده است. بی جهت نیست که محمد جراحی در نامه ای از زندان، شرایط غیر انسانی حاکم بر آن را این گونه توصیف می کند:

"من محمد جراحی، کارگر زندانی و عضو کمیته پیگیری ایجادتشکل های کارگری هستیم. من بیش از دو سال است در زندان تبریزه سر می برم. در زندان دچار بیماری غده خوش خیم تیروئید شدم. هنگام مراجعه به بیمارستان با دستبند و زنجیر به پا چنان از توهین و بد رفتاری زندانبان و ماموران همراه، اذیت و آزار

شدم که دیگر راضی به مراجعه به بیمارستان نیستم.

هم اکنون به اطلاع می رسانم که مرا به دلایل واهی به شش سال زندان محکوم کردند. من یک کارگرم و کلیه فعالیت هایم در جهت تشکیل سندیکا و دیگر تشکل های کارگری بوده است. ایجاد تشکل های کارگری و سندیکا طبق مقوله نامه سازمان جهانی کار آزاد است. دولت جمهوری اسلامی ایران هم عضو این سازمان جهانی است و متعهد به انجام این مقوله نامه ها است. ایجاد سندیکا و دیگر تشکل های واقعی از ابتدایی ترین حقوق ما کارگران است. من یک کارگرم و تا ایجاد تشکل ها و سندیکا فعالیت خواهم کرد".

محمد جراحی با افتخار خود را یک کارگر می خواند، کارگری که دغدغه تشکل یابی هم طبقه ای هایش را داشت. به راستی که او کارگری آگاه و مبارز بود.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، فقدان این عزیز را به خانواده و دوستان و همراهان وی تسلیت می گوید و بر ادامه راه این کارگر صدیق و پی گیر جنبش کارگری، یعنی تلاش برای ایجاد تشکل های کارگری تاکید می نماید.

یادش گرامی!

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

- ۱۳/۰۷/۹۶

باشد. کار ما نباید شماره زدن رفقای رزمنده‌ای باشد که به خاک می‌افتند بلکه باید به آن خاکریزی فکر کنیم که شهابی‌ها و شیرزادها با دو پاره پوست و استخوان‌شان از پس سلول و ستون و سیم‌خاردار از آن پاسداری می‌کنند و جراحی‌ها تا آخرین لحظه‌ی حیات بر اهمیت حفظ و خالی نکردن آن تاکید کرده و می‌کنند. سنگری مملو از مردگانی که عاشق‌ترین زندگان بودند و مرده یا زنده‌شان باعث هراس کارفرمایان غارتگر و حامیان و کارگزاران دولتی است. محمد جراحی را تکثیر کنیم تا حتا در همین لحظه‌ای که خبر مرگ او به گوش امثال ربیعی می‌رسد یک لیوان آب خوش از گلویشان پایین نرود و بدانند که مرگ تن کوشندگان راه عدالت پایان راه روح تغییر و برابری‌خواهی نیست. زبان ساده، تن شریف و آرمان بزرگ جراحی، کابوس اذهان بی‌مقدار و بی‌شرافت سرکوب‌گران باد.

محمد غزنویان

جنبش کارگری ایران محمدجراحی را نیز از دست داد

جراحی نیز به اراده‌ی حاکمان ضدکارگر کشته شد چرا که بارها و بارها در راه اعزام او از زندان به بیمارستان مانع ایجاد کردند تا سرطان بر عمق جانش بنشیند. توموری که سلول‌های او را درنوردید و خورد، در سلول‌های مجازات حق‌طلبی برای تهیدستان کاشته شد. اما سرطان اعظیم و بدخیم، حاکمیت منفور سرمایه‌داران است که به جان کارگران افتاده، در کارخانه سرکوب‌شان می‌کند، به حبس روانه‌شان می‌کند، نادیده‌شان می‌گیرد و قطعا از مرگ و کم‌شدن‌شان شادمان می‌شود. جراحی نیز همچون افشین اسانلو و شاهرخ زمانی تا ساعاتی دیگر به خاک سپرده خواهد شد ولی نباید اجازه داد خواست و اراده‌ی او و آنها مدفون شود. همان‌گونه که هنوز حتا خاک خاوران خار چشم دشمنان مردم است، خاک گور و کفن کارگران نیز باید موجب وحشت کاخ‌نشینان

محمد جراحی، خود نمرد! شما او را کشتید!

شما مدافعان نظم حاکم سرمایه در ایران، تمام ارکان تار و پودتان، در اوج رذالت و ستمگری علیه انسانیت، آغشته به خون محمد جراحی ست!

جراحی را به بند کشیدید تا فریاد حق‌طلبی و آزادیخواهی کارگر و جامعه معترض علیه ستم و نکبتی که سالها بر زندگی‌شان رقم زده اید را، به بند کشیده باشید.

بربریت ضد بشری تان را در زندان، بر جسم و جان او روا داشتید، تا کینه‌توزانه ترین نیات استثمارگرانه تان را علیه منافع طبقه کارگر و نیروی کارمزدی معترض به رخ کشیده باشید.

با به مرگ کشانیدن جراحی، البته که ما را غمگین ساختید، و قلب مان را به درد آوردید.

اما بیهوده می‌پندارید با به کام مرگ کشانیدن کارگری مبارز و پرتلاش، فریاد و قدم‌های اعتراض مان را خاموش خواهید ساخت، همان‌گونه که با به خاموشی بردن ستار بهشتی و شاهرخ زمانی ما نه تنها ساکت ننشستیم، که بیش از هر زمان و هر بار گسترده

تر به میدان آمدیم.

و اکنون، به ضرب آهنگ رژه ما گوش کنید،

مدت هاست با جسارتی متحدانه تر، در یک هم سرنوشتی، علیه ستمگری شما مدافعان سرمایه و بربریت، و برای رهایی انسان از تمام فقر و خون و منجلابی که ارمغان شماست، به صف شده قد علم کرده ایم.

ما نیروی کارمزدی، حتی امروز (۱۳ مهر)، در روز خاموشی جراحی، با اراده ای مصمم، متحدانه، فریادمان رساتر بود.

شما، مدافعان نظم سرمایه و سرکوب!

تمام ظلم و بی‌عدالتی تان،

تمام بیشرمی‌های نفرت‌آورتان،

در کف جامعه پاسخ خواهد گرفت.

رحمان گلچهره

این مرگ را جمهوری اسلامی به محمد جراحی تحمیل کرد!

رفیق محمد جراحی بعد از سه دهه مبارزه کارگری و پس از جدالی سخت با بیماری سرطان صبح امروز ما را ترک کرد، در جسم او قبل از زندان خبری از سرطان نبود، زندانی شدن او در بند معتادین در ماه های اول همراه با شکنجه های جسمی و روحی بود، محمد در نامه ای در شهریور سال ۹۲ به سندیکای کارگران نقاش می نویسد:

"اینجانب محمد جراحی فعال کارگری و عضو سندیکای نقاشان با قریب به ۳۶ سال فعالیت سندیکایی هستم که به دفعات به خاطر دفاع از حقوق کارگران بازداشت و مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌ام. اینجانب در خرداد ماه سال ۹۰ به اتهام فعالیت در دفاع از حقوق کارگران توسط اداره اطلاعات تبریز بازداشت و پس از نزدیک به ۲ ماه بازداشت توأم با شکنجه و آزار و اذیت جسمی و روحی توسط دادگاه انقلاب تبریز طی یک حکم ناعادلانه به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده‌ام و هم اینک بیش از ۲ سال است در زندان مرکزی تبریز مشغول گذراندن محکومیت خود هستم.

در طول این مدت به دلیل شرایط سنی (۵۵ سال) و وضعیت نامناسب زندان تبریز از نظر تغذیه و بهداشت به بیماری‌هایی اعم از سرطان تیروئید، دیابت و چربی خون

محسن عمرانی، سعید شیرزاد و دیگر زندانیان سیاسی که به شدت در معرض خطر هستند بیاندهیم، به این فکر کنیم که چطور می توانیم دست عوامل امنیتی را از سر این عزیزان کوتاه کنیم.

آخرین بار که با رفیق محمد جراحی صحبت کردم از آرزوهایش و از سوسیالیسم گفت که تا آخرین لحظه او را همراهی خواهد کرد، او من و دیگر فعالین کارگری را به رفاقت و همبستگی برای اهداف جنبش کارگری فرا خواند.

من این ضایعه بزرگ را به خانواده، رفقای محمد جراحی در سندیکای کارگران نقاش و کمیته پیگیری تشکل های کارگری تسلیت می گویم و می دانم که تنها و تنها سازماندهی و تشکل یابی در مسیر اهداف جنبش کارگری می تواند این غم بزرگ را التیام دهد.

بهر روز خبار



دچار شده‌ام. ولی متأسفانه تا به حال اقدامات مناسبی از طرف مسئولین زندان در راستای درمان بیماری‌هایم انجام نگرفته است. شایان ذکر است بنده به خاطر ابتلاء به بیماری سرطان تیروئید یکبار مورد عمل جراحی قرار گرفته‌ام و طبق نظر پزشکان متخصص مراحل درمانی باید در بیرون از زندان پیگیری شود. از این‌رو اینجانب با تکمیل پرونده پزشکی خود و ارسال آن به پزشکی قانونی جهت صدور نظر کارشناسی مبنی بر عدم تحمل حبس اقدام کرده بودم و اکنون با گذشت ۵ ماه از طرف مسئولین امر پاسخی دریافت نکرده‌ام. باید عنوان کنم اینجانب در طی ۲ سال گذشته از مرخصی بهره نبرده‌ام و حتی پس از عمل جراحی تیروئید و علیرغم نظر پزشکان مبنی بر استراحت کامل، مسئولین زندان از اعطای مرخصی استعلاجی به بنده خودداری و بلافاصله پس از عمل جراحی به زندان منتقل شده‌ام."

براساس آنچه که محمد جراحی نوشته است او را می توان همانند بسیاری دیگر همچون شاهرخ زمانی در زمره قربانیان خاموش زندانیان سیاسی نامید. جمهوری اسلامی با امتناع از رسیدگی پزشکی زندانیان سیاسی، آنان را به سوی مرگ هدایت می کند و در واقع به این شکل مخالفان خود را در زندان و بیرون از آن به قتل می رساند.

ما محمد جراحی و شاهرخ زمانی را از دست دادیم، بیایم نگران رضا شهبابی، سهیل عربی، اسماعیل عبدی،

درگذشت محمد جراحی، فعال کارگری و زندانی سیاسی

بنابه گزارشات منتشر شده ، صبح امروز ۵ شنبه ۱۳ مهرماه ۱۳۹۶ محمد جراحی کارگر سوسیالیست و عضو "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری" و فعال سیاسی که به دلیل وضعیت وخیم جسمی به تهران انتقال یافته بود، در بیمارستان "شهدا"ی تجریش درگذشت.

این فعال کارگری به بیماری سرطان تیروئید مبتلا بود و با مشکلات جسمی دیگری نیز دست و پنجه نرم می کرد. کارگر مبارز " محمد جراحی" سه دهه فداکارانه و صادقانه در صفوف جنبش کارگری برای تحقق آرمانهای والای سوسیالیستی مبارزه کرد.

کارگری رزمنده و جانباخته، شاهرخ زمانی بود که در زندان توسط قاتلان اسلامی شرایط مرگش فراهم و به دلیل سکتة قلبی جانباخت. با مرگ محمد جراحی جنبش کارگری ایران یکی دیگر از یاران و فعالین راستین و رزمنده خود را از دست داد.

ضمن گرامیداشت یاد فداکاری و از خودگذشتگی فراموش نشدنی محمد جراحی با تنی رنجور و مریض در زندانها ، مرگ نابهنگامش را به خانواده ، دوستان ، بستگان و همزمانش در "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری" و کل جنبش طبقاتی و سوسیالیستی تسلیت گفته و خود را در غم و اندوه آنان شریک می دانم.

حسن رحمان پناه

۱۳۷/۱۳۹۶

ایشان در بدترین شرایط مالی و با جسمی بیمار، اما مقاوم و خستگی ناپذیر، زندگی خود را فدای آزادی و رهایی طبقه کارگر از ستم نظام ظالمانه و ضد انسانی سرمایه داری نمود . محمد جراحی در بدترین شرایط زندان تبریز، تمامی پنج سال حبس را بدون مرخصی سپری کرد. این فعال کارگری و زندانی سیاسی، طی مدت ۵ سال حبس، زیر شدیدترین اذیت و آزار و شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفت ، اما در برابر جانیان اسلامی هرگز سر تعظیم فرود نیاورد. زندان و فشارهای جسمی و روحی ، بی توجهی مقامات رژیم نسبت به بیماریش و اجازه ندادن به معالجه پزشکی در خارج از زندان ، منجر به مشکلات جسمی عدیده و تسریع مرگش گردید. محمد جراحی از یاران نزدیک فعال

درباره عضویت محمد جراحی در حزب کمونیست کارگری

ها اعم از فعالین مستقل و تشکیلاتی، به غایت عجیب و برایم درک ناشدنی است. حتی رفیقی نوشته بود محمد جراحی آنقدر سطحی نبوده است که عضو چنین حزبی شود. این دیگر چگونه برخوردی است. حالا اگر ثابت شد محمد جراحی واقعا کادر حزب فوق بوده است دوست پرخاشگر ما فکر نمی کند ح.ک.ک. به کنار، حرمت این شخصیت شریف و شجاع طبقه کارگر را خدشه دار کرده است. اصلا گیریم ح.ک.ک. ادعای کذب کرده است. این شعف و شادی نسبت به تشکیلاتی نبودن محمد جراحی ناشی از چیست. تمام آنانکه که احزاب کمونیست کارگری را متهم به غیر کارگری بودن می کنند انگار به اثبات فرضیه های خود دل بستگی بیشتری نشان می دهند تا کارگری شدن این احزاب .

من به سهم خود اعلام می کنم از شنیدن خبر کادری بودن محمد جراحی بی نهایت مشعوف شدم. ارتباط تشکیلاتی طبقه کارگر با احزاب

چنانکه همه می دانند حزب کمونیست کارگری در اطلاعیه ای ضمن تسلیت به مناسبت درگذشت محمد جراحی، وی را یکی از کادرهای خود معرفی کرده است. احساس اولیه من نسبت به این خبر صرف نظر از صحت و سقم ادعای فوق، شعف و شادی وصف ناپذیر است. هیچ چیز برای من و به نظرم برای هر کمونیست مدافع رهایی و آزادی کارگر نمی تواند شورانگیزتر و امیدبخش تر از این باشد که رهبران محبوب و معتمد طبقه کارگر، وابستگی تشکیلاتی و سازمانی به احزاب کمونیست فی الحال موجود داشته باشند. بدیهی است ایده ال من همانا عضو شدن تمام طبقه کارگر در حزب متبوع من است. با این همه از ایده ال تا واقعیت دره ای عمیق وجود دارد که باید با پراتیک کمونیستی پر شود.

در این میانه اما واکنش بسیاری از کمونیست

فوق دایر بر تعلق تشکیلاتی محمد جراحی حاوی حقیقت است و هیچ نیازی به ارائه سند جهت اثبات این ادعا نیست. هر چند به نظر می رسد مخالفان با واکنش هیستریکی که از خود نشان داده اند در صورت اثبات خبر فوق احتمالاً شروع به دشنام دادن به محمد جراحی می کنند تا عذرخواهی از طبقه کارگر و تمام جامعه.

جاوید حکمی

کمونیزم کارگری می تواند نوید بخش روزهای خوشی برای تمام جامعه باشد. من هیچ دلیلی نمی بینم تشکیلاتی در قد و قامت ح.ک.ک با چنین قدمتی ادعای کذب را در این سطح مطرح کند. بی شک چنین کاری به غایت احمقانه و لاجرم بعید و حتی می خواهم بگویم تقریباً محال است. فرض من این است اطلاعیه

به یاد عزیزان محمد جراحی ها ...

... که جانشان را پس از سالها مبارزه در راه رهایی از قید استثمار و بندگی نوعی بدست حاکمان سرمایه از دست دادند!

با نهایت تاسف و تأثر در ۵ اکتبر ۲۰۱۷ قلب مالمال از امید به زندگی و مبارزه فعال جنبش کارگری ایران محمد جراحی برای همیشه از تپش باز ایستاد.

محمد جراحی سالهای طولانی از عمر خود را وقف مبارزه در راه آزادی و رهایی کارگران و اقشار محروم جامعه نمود.

فارغ از اینکه سالانه هزاران انسان اعم از کودک و جوان و پیر با مرگ تدریجی ناشی از فقر و فاقه و سوء تغذیه جان عزیزشان را از دست میدهند. فارغ از اینکه سالانه هزاران انسان در حوادث ناگوار ناشی از نا امنی محیط کار و زندگی جانشان به شیوه های اسفبار نظیر آنچه در معدن زغال زمستان یورت بوقوع پیوست و ده ها کشته و مجروح به جای گذاشت، گرفته میشود. فارغ از اینکه سالانه هزاران نفر بدلیل نبود اشتغال و بیکاری ناشی از وضعیت فلاکتبار اقتصادی که

سایه شومش را بر این مملکت کشیده و عامل و مسبب آن این رژیم است. پشت همه این پدیده ها اعمال شده بر جامعه، سود اندوزی اقلیتی مفتخور از صاحبان سرمایه خوابیده که بر همه معیشت و زندگی توده های مردم چنگ انداخته و همچون زالو دارند خون کارگران و دیگر اقشار محروم و ستمدیده این جامعه را می مکند. سالانه صدها و هزاران نفر زن و مرد اینجا و آنجا در گوشه و کنار این مملکت تنها و تنها به دلیل مبارزه و اعتراضاتشان به چنین وضعیتی و دقیقاً به خاطر دفاع از همین ابتدائی ترین حقوق پایمال شده که در قبال آن سکوت نکرده و اعتراض میکنند با گلوله پاسخ میگیرند یا راهی پشت میله های زندان میشوند.

محمد جراحی هم دقیقاً به خاطر مبارزه علیه وضع موجود و به خاطر حمایت از ابتدائی ترین حق و حقوق پایمال شده از هم نوعان خود، به خاطر اعتراض به حقوق معوقه همسرنوشتان خود، به خاطر اعتراض به کار کودکان، به خاطر اخراج سازی و بیکارسازی کارگران، به خاطر ستمی که حافظان سرمایه بر هم نوعانش اعمال کرده بودند

این رژیم ضدانسانی با چنگ انداختن بر شریان اقتصادی مملکت بر جامعه اعمال نموده کارگران را راهی مرزهای صعب العبور نموده تا با کار مزدی ناچیز موسوم به کولبری در میله های مرزی با مرگ دست و پنجه نرم کنند، کمابند کمتر روزی هست ما شاهد خبر کشته و زخمی شدن انسانهایی که تنها برای امرار معاش به این مناطق مرزی رو آورده بدست ماموران اجیر و گمارده شده رژیم نباشیم. فارغ از همه تبعیضات و نابرابریهایی که این رژیم به لحاظ ملیتی و مذهبی و جنسیتی تولید و باز تولید نموده. فارغ از اینکه سالانه هزاران و شاید ده ها هزار انسان دامنگیر پدیده رو به رشد اعتیاد شده و قربانی میشوند که خود سران این رژیم هدفمند در اشاعه آن برنامه ریزی و سرمایه گذاری کرده اند. فارغ از اینکه سالانه هزاران نفر به دلیل وجود قوانین و نظام اختاپوس اسلامی و ضد زن در این مملکت قربانی قتلهای ناموسی میشوند که این رژیم حافظ و پاسدار آن بوده و هست. فارغ از ده ها و صدها پدیده مصیبت بار دیگر که ناشی از اوضاع فلاکتبار و وخیم سیاسی و اجتماعی است که بیش از ۳۸ سال است

اش و همه همزمانش این ضایعه بزرگ را بایستی با ادامه راهش و با تلاش بیش از پیش جهت هر چه وسیعتر متشکل کردن طبقه کارگر پر کند. به عبارتی گسترش و تحکیم روند مبارزاتی و اعتراضات کارگری که خصوصا در این چند ماه اخیر این جنبش بدان پا گذاشته و دارد چشم انداز روشنتری از مبارزه را به لحاظ عملی در تقابل با نظام ترسیم و تجربه میکند.

زنده باد یاد محمد جراحی، شاهرخ زمانی و کورش بخشنده ها و همه کارگران پیشرو و همزمانشان که در این راه با مایه گذاشتن از جانشان پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی را به رغم فضای خفقان و استبداد حاکمان کماکان برافراشته نگه داشته اند.

یاد عزیزش همیشه گرمی و راهش پر راهرو

پرتوان باد جنبش کارگری ایران

۲۰۱۷-۱۰-۰۵

ناصر بابامیری

مرگ باردردوران بازداشت به زندانیان (درتلاش بوده وهستند که کارگران و فعالین کارگری که در امر مبارزه تلاش گرهستند را به شیوه های گوناگون به قتل برسانند. این نقشه شوم، امروز درمورد رضا شهابی دارد صورت می گیرد!، نباید اجازه داد با ادامه بازداشت رضا شهابی، شاهد فاجعه ای دیگر برای جنبش کارگری ایران باشیم!

در اینجا به رسم کارگران، درمقابل تلاش ها، فداکاریها، جسارت و از خود گذشتگی های محمد جراحی، درامرپیشبرد مبارزه طبقاتی کارگران، سرتعظیم فرود آورده و فقدان و از دست دادن این رفیق عزیز را به خانواده ی او و جنبش کارگری ایران تسلیم می گویم؛ همچنین از یاد نخواهیم برد که سنت جنبش کارگری به ما آموخته است که سازماندهی و باز هم سازماندهی آن راهی است که میتواند ما را به سر منزل مقصود برساند.

یاد محمد جراحی و تمامی جان باختگان راه رهایی طبقه کارگر از استثمار نظام سرمایه داری گرمی باد!

بهزاد سهرابی

۱۳ مهرماه ۹۶ برابر با ۵ اکتبر ۲۰۱۷

برق سوزانی و بارانی هنوز

شفیعی کدکنی

بارها دستگیر و اذیت شدند. تا اینکه در آخرین بار دستگیری به پنج سال حبس محکوم و روانه زندان گردید و ۵ سال را برغم شکنجه، اذیت و آزار و مریضی آنهم بدون برخورداری بودن حتی از حداقل امکانات پزشکی و رسیدگی به وضعیت جسمانی که نهایتا منجر به رشد سرطان گردیده و پشت میله های زندان سپری کرد. در بیان واقع رژیم زندان را به قتلگاهی با مرگ برنامه ریزی شده برای کارگران رزمنده و جسور تبدیل کرده. که حتی بعد از آزادی هم بدلیل اثرات مرگبار فشار و شکنجه های جسمی و روانی زندگیشان را تهدید کند. بر کسی دیگر پوشیده نیست جراحی ها دوران سپری کردن زندان را که با شکنجه و اذیت و آزار و امراض ناشی از آن سپری میکنند عامل و مسبب اصلی مرگ و جان از دست دادنشان کسی جز سران همین رژیم ضد بشری نیست.

این روزها که جنبش کارگری ایران یکی دیگری از فعالین خستگی ناپذیر و رزمنده خود را در صفوف اش از دست داده ضمن ابراز همدردی با خانواده

قلب رفیق محمد جراحی برای همیشه از تبش باز ایستاد

محمد جراحی فعال کارگری و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، یاروهمرزم زنده یاد شاهرخ زمانی، امروز پنج شنبه ۱۳/۰۷/۱۳۹۶ قلبش برای همیشه از تبش باز ایستاد. محمد جراحی، کارگرمبارزی بود که درراه رهایی طبقه کارگرورفع استثمارانسان ازانسان برای یک لحظه از پای ننشست و به این دلیل توسط بیدادگاه های رژیم جهل و سرمایه، به ۵ سال زندان محکوم شده بود. او در شرایطی دوران محکومیت زندان را به پایان رساند که از بیماری تیروئید رنج می برد و او دردوران بازداشت تحت هیچ گونه معالجه ای قرارنگرفت و ازهیچگونه امکانی برای مرخصی درمانی برخوردارنشد. بی شک عدم رسیدگی و عدم معالجه او در زندان، شکنجه های جسمی و روانی، فشار ها و استرس های وارده توسط حامیان نظام سرمایه داری، بازجویان وشکنجه گران جمهوری جهل و سرمایه اسلامی ایران، عامل بسیار مهمی درمرگ نا به هنگام این رفیق مبارزه بوده است.

با ابرازتنفروانزجارعمیق و بی پایان خود نسبت به نظام جهل و سرمایه اسلامی ایران، که عامل مرگ محمد جراحی بوده، باید یاد آورشوم که حافظان سرمایه داری درایران با نقشه هایی از پیش تعیین شده و با تمام امکانات موجود(حتی دادن داروهای

محمد جراحی فعال قدیمی کارگری درگذشت

با کمال تأسف رفیق محمد جراحی از فعالین با سابقه جنبش کارگری ایران، امروز پنجشنبه سیزدهم مهرماه، بدلیل بیماری سرطان در بیمارستان تجریش تهران چشم بر جهان فرو بست.

رفیق محمد جراحی بجرم دفاع از حقوق کارگران بمدت ۵ سال زندانی شد. او سالم به زندان رفت و در طول زندان از جمله دچار بیماری اختلال غده تیروئید و سپس بدنبال پیشرفت بیماری به سرطان تیروئید مبتلا شد. جمهوری اسلامی علیرغم پیشرفت بیماری به وی مرخصی استعلاجی هم نداد و آگاهانه با سرطان بدون

درمان وی را از پای درآوردند. محمد جراحی در فاصله کمتر از یکسال از آزادی، مجدداً حالش در هفته های گذشته به وخامت نهاد و بعد از ماهها تحمل رنج سرطان، امروز درگذشت.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مسبب مرگ رفیق محمد جراحی را جمهوری اسلامی میدانند. شاهرخ زمانی و کورش بخشنده و محمد جراحی از فعالینی هستند که

یا در زندان کشته شدند و یا بعد از زندان جانشان را از دست دادند. حزب به خانواده محترم رفیق محمد جراحی، دوستان و همرزمان و جنبش کارگری ایران صمیمانه تسلیت میگوید. امروز جنبش کارگری ایران یکی از فعالین شریف و

رفیق محمد جراحی عزیز، بدرود! نام تو در اوراق زرین جنبش کارگری ایران ماندگار خواهد شد. یاد رفیق محمد جراحی گرامی است!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۵ اکتبر ۲۰۱۷ - ۱۳ مهر ۱۳۹۶

کردند. آنها به خاطر فشارهایی که در زندان بر محمد جراحی روا داشته شده بود، رژیم را در تشدید بیماری و سرانجام در مرگ وی مسئول دانستند.

محمد جراحی به دلیل فعالیت های کارگری و دفاع از حقوق هم طبقه ای های خود، از خرداد ماه سال ۱۳۹۰ با اتهامات بی پایه و اساس، همراه رفیق و همرزمش شاهرخ زمانی دستگیر و در بیدادگاه رژیم به پنج سال حبس محکوم شد. در طول دوران زندان علیرغم تلاشهایی که برای رهایی وی از زندان در داخل و خارج کشور انجام گرفت، رژیم اسلامی با یک کینه جوئی طبقاتی، ایشان را تا

مهرماه مراسم خاکسپاری "محمد جراحی"، با حضور اعضای خانواده و همکاران و یاران و جمع زیادی از کارگران و فعالین برجسته کارگری در "وادی رحمت"، تبریز برگزار شد. در این مراسم همرزمان وی و افراد خانواده اش یاد این عزیز جانباخته را گرامی داشتند. در این مراسم فعالین کارگری، محمود صالحی و جعفر عظیم زاده با ایراد سخنانی ضمن ابراز همدردی با خانواده محمد جراحی، با اشاره به فرازهایی از زندگی پر از تلاش و مبارزه وی، به دستگیری فعالین کارگری و به شرایط ضد انسانی حاکم بر زندانهائی که این انسانهای شریف در آن نگهداری می شوند، اعتراض

کارگران مبارز یاد همرزم طبقاتی خود محمد جراحی را گرامی می دارند

صبح روز پنجشنبه ۱۳ مهرماه، محمد جراحی کارگر مبارز و عضو "کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری"، بعد از تحمل ۵ سال زندان و دست و پنجه نرم کردن با بیماری سرطان تیروئید، در سن ۵۸ سالگی و بعد از ۳ دهه تلاش در راه رهایی طبقه کارگر در بیمارستان تجریش تهران درگذشت. اخبار رسیده از شهر تبریز، زادگاه این کارگر مبارز حاکی است که روز جمعه ۱۴

پایان دوران محکومیتش در زندان نگاه داشت و حتی حاضر به دادن مرخصی استعلاجی به وی که گاهی در زندانهای جمهوری اسلامی معمول است، نشد.

محمد جراحی در زندان به بیماری غده تیروئید مبتلا شد. سطح نازل آزمایشها و خودداری مسئولین زندان از ارائه خدمات اولیه پزشکی، موجب تشدید بیماری وی شد و سرانجام به دلیل نبودن مراقبتهای پزشکی لازم، این بیماری که در روزهای نخست آشکار شدنش می توانست کنترل شود، به یک غده سرطانی تبدیل شد. در تمام مدت پنج سال زندان با وجود ابتلا به چنین بیماری مهلکی به محمد جراحی اجازه مرخصی و درمان داده نشد و یک بار هم که به دلیل وخامت حالش با دستبند و پابند از زندان به بیمارستان منتقل شده بود، آنچنان مورد اذیت و آزار و توهین مأمورین همراه قرار گرفت که دیگر حاضر نشد به بیمارستان مراجعه کند.

این اولین باری نبود که کارگر مبارزی به خاطر دفاع از منافع هم طبقه ای هایش، در زندان به چنین سرنوشتی دچار می شد. افشین اسانلو، فعال کارگری و از اعضای "هیئت مؤسس سندیکای رانندگان میان شهری"، در سال ۱۳۸۸ دستگیر شد. وی بدون وجود هیچ مدرکی در یک دادگاه نمایشی و طی چند دقیقه به اتهام ساختگی "اقدام علیه امنیت ملی" به ۵ سال حبس در زندان رجائی شهر کرج

محکوم شد. در سال ۱۳۹۲ و بعد از تحمل چهار سال زندان، در حالیکه به زمان آزادی خود نزدیک می شد، به طرز مشکوکی اعلام شد که به دلیل سکت قلبی درگذشته است. کارگر جانباخته شاهرخ زمانی نیز که در تمام مدت پنج ساله حبس اش از مرخصی محروم بود، در زندان به شکل مشکوکی جان خود را از دست داد. هم اکنون نیز رضا شهابی کارگر زندانی دیگر به دلیل اعتصاب غذای پنجاه روزه اش، با وجود وضعیت وخیم جسمی، در شرایط بد زندان به سر می برد. این در حالی است که علی رغم توصیه پزشکان معالج برای ادامه معالجه، به بیمارستان منتقل نشده است.

دستگیری و آزار فعالین کارگری در ایران همچنان ادامه دارد. فعالین کارگری را در بدترین شرایط همراه با محکومین دادگاههای عادی و در مخوف ترین زندانی ایران نگهداری می کنند. آنها حتی از سطح بسیار نازل خدمات پزشکی و درمانی که در اختیار زندانیان عادی قرار دارد، محروم هستند. محمد جراحی در نامه ای از زندان، شرایط غیر انسانی حاکم بر آن را این گونه توصیف می کند:

"من محمد جراحی، کارگر زندانی و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری هستم. من بیش از دو سال است در زندان تبریز به سر می برم. در زندان دچار بیماری غده خوش خیم تیروئید شدم. هنگام مراجعه به بیمارستان با دستبند و زنجیر به پا چنان از

توهین و بد رفتاری زندانبان و مأموران همراه، اذیت و آزار شدم که دیگر راضی به مراجعه به بیمارستان نیستم. هم اکنون به اطلاع می رسانم که مرا به دلایل واهی به شش سال زندان محکوم کردند. من یک کارگرم و کلیه فعالیت هایم در جهت تشکیل سندیکا و دیگر تشکل های کارگری بوده است. ایجاد تشکل های کارگری و سندیکا طبق مقاوله نامه سازمان جهانی کار آزاد است. دولت جمهوری اسلامی ایران هم عضو این سازمان جهانی است و متعهد به انجام این مقاوله نامه ها است. ایجاد سندیکا و دیگر تشکل های واقعی از ابتدایی ترین حقوق ما کارگران است. من یک کارگرم و تا ایجاد تشکل ها و سندیکا فعالیت خواهم کرد."

مرگ زندانیان بیمار در زندان، که "قتل های خاموش" نام گرفته اند، در ردیف قتل عمدهای آشکار جای می گیرند. تنها با اعتراض متحدانه و همزمان در بیرون زندان هاست که می توان رژیم جمهوری اسلامی را وادار کرد که از این جنایات آشکار دست بردارد. کارگزاران این رژیم سرانجام در فردای انقلاب مجازات شایسته خود را از کارگران و مردم عدالتخواه دریافت خواهند کرد.

حزب کمونیست ایران

بمناسبت جانباختن کارگر مبارز محمد جراحی

با کمال تأسف صبح روزه شنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۶ قلب پاک و انسان دوست همسنگرمان، محمد جراحی، در بیمارستان تجریش از تپش باز ایستاد. محمد جراحی عضو جنبش طبقه کارگر و عضو "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری" بود.

رفیق محمد جراحی سه دهه از زندگی اش را وقف مبارزه با ستم سرمایه داری و جمهوری اسلامی ضد کارگری و کمک به اتحاد و اعتلای جنبش کارگری نمود. در این راه بارها دستگیر و زندانی شد، که آخرین بار به مدت ۵ سال بدون حتی یک روز مرخصی در زندان باقی ماند.

به علت پیشگیری عامدانه و

محمد جراحی نه اولین فعال جنبش ما بوده که جانش را در راه آزادی طبقه کارگر و انسانیت فدا کرد و نه آخرین نفر هم خواهد بود. مرگ چنین فعالینی به عزم و خشم جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر علیه نظام فاسد سرمایه داری خواهد افزود.

ما با پای فشاری بر تداوم آرمان آزادی، برابری و سوسیالیسم و تلاش بی وقفه برای نابودی جمهوری ضد کارگری اسلامی سرمایه داران یاد این عزیز هم جنبشی خود را همواره گرامی خواهیم داشت!

زنده باد محمد جراحی!

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۱۳ مهر ۱۳۹۶

۶ اکتبر ۲۰۱۷

جنایتکارانه مقامات رژیم از مداوای به موقع او در زندان و همچنین اعمال آزار و ایجاد فشار و محدودیت مداوم، متأسفانه رفیق محمد به انواع بیماریها مبتلا گردید. از اینرو پس از آزادی از زندان نیز با آن جسم ضعیف و بیمار و آزرده دوران زندان قدرت و توان مقاومت و مقابله با بیماریهایش، از جمله با سرطان را از دست داده بود و سر انجام دیروز جانباخت.

حزب سوسیالیست انقلابی این ضایعه اسفناک را به خانواده محترم جراحی، به کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، به هم‌زمان ایشان و به جنبش طبقه کارگر ایران صمیمانه تسلیت میگوید. ما همچنین درود می فرستیم به همه فعالین و شرکت کنندگان که امروز در مراسم خاکسپاری این انسان شریف و آزادیخواه شرکت نمودند.

سرباز زدند. سرانجام و بعد از پایان دوره زندان و گذشت چند ماه از آزادی، بدلیل پیشرفت سرطان، قلب مهربانش برای همیشه از تپش ایستاد و در بیمارستان تجریش درگذشت.

با مرگ محمد جراحی، طبقه کارگر ایران و جنبش سوسیالیستی یکی از فعالین دلسوز خود را از دست داد.

حزب حکمتیست(خط رسمی) درگذشت محمد جراحی را به کارگران ایران، به همه آزادیخواهان، به رفقا و یاران او، و همچنین به بستگان و خانواده عزیز و گرامی جراحی، تسلیت میگوید.

یاد محمد جراحی همیشه گرامی است

حزب کمونیست کارگری-حکمتیست (خط رسمی)

۵ اکتبر ۲۰۱۷

محمد جراحی درگذشت!

با کمال تأسف صبح امروز پنجم اکتبر ۲۰۱۷ محمد جراحی یکی از فعالین دلسوز طبقه کارگر ایران، بعد از مدتی طولانی دست و پنجه نرم کردن با بیماری سرطان، درگذشت.

محمد جراحی یکی از فعالین کارگری صمیمی و کمونیست بود. او سالهای طولانی از عمر خود را در دفاع از آزادی و برابری و برای تامین جامعه ای انسانی سپری کرد و به همین جرم از طرف جمهوری اسلامی ۵ سال زندانی شد.

محمد جراحی یک سال پیش از پایان مدت محکومیت، معلوم شد سرطان دارد و برای معالجه باید آزاد شود. اما مقامات قضایی جنایتکار و شکنجه گران جمهوری اسلامی که خاموش شدن صدای او را میخواستند و برای همین او را به بند کشیده بودند، از آزادی او

جمهوری اسلامی قاتل محمد جراحی است

رضا شهابی را آزاد کنید

صبح امروز سیزده مهرماه محمد جراحی کارگر مبارز و پیشرو در اثر ابتلا به سرطان تیروئید در بیمارستان تجریش تهران درگذشت. وی که توسط مقامات جمهوری اسلامی چندین بار دستگیر و زندانی شده بود، برای آخرین بار در سال ۹۰ همراه با رفیق و همسنگر خود کارگر مبارز شاهرخ زمانی دستگیر شد و تا سال ۹۵ در زندان مرکزی تبریز بدون حتی یک روز مرخصی بسر برد.

او در سال‌های زندان به بیماری سرطان مبتلا شد. پس از عمل جراحی در بیمارستان تبریز، مقامات جمهوری اسلامی با مرخصی درمانی وی موافقت نکرده و پس از عمل او را به زندان بازگرداندند که همین مساله موجب تشدید بیماری وی شد.

وی که عضو سندیکای نقاشان بود، در سال‌های زندان در نامه‌ای خطاب به سندیکای نقاشان ساختمانی در رابطه با بیماری خود نوشته بود: "در طول این مدت به دلیل شرایط سنی (۵۵ سال) و وضعیت نامناسب زندان تبریز از نظر تغذیه و بهداشت به بیماری‌هایی اعم از سرطان تیروئید، دیابت و چربی خون دچار شده‌ام. ولی متأسفانه تا به حال اقدامات مناسبی از طرف مسئولین زندان در راستای درمان بیماری‌هایم

انجام نگرفته است. شایان ذکر است بنده به‌خاطر ابتلاء به بیماری سرطان تیروئید یکبار مورد عمل جراحی قرار گرفته‌ام و طبق نظر پزشکان متخصص مراحل درمانی باید در بیرون از زندان پیگیری شود. از این‌رو اینجانب با تکمیل پرونده پزشکی خود و ارسال آن به پزشکی قانونی جهت صدور نظر کارشناسی مبنی بر عدم تحمل حبس اقدام کرده بودم و اکنون با گذشت ۵ ماه از طرف مسئولین امر پاسخی دریافت نکرده‌ام.

باید عنوان کنم اینجانب در طی ۲ سال گذشته از مرخصی بهره نبرده‌ام و حتی پس از عمل جراحی تیروئید و علیرغم نظر پزشکان مبنی بر استراحت کامل، مسئولین زندان از اعطای مرخصی استعلاجی به بنده خودداری و بلافاصله پس از عمل جراحی به زندان منتقل شده‌ام". محمد جراحی در ۱۹ مرداد ۹۵ از زندان آزاد شد و کمتر از ۱۴ ماه بعد درگذشت. جمهوری اسلامی قاتل محمد جراحی است همان‌طور که قاتل رفیق و همسنگر او شاهرخ زمانی است.

شاهرخ زمانی کارگر مبارز و هم‌پرونده محمد جراحی بود که حتی در زندان‌های قرون وسطایی جمهوری اسلامی نیز دست از مبارزه نکشید و در شهریور ۹۴ در زندان گوهردشت جان باخت.

هم اکنون رضا شهابی کارگر مبارز شرکت واحد تهران در وضعیت بسیار وخیم جسمی بسر می‌برد. وی هفته گذشته

و در پی وعده‌ی مقامات دولتی بعد از ۵۰ روز به طور مشروط به اعتصاب غذای خود خاتمه داد. اما از آن زمان تاکنون حتی به وضعیت جسمی او نیز رسیدگی نشده و این در حالیست که بعد از ۵۰ روز اعتصاب غذا او نیاز به مراقبت‌های فوری پزشکی بیرون از زندان دارد.

جان رضا شهابی در زندان‌های جمهوری اسلامی در خطر است.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط رضا شهابی و دیگر کارگران و معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی است.

سازمان فدائیان (اقلیت) جمهوری اسلامی را مسوول هر اتفاقی می‌داند که جان و سلامتی رضا شهابی را به خطر اندازد.

سازمان فدائیان (اقلیت) از همه‌ی انسان‌های آگاه می‌خواهد تا از رضا شهابی و خواست آزادی بی‌قید و شرط او حمایت کرده و بر تلاش‌های خود برای آزادی او بیافزایند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

نابود باد نظام سرمایه‌داری

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳ مهرماه ۱۳۹۶

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

محمد جراحی کارگر مبارز از میان ما رفت!

"آن عاشقان شرزه که با شب نزیستند رفتند و شهر خفته ندانست کیستند فریادشان تموج شط حیات بود چون آذرخش در سخن خویش زیستند مرغان پرگشوده توفان که روز مرگ دریا و موج و سخره برایشان گریستند می گفتی ای عزیز! "سترون شده است خاک" اینک بین برابر چشم تو چیستند؟ هر صبح و شب به غارت توفان روند و باز باز آخرین شقایق این باغ نیستند".

شعر از محمد رضا شفیعی کدکنی

محمد جراحی فعال کارگری و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، یکی از یاران زنده یاد شاهرخ زمانی، امروز پنجشنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۶ قلب پر تپشش از حرکت باز ایستاد. محمد جراحی، کارگرمبارزی بود که برای رهایی خود و طبقه اش دقیقه ایی از پای ننشست. او دستگیر و توسط مزدوران جمهوری جهل و سرمایه اسلامی، به ۵ سال زندان محکوم شد. او در حالیکه در زندان به بیماری سرطان مبتلا شده و مورد بی توجهی مسئولان زندان قرار گرفت دوران محکومیت زندان را به پایان رساند. محمد جراحی دردوران بازداشت تحت هیچ گونه معالجه ای قرارنگرفت و از امکان مرخصی درمانی هم محروم شد. جمهوری اسلامی او را از زندانیان سیاسی جدا کرده بود و در بند به اصطلاح متادون حبس کرده بود و در دوران زندانی حتی برای یک روز هم به او مرخصی داده نشد. بی توجهی جانپان مزدور در زندان در امر معالجه و فشارهای جسمی و روانی تحمیلی بر او، از دلایل اصلی بروز بیماری و تشدید آن بود و سرانجام سبب مرگ نا بهنگام این فعال مبارز کارگری شد.

مرگ هر فعال کارگری، تنفروانزجار هم طبقه ایپایش و رهروان راه آزادی و برابری را نسبت به نظام جهل و سرمایه اسلامی ایران عمیقتر نموده، و انگیزه مبارزه مداوم و پیگیرتری را در آنها تقویت می کند. جمهوری اسلامی همواره

درتلاش بوده وهست که عزم راسخ فعالین کارگری را با زندانی نمودن و تحت شکنجه قراردادن در زندان در هم شکنند. سرکوبگران اسلامی با طرح و بر نامه ایی از قبل طراحی شده، امروز این نقشه شوم را درمورد یکی دیگر از کارگران زندانی (رضا شهبابی) می خواهند به اجرا در آورند! با مبارزه و اعتراضات وسیع خود نباید اجازه داد، با ادامه اسارت رضا شهبابی در زندان جمهوری اسلامی فاجعه ای جبران ناپذیر دیگری برای جنبش کارگری ایران رخ دهد.

ما نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران- در خارج کشور از دست دادن محمد جراحی فعال کارگری مبارز را به همه یاران و خانواده ی او و نیز به همه فعالین جنبش کارگری ایران تسلیت می گوئیم. و با عزمی راسخ می کوشیم با تداوم مبارزه یاد عزیزان و رهروان جنبش کارگری که امروز در میان ما نیستند را گرامی بداریم!

یاد محمد جراحی و تمامی جان باختگان راه رهایی طبقه کارگر گرامی باد!

نابود باد نظام سرمایه و جهل جمهوری اسلامی!

پنجشنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۶ برابر با ۵ اکتبر ۲۰۱۷

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی، عامل تمام کش کردن این فعال پرشور جنبش چپ ایران است!

صبح پنجشنبه ۱۳ مهرماه محمد جراحی در بیمارستان تجریش در حالیکه قرار بود او را عمل کنند درگذشت. او دچار بیماری سرطان تیروئید شده بود.

محمد جراحی یکی از فعالین شناخته شده جنبش کارگری ایران و عضو "کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای مستقل کارگری" و یکی از یاران نزدیک رفیق جانباخته شاهرخ زمانی بود. او در سال ۱۳۹۰ در تبریز به جرم فعالیت‌های کارگری و نیز اتهامات امنیتی در ارتباط با فعالیت‌های کمونیستی دستگیر شد.

رژیم اسلامی سرمایه داری، برای تحقیر و تحت فشار قراردادن محمد او را در بند معتادان زندان تبریز مستقر کرد. در بیدادگاه ضدکارگری، او را به حبس قطعی محکوم نمودند. او در طول دوران حبس متوجه اختلالات تیروئیدی شد، اما جنایتکاران رژیم از فراهم کردن امکانات درمانی برای او خودداری ورزیدند و از دادن هر نوع مرخصی استعلاجی ممانعت نمودند.

محمد جراحی سرانجام بعد از گذراندن پنج سال حبس و فشار در مرداد ماه ۹۵ آزاد شد، در حالیکه خیلی زود دریافت بیماری تیروئیدی او یک غده سرطانی است.

حامیان جنبش کارگری مستقل ایران در داخل و خارج سعی کردند با جمع آوری کمک مالی

امکان معالجه او را فراهم کنند. در پی همین تلاشها در بیمارستان تجریش بستری شد تا عمل جراحی روی او صورت گیرد اما به دلیل وخامت حالش، او را به اتاق مراقبت‌های ویژه منتقل کردند که متأسفانه در همانجا جان خویش را از دست داد.

این اولین بار نیست که رژیم اسلامی و زندانبانانش، با بی توجهی به وضعیت جسمی زندانیان بیمار بویژه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی مقاوم، موجبات قتل تدریجی آنها را فراهم میکند. محمد جراحی همچون شاهرخ زمانی و دیگر فعالین کارگری ایران خاری در چشم رژیم حافظ منافع سرمایه داران و آفازاده های میلیاردر مدعی "ژن خوب" بود. با قتل خاموش محمد جراحی متأسفانه جنبش کارگری و جنبش کمونیستی ایران یکی از استوارترین یاران خود را دیگر در صفوف خویش ندارد. اما ما یقین داریم که یاد و راه او همواره تداوم خواهد داشت و هزاران محمد جراحی دیگر در جنبش کارگری و چپ ایران قدم به عرصه مبارزه برای آزادی و برابری خواهند گذاشت.

سازمان ما همدردی عمیق خویش را به خانواده، دوستان و هم‌زمان محمد جراحی عزیز اعلام میکند و خود را در غم شان شریک میداند. زنده باد یاد و راه محمد جراحی فرزندی شجاع طبقه کارگر ایران

سرنگون باد رژیم اسلامی سرمایه داری ایران
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان راه کارگر

۱۳ مهر ۱۳۹۶ - ۵ اکتبر ۲۰۱۷

بعد از مرخصی از زندان و به علت بیماری و شرایط سخت زندانهای جمهوری فاشیست اسلامی جان خود را از دست میدهد. بیشک متهم درجه اول و عامل مرگ این عزیزان در مرحله اول جمهوری اسلامی و حامی سرمایه در ایران است. ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی بعنوان عامل مرگ این عزیزان ... به خانواده محمد جراحی، دوستان و رفقا و طبقه کارگر ایران تسلیت میگوییم.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

زنده باد سوسیالیسم

سایت آزادی بیان

جنبش کارگری محمد جراحی را هم از دست داد

متأسفانه طبقه کارگر ایران، رهبران و فعالین کارگری و تشکلات مستقل کارگری و بخصوص کمیته پیگیری یکی از یاران فعال و پیگیر خود را از دست داد. محمد جراحی یکی از چهره های شناخته شده جنبش کارگری امروز بعد از مدتها دست و پنجه نرم کردن با بیماری دیده از جهان فرو بست.

محمد جراحی سالها از عمر خود را در زندانهای مخوف رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی گذراند. بعد از شاهرخ زمانی و کورش بخشنده، محمد جراحی سومین فعال کارگری است که

اطلاعیه اتحاد بین المللی به مناسبت درگذشت محمد جراحی

شنیدن خبر ناگوار درگذشت محمد جراحی، دلمان را به درد آورده است. همه می دانیم که چه رنج هایی این رفیق گرامی در راه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر با دلیری تحمل کرد.

محمد جراحی از مبارزین جنبش کارگری ایران و اعضای "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری" بود که در خرداد سال ۱۹۹۰ به همراه زنده یاد شاهرخ زمانی و تعدادی از فعالین دانشجویی دستگیر شد و به خاطر فعالیت های کارگری به پنج سال زندان محکوم گردید.

محمد جراحی که پنج سال حکم خود را در زندان تبریز گذراند، در زندان به سرطان بدخیم تیروئید دچار شد. در ابتدا بخشی از غده تیروئید محمد جراحی به دلیل سرطانی بودن طی عمل جراحی در بیمارستانی در تبریز برداشته شد. بنا به نتایج قطعی آزمایش ها و طبق تشخیص کمیسیون پزشکی، ضروری بود که محمد جراحی هر چه زودتر در بیمارستانی در خارج از زندان بستری و تحت درمان قرار گیرد و آزاد گردد. اما به رغم تشخیص پزشکان معالج و پیگیری خانواده محمد جراحی، مقامات زندان و مراجع قضایی جمهوری اسلامی اجازه بستری شدن و درمان او در خارج از زندان را صادر نکردند. عدم صدور مرخصی درمانی برای محمد جراحی و آزاد نکردن او جان وی را به خطر انداخت و امکان علاج و بهبودی در زمان مناسب را از او کاملاً سلب کرد. روشن است که جدا از علت درگذشت محمد جراحی در ۱۳ مهر ۱۳۹۶ در بیمارستان تجریش، رژیم ضدکارگر جمهوری اسلامی ایران مسئول مستقیم ایجاد شرایطی است که محمد جراحی را به کام مرگ کشانید. مقایسه تصویر جراحی پیش از زندان و پس از آن خود گواهی ست از صدمات شدیدی که به این رفیق در مدت حبس وارد شده بود.

نباید اجازه داد جان هیچ یک از فعالین کارگری ایران بار دیگر در زندانها و کشتارگاههای جمهوری اسلامی به خطر بیافتد. باید با تمام توانمان برای آزادی فوری کلیه فعالین کارگری زندانی و زندانیان سیاسی بیش از پیش تلاش کنیم.

اتحاد بین المللی درگذشت غم انگیز زنده یاد محمد جراحی را به خانواده و یاران ایشان و به طبقه کارگر ایران صمیمانه تسلیت می گوید. ما خود را در این ایام سخت در کنار این عزیزان می دانیم و تندرستی و آرامش خاطرشان را آرزو داریم. طبقه جهانی ما به داشتن مبارزی استوار و ثابت قدم چون محمد جراحی افتخار می کند؛ نام محمد جراحی در تاریخ مبارزات کارگران ایران برای محو سرمایه داری و برقراری آزادی و برابری و سوسیالیسم با حروفی درشت و درخشان ثبت شده است.

دروود بر محمد جراحی

۵ اکتبر ۲۰۱۷



تسلیت به طبقه کارگر ایران در فقدان محمد جراحی

محمد جراحی نقاش ساختمان، عضو سندیکای نقاشان ساختمانی، عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری و زندانی سیاسی نیز به خیل جانبختگان جنبش مبارزاتی طبقه ی کارگر پیوست. کارگر شریفی که سال ها عمر خود را در سیاهچال های رژیم ضد کارگری گذراند، در آخر مرگ را هم به سخره گرفت. بی شک مرگ او لکه ی ننگی بر پیشانی رژیم ایران است. اما پرسش امروز و پس از مرگ محمد جراحی چیست؟ به نظر شما قرعه ی بعدی به نام کدامیک از رهبران کارگری در ایران رقم خواهد خورد؟ دیروز شاهرخ زمانی را در سیاهچال های رژیم سرمایه از دست دادیم. محمود صالحی با بیماری های کشنده فعلا بیرون از زندان دارد روزمرگی خود را سپری می کند. علی نجاتی با جراحی قلب، خود را سرپا نگاه داشته و هر روز بیم آن می

رود او را هم برای چندمین بار در پشت میله های زندان محصور کنند. رضا شهابی با پنجاه روز استقامت خود اعتصاب غذایش را مشروط پایان داد ولی او هم حال و روز خوشی ندارد و نه تنها به منزل فرستاده نمی شود، بلکه از رفتن به بیمارستان هم منع می شود و کماکان در زندان بسر می برد. باید کاری کرد. باید اقدامی عاجل نمود تا دیگر در سوگ نفر بعدی ننشینیم.

محمد جراحی در زندان به بیماری سرطان تیروئید مبتلا شد و از زندان با پابندی که بر تختش زده بودند به بیمارستان انتقال یافت و تحت عمل جراحی قرار گرفت اما دژخیمان قوه ی قضائی با مرخصی درمانی او پس از عمل جراحی موافقت نکردند و او را به زندان بازگرداندند. او که از بیماری سرطان رنج می برد، به دلیل عود کردن بیماریش در بیمارستان تبریز بستری شد، اما پس از تشخیص وخیم بودن حال محمد، او را به بیمارستان تجریش در تهران انتقال دادند و در این بیمارستان مجددا مورد عمل جراحی قرار گرفت. اما او

به کما رفت و در ۱۳ مهر ۱۳۹۶ (۵ اکتبر ۲۰۱۷) پس از مدت ها مبارزه با بیماری سرطان سرانجام قلب مالا مال از عشق به مبارزه و طبقه کارگر برای همیشه ایستاد و با مرگ خود ثابت کرد که در مقابل رژیم حامی سرمایه داری می توان تا به آخر ایستاد و سر خم نکرد.

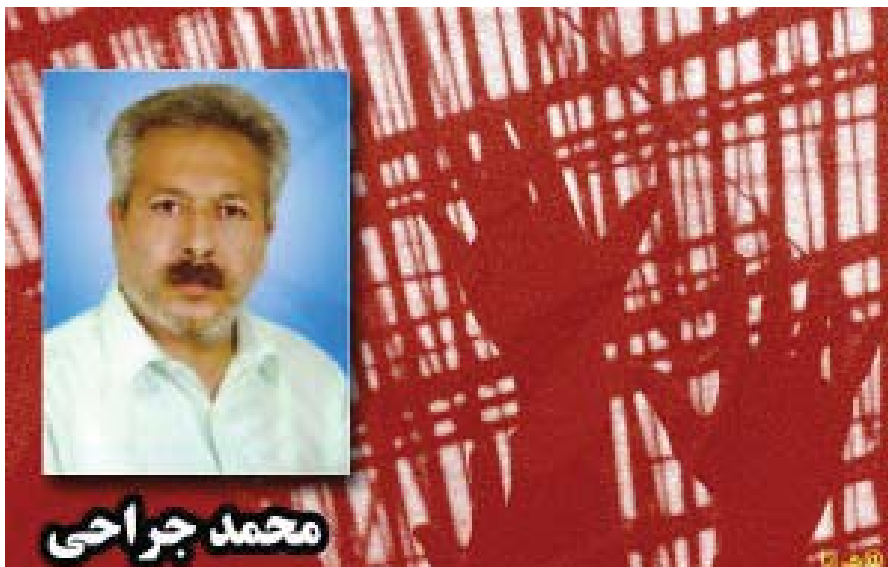
کمپین دفاع از رضا شهابی و دیگر زندانیان سیاسی، گوتنبرگ - سوئد، جمهوری اسلامی را به عنوان رژیم ضد کارگر، عامل مرگ این عزیز می داند و آن را محکوم می کند.

بدینوسیله به خانواده محمد جراحی و طبقه کارگری ایران تسلیت میگوییم.

یاد و خاطره ی همه جانبختگان در راه جنبش کارگری گرامی و راهشان پر رهرو باد.

کمپین دفاع از رضا شهابی و دیگر زندانیان سیاسی، گوتنبرگ - سوئد

پنجشنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۶ برابر با ۵ اکتبر ۲۰۱۷



محمد جراحی

سرود انترناسیونال را شنیدیم با تصاویری از اعتراضات کارگران و مردم، این تصاویر مربوط به گذشته ها نیست، این تصاویر رزمنده و این پرچم های سرخ متعلق به امروز ایران است. جامعه ایران مبارزه میکند و رهبران کارگری اکنون نقش برجسته ای در این مبارزات بازی میکنند. پس از آن سخنرانی های جعفر عظیم زاده و محمود صالحی و آیت نیافر که در مراسم بخاک سپاری کارگر جان باخته محمد جراحی، ایراد شده بود، پخش شد. نسرین رمضانعلی در مورد جنبه هایی از زندگی محمد جراحی و صحبت هایی که با وی در طول چندین سال گذشته داشته است، صحبت کرد. نسرین رمضانعلی گفت؛ صحبت کردن در مورد محمد جراحی برایم سخت است، چرا که سالها است که او را می شناسم و بارها در شرایط متفاوتی با او حرف زده ام، وقتی در زندان بود و بعد از آن، و هنگامی که بیمار شد، محمد جراحی یک انسان مبارز، رزمنده و قوی بود که به همه ما درس شجاعت و آزادگی داد. بعد از پخش فیلم کوتاهی

پخش سرود انترناسیونال و با یک دقیقه دست زدن به یاد محمد جراحی و رهبران و فعالین کارگری که در چند سال اخیر در ایران جان باخته اند، آغاز شد.

سپس شهلا دانشفر در مورد زندگی و فعالیت های محمد جراحی سخنرانی کرد. شهلا دانشفر با اشاره به گسترش مبارزات کارگران و معلمان و جوانان علیه حکومت اسلامی ایران گفت؛ اگر در دوره ای چهره های سیاست در ایران ربط چندانی به مبارزات مردم و کارگران نداشتند، اکنون چهره های سیاست در ایران رهبران سرشناس و محبوب کارگری هستند، که مبارزات گسترش یابنده کارگران و مردم در ایران را تحت تاثیر قرار داده، و در همه عرصه ها سعی میکنند نقش موثر و رهبر داشته باشند. پس از آن فیلم کوتاهی از مراسم گرامیداشت محمد جراحی پخش شد و در ادامه نسان نودینیان در مورد گسترش یافتن جنبش کارگری در ایران و اهمیت چهره های مهم جنبش کارگری سخنرانی کرد و گفت؛ ما در این مراسم

برگزاری مراسم در گرامیداشت محمد جراحی

استکهلم

روز جمعه ۱۳ اکتبر در محل پاتوق شهر استکهلم، مراسم گرامیداشت کارگر مبارز محمد جراحی برگزار شد. در این مراسم که از طرف حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شده بود، ابتدا هرمز رها در صحبت کوتاهی که داشت به خواندن سرود انترناسیونال توسط همزمان ودوستان محمد جراحی در هنگام خاک سپاری این کارگر کمونیست اشاره کرد و ویدئو کلیپ مراسم خاکسپاری پخش گردید. سپس شرکت کنندگان به احترام این رهبر کارگری به پا خاسته و یک دقیقه سکوت کردند. پس از آن سپس شهلا دانشور از طریق اسکایپ راجع به زندگی و مبارزه و چگونگی پیوستن محمد جراحی به حزب کمونیست کارگری سخنرانی کرد و در ادامه فیلم سخنرانی جعفر عظیم زاده و محمود صالحی از رهبران کارگری پخش گردید. در پایان سیامک بهاری به عضویت محمد جراحی و شروع روند گفتمان حزبیت و ضرورت تحزب در میان کارگران اشاره کرد.

هرمز رها

کلن

روز شنبه ۱۴ اکتبر به دعوت واحد آلمان حزب کمونیست کارگری ایران مراسمی در شهر کلن آلمان به یاد محمد جراحی کادر حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد. مراسم با



از مراسم های گرامیداشت محمد جراحی، مینا احدی سخنرانی کرد. او در سخنرانی خود تاکید کرد که؛ جامعه ایران بپا خاسته و پاسخ یک حکومت ددمنش و قرون وسطایی را با تمام قامت خود و با کمونیزم میدهد. مینا احدی گفت، حکومت اسلامی ایران در همه عرصه ها از حکومت شکست خورده و در طول ۳۷ سال گذشته جنبشی در ایران شکل گرفته که پاسخ همه پلیدی ها و رذالت های حکومت اسلامی را با شفافیت و روشنی میدهد. جامعه ایران شخم خورده و شورشی عظیم در آن کشور در دفاع از انسانیت و مدنیت و حقوق انسانی در جریان است که با سرنگونی حکومت اسلامی آینده بسیار بهتری را برای همه مردم نوید میدهد. در این مراسم همه سخنرانان از مطرح شدن هویت تشکیلاتی محمد جراحی به عنوان کادر حزب کمونیست کارگری ایران بعنوان یک نقطه عطف مهم در مبارزات کارگران و مردم ایران یاد کردند.

مینا احدی

تورنتو

به مناسبت بزرگداشت محمد جراحی روز شنبه 21 اکتبر در تورنتو مراسمی به دعوت کمیته همکاری نیروهای چپ و

کمونیست در سالن اجتماعات شهرداری منطقه نورت یورک در تورنتو برگزار شد.

در این جلسه مینو ایرانی مجری برنامه بود. این مراسم با سرود انترناسیونال آغاز و با یک دقیقه سکوت به یاد این فعال کارگری و کارگر کمونیست ادامه یافت. سپس سخنرانان به ترتیب محسن ابراهیمی از حزب کمونیست کارگری، احمد بابایی از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، جلیل بهروزی فعال سیاسی، سلام قادری از حزب کمونیست ایران، سمیر نوری از حزب کمونیست کارگری - چپ عراق در رابطه با زندگی و مبارزه این کارگر کمونیست و زندانی سیاسی سخنرانی کردند. در این برنامه پیام حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری و سیاوش دانشور از رهبری حزب حکمتیست که به این مناسبت داده بودند به صورت تصویری پخش گردید و پیام کمیته ی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی توسط شراره آرام قرائت شد.

در خلال برنامه سخنرانی جعفر عظیم زاده و محمود صالحی از رهبران کارگری در ایران در مراسم خاکسپاری محمد جراحی پخش شد و

همچنین مجری برنامه بخشی از پیام هایی را که به مناسبت در گذشت و بزرگداشت محمد جراحی منتشر شده بود را قرائت کرد.

بابک یزدی

ونکوور

شنبه ۲۸ اکتبر ۲۰۱۷ مراسم بزرگداشت محمد جراحی در ونکوور برگزار شد. در این مراسم که با حضور شماری از فعالین حزب و شرکت نمایندگانی از جریانات سیاسی دیگر در ونکوور برگزار شد ابتدا فهیمه صادقی به حضار خیر مقدم گفته و اعلام برنامه نمود. سپس مصطفی صابر و عباس ماندگار در مورد زندگی و مبارزات محمد جراحی و موقعیت جنبش کارگری در ایران صحبت کردند. فرصتی نیز برای ابراز نظر و طرح سؤال در اختیار حضار قرار گرفت نهایتاً ویدیو کلیپهایی از صحبت های محمد جراحی در مورد زندگی و تلاشش برای بهبود زندگی طبقه کارگر و آحاد مردم و مصاحبه او با شهلا دانشفر به نمایش گذاشته شد. در پایان حاضرین گیلان شرابی به یاد محمد جراحی و برای آزادی محمود صالحی، رضا شهبابی و دیگر فعالین کارگری نوشیدند عباس ماندگار ۲۸ اکتبر ۲۰۱۷

آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت. حذف کلیه مضامین و ارجاعات مذهبی و متاثر از مذهب از قوانین کشور. تبدیل مذهب به امر خصوصی افراد. لغو مقوله مذهب رسمی. لغو هر نوع ارجاع به مذهب افراد در قوانین و در اوراق هویتی و اداری مربوط به آنها. ممنوعیت انتساب افراد، فردی یا جمعی، به هر نوع تعلق قومی و مذهبی در اسناد رسمی، رسانه ها و غیره

از برنامه یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

جایگاه محمد جراحی در جنبش کارگری

گفتگوی کیوان جاوید با
حمید تقوایی در تلویزیون
کانال جدید

کیوان جاوید: اهمیت و جایگاه شخصیتی مثل محمد جراحی چه بود و در کجا هست که اینچنین یادش را مردم گرامی داشتند و در مراسمی که یک روز بعد برایش برگزار شد در تبریز صدها نفر جمع شدند، صحبت کردند و سخنرانی کردند و جایگاه این مبارز راه آزادی و رهبر جنبش کارگری را گرامی داشتند و ازش یاد کردند.

حمید تقوایی: اجازه بدهید ابتدا در گذشت محمد جراحی را به خانواده و بستگانش، به دوستان و همرزمانش و همینطور به همه کارگران و توده مردمی که علیه این نظام سرمایه داری و جمهوری اسلامی مبارزه میکنند صمیمانه تسلیت بگویم.

بنظر من از دست رفتن محمد جراحی نه تنها برای جنبش کارگری و جنبش کمونیستی بلکه برای همه مردم آزادیخواه در ایران یک ضایعه بود. جایگاه و نقش محمد جراحی بنظر من از جمله در همین مراسمی که شما گفتید در بزرگداشتش برگزار شد بر همه روشن است. او یک چهره شناخته شده و محبوب بود نه تنها در جنبش کارگری بلکه در سطح جامعه و برای همه مردمی که به گوشه ای از این نظام پر از ظلم و مصیبت و بی حقوقی اعتراض داشتند، محمد جراحی شناخته شده بود و آنها را نمایندگی میکرد و صدای



حمید تقوایی

درباره درگذشت محمد جراحی از رهبران جنبش کارگری و کادر حزب

اینها را صادر میکنند و از زندان اعتراض میکنند ببینید، در اول ماه مه ها ببینید و در موقعیت های مختلف. الان نهادهای کارگری، چهره های جنبش کارگری نظیر محمد جراحی واقعا گفتمان سوسیالیستی و دفاع از سوسیالیسم و اعتراض ریشه ای به سرمایه داری را به گفتمان عمومی در جنبش کارگری، و من میتونم بگم در سطح جامعه، تبدیل کرده اند. و این هم یک جنبه مهم و نقش تعیین کننده محمد جراحی و فعالینی نظیر اوست.

کیوان جاوید: تاثیر کادرها و شخصیت ها و اهمیت اشخاصی مثل محمد جراحی و دیگر رهبران جنبش کارگری برای کل جامعه چیست؟ دستاوردش آیا فقط محدود به جنبش کارگری است یا فراتر از جنبش کارگری می رود؟

حمید تقوایی: ببینید، ما با یک دوره ای از جنبش کارگری روبرو هستیم که کاملا بی سابقه بوده و قابل قیاس حتی با ده پانزده سال پیش نیست. از نقطه نظر پیشرویهایی که

اعتراض آنها بود. بنظر من از این نقطه نظر، محمد جراحی و کسانی نظیر او، که الان خوشبختانه در جنبش کارگری محمد جراحی های زیادی داریم که در همین سطح شناخته شده و فعالند، اینها هم پرچمدار، سخنگو و نماینده یک جامعه معترضی هستند که به زیر خط فقر رانده شده، با انواع بی حقوقی ها دست و پنجه نرم میکند و در همه سطوح بلند شده که اعتراض کند و از شر این حکومت رها شود.

محمد جراحی فقط یک چهره جنبش کارگری نبود بلکه یک چهره جنبش کمونیستی بود. او یک سوسیالیست بود، در بیدادگاه های حکومت از سوسیالیسم دفاع کرده بود و همه زندگی اش مبارزه ای بود برای محو سرمایه داری و رسیدن به یک جامعه آزاد و انسانی و برابر سوسیالیستی. و این هم امروز میبینیم که در جنبش کارگری خوشبختانه گسترش پیدا کرده و این دفاع از سوسیالیسم را شما حتی در بیانیه ها و اطلاعیه های کارگرانی که حتی از زندان

داشته، از نقطه نظر چهره ها و فعالینی که به جامعه معرفی کرده و از نقطه نظر اعتراضات و مبارزاتی که در همه سطوح دارد به پیش میبرد. این بی نظیر است در جنبش کارگری در عصر ما و دهه های اخیر، و بنظر من این يك گام بزرگ به جلو است، نه برای فقط جنبش کارگری، برای کل جامعه. این را توجه داشته باشید که اعتراضات در جامعه ایران و بخصوص مبارزات کارگران، مبارزاتی است اساسا در کنه خود علیه کل این سیستم. مسئله فقط این نیست که کارگران حقوق صنفی شان را میخواهند، یا فرض کنید برای دستمزد فقط مبارزه میکنند، یا برای حق تشکل یا حق اعتصاب و غیره. اینها البته جزیی از این مباره است و جزء مهمش هم هست. ولی از این فراتر میروند جنبش کارگری شما باز اگر به سخنرانی های همین مراسم بزرگداشت محمد جراحی مراجعه کنید و آنها را ببینید متوجه میشوید که چه اعتراض عمیق و ریشه ای الان از جانب رهبران جنبش کارگری در جامعه مطرح میشود و این دیگر به يك امر عمومی تبدیل شده. از این نقطه نظر میخواهم بگویم که جنبش کارگری آن نقش و موقعیت شایسته ای را که باید

در اعتراضات، در دادخواهی مردم، در کیفر خواست مردم علیه این سیستم بازی کند کسب کرده است. ببینید، ما کمونیست ها همیشه از لحاظ نظری، از لحاظ اعتقادی می گفتیم که مبارزات کارگران، طبقه کارگر محور اعتراض مردم علیه سیستم موجود است، بخاطر اینکه هر مصیبت و هر بی حقوقی و هر فقر و فلاکتی که در جامعه است ریشه اش سرمایه داری است. در جامعه ایران این سرمایه داری بصورت يك حکومت سرکوبگر مذهبی خودش را نشان میدهد. ولی واقعیت این است که این يك نظام سرمایه داری است، چه در شکل اسلامی و چه در شکل غیر اسلامی که ریشه مصائب و مشکلات مردم است.

کیوان جاوید: يك زاویه دیگری دوست داشتم در مورد همین نسل از رهبران جنبش کارگری بگویم. اینها همه محصول و فعال شده در انقلاب ۵۷ هستند. نسل جدید رهبران جنبش کارگری چطور میتوانند از محمد جراحی ها و دیگر رهبران قدیمی تر خودشان یاد بگیرند و تجربه آنها را استفاده بکنند؟ چه رابطه ای میتواند بین این دو نسل از رهبران جنبش کارگری باشد؟

حمید تقوایی: طبعا فاصله بین نسل ها را دیواری از هم جدا نمیکند. بخش جوان طبقه کارگر با همان مسائل و مشکلاتی روبروست که بخش های دیگر طبقه کارگر. فعالینی که بقول شما از انقلاب ۵۷ سابقه مبارزه دارند، مثل محمد جراحی که دهها سال است دارند مبارزه میکنند، تجسم و فشرده تجربیات و يك تاریخچه ای از مبارزه علیه سرمایه داری در ایران هستند که طبعا به جوان های طبقه کارگر منتقل میشود. و نه تنها کارگران جوان بلکه به فعالین جوان

در شکل غیر اسلامی که ریشه مصائب و مشکلات مردم است. ما از لحاظ نظری و عقیدتی همیشه میگفتیم به این دلیل جنبش کارگری ستون فقرات و محور مبارزات مردم است. این نظر امروز دیگر به يك واقعیت تبدیل شده و قابل مشاهده است. هر کسی تحولات ایران را دنبال کرده باشد میبیند که چطور جنبش کارگری الان پرچم رهایی جامعه را بلند کرده و دارد از قول همه جامعه کیفر خواست خودش را علیه سرمایه داری اعلام میکند. من فکر میکنم که این يك موقعیت کیفی جدیدی است برای

مادام که سرمایه بر حیات انسان ها حاکمیت دارد، مادام که فرد برای تامین مایحتاج خویش ناگزیر به فروش نیروی کار خود و انجام کار برای سرمایه و مالکان وسائل تولید است، مادام که نظام مزدبگیری و خرید و فروش نیروی کار انسانها برقرار است، هیچ قانون کاری، هر قدر مواد و تبصره هایی به نفع کارگران در آن گنجانده شده باشد، قانون کاری به راستی آزاد و کارگری نیست.

در همه عرصه های اجتماعی، از جمله در جنبش کارگری که در جمهوری اسلامی چشم به دنیا باز کرده اند، دوران گذشته را تجربه نکرده اند و سرمایه داری را در شکل اسلامی اش شناخته اند. ولی فعالین مجرب تر و قدیمی تر دو نظام مختلف سرمایه داری را، یا دو روبنای سیاسی مختلف سرمایه داری را تجربه کرده اند. سرمایه داری دوره شاه را و سرمایه داری دوره جمهوری اسلامی را. و به این اعتبار نمایندگی میکنند يك اعتراض عمیق تر و تاریخی تری علیه سرمایه داری. ممکن است نسل جوان اینطور فکر کند که خوب ریشه این مصائب جمهوری اسلامی است و اگر جمهوری اسلامی برود مسئله حل خواهد شد. در حالیکه سرنگونی جمهوری اسلامی يك گام مهم و اولین گام است ولی همه مسئله نیست. مسئله این است که سرمایه داری در هر شکلی، پادشاهی، ملی، ملی اسلامی، اسلامی، مذهبی و قومی روی کار بیاید، تا آنجا که به منافع طبقه کارگر و توده زحمتکش مردم مربوط میشود، وضع تغییر اساسی نخواهد کرد. همین مسائل و فلاکتها و همین بی حقوقی ها بر جا خواهد ماند. الان در جامعه ایران از انقلاب مشروطه تا امروز دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری در اشکال مختلف اش داشتیم، در شکل ناسیونالیستی اش، در شکل مذهبی اش و یا اغلب ملغمه ای از این دو و امروز شکل خالص مذهبی اش را داریم تجربه میکنیم. نسل جوان این تجربه زنده را ندارد از دوره

مقابل جمهوری اسلامی، ولی نسل محمد جراحی این تجربه را دارد. و این بنظر من يك سرمایه طبقه کارگر است که چنین فعالین و چنین چهره ها و رهبران مجربی را در میان خودشان دارند که میتوانند تجربیاتشان را به نسل جوان منتقل کنند و میتوانند يك مبارزه عمیق تر و همه جانبه تری را علیه سرمایه داری، در همه اشکالش، به پیش ببرند.

کیوان جاوید: اما با درگذشت زنده یاد محمد جراحی يك اتفاق دیگری افتاد، حزب کمونیست کارگری طی اطلاعیه ای محمد جراحی را بعنوان کادر خودش، کادر حزب معرفی کرد. این اتفاق جدیدی است و پیش از این چنین اتفاقی نیافتاده بود. دلیل سیاسی حزب در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: علتش روشن است، اگر حزب اعلام نمیکرد شما میبایستی علتش را میپرسیدید. چیزی طبیعی تر از این نیست که وقتی يك کادر حزب از دنیا میرود، خوب آن حزب در بزرگداشت و در پیام تسلیتی که برای خانواده اش میفرستد موقعیت او را معرفی میکند، میگوید که او عضو ما بود، کادر حزب بود و این را به جامعه میگوید. خوب این در جامعه ایران چون دیکتاتوری هست، کلا در جوامع دیکتاتوری مثل ایران، تا وقتیکه این افراد در قید حیات هستند و مبارزه میکنند چنین چیزی ممکن نیست. ببینید، کادرهای ما در خارج کشور همه علنی هستند و با اسم و رسم خودشان مبارزه میکنند.

ولی در داخل کشور این امکان ندارد. ولی وقتی يك کادر حزب در میگذرد و جامعه متوجه این میشود، بخصوص در مورد چهره هایی مثل محمد جراحی، جامعه متوجه میشود و در بزرگداشتش حرکت میکند و غیره، این وظیفه حزب است که موقعیت او را بگوید و گرنه در حق همان فعالی که در گذشته کوتاهی کرده است. چون موقعیت محمد جراحی فقط در جنبش کارگری و اعتراضی نبود، بلکه او يك فرد متشکل، متحزب و عضو و کادر يك حزب بود و باید این حقیقت جلو چشم جامعه گذاشته شود. و بنظر من اگر ما این را اعلام نمیکردیم میباید این سؤال در برابر ما قرار میگرفت که چرا این کار را نمیکنید و نه برعکس اش.

کیوان جاوید: آیا این ربطی به توازن نیرو، قدرت جامعه در مقابل جمهوری اسلامی دارد که امروز حزب میتواند این کار را بکند؟

حمید تقوایی: بلی این هم يك بخشی از واقعیت است. من ادعا نمیکنم که همیشه و همه جا میشود اعلام کرد که در جامعه ایران کادرهای حزب چه کسانی هستند. ولی الان توازن قوا این اجازه را میدهد، و این هم باز به یمن مبارزات کارگران و مبارزات خود حزب بدست آمده است.

کیوان جاوید: من اینجا، حمید تقوایی، میخواهم این سؤال را مطرح کنم که سه گروه نسبت به این مسئله عکس العمل نشان دادند. بخش زیادی از آزادیخواهان، حتی درون حزب کمونیست

کارگری یا احزابی که خارج هستند، چون فعالین داخل ایران علنی نیستند، در عین حال که با شنیدن خبر درگذشت محمد جراحی بسیار متاسف و اندوهگین بودند، از شنیدن اینکه محمد جراحی کادر حزب بود احساس افتخار و سربلندی کردند. گروه دیگر در عین ابراز خوشحالی و ابراز غرور از عضویت محمد جراحی در حزب، انتقادشان به حزب از زاویه امنیتی است که گفتند امنیت دیگر فعالین به خطر میافتد. و بخشی هم این را انکار کردند و گفتند اصلا محمد جراحی نه عضو و نه کادر حزب کمونیست کارگری بود و ادعای حزب کمونیست کارگری واقعی نیست. توضیح شما چیست.

حمید تقوایی: در مورد آن گروهی که میگویند از نظر امنیتی مسئله است و غیره، اجازه بدهید ابتدا این را توضیح بدهم. من گفتم که شرایط الان اینطور نیست که بگوییم این خطر امنیتی دارد. من اینرا بگم که کلا کسانی که مخفی کاری را به این معنایی که الان داریم صحبت میکنیم، میگویند باید رعایت کرد و حتما نباید بعد از مرگ يك کمونیست اعلام کرد که او کمونیست بوده، اینها بیشتر از اینکه تحت فشار دیکتاتوری و حکومت مرکزی باشند، به يك سری سنتهایی که دوره اش گذشته پایبندند و آنها را دارند ادامه میدهند. و همانطور که گفتم، دیکتاتوری بعد از دیکتاتوی در یکصد سال گذشته يك نوعی از مخفی کاری را تحمیل کرده به فعالین کمونیست که این برای بعضی ها تبدیل شده به يك اصل، به

يك سنت همیشگی. در حالیکه امروز شرایط خیلی متفاوت است. ما بحثهای شبیه به این را، اگر بخاطر داشته باشید، موقعی داشتیم که حزب اعلام کرد که فعالین جنبش کارگری باید بطور علنی با اسم و رسم خودشان مبارزه کنند. و ما از این دفاع میکردیم که همانموقع، شاید هم همین کسانی که امروز میگویند از نظر امنیتی این علنیت مسئله ساز است، آنموقع هم با همین حرف مقابل ما ایستادند و گفتند این غیر مسئولانه است، شما ملاحظات امنیتی را در نظر نگیرید و فعالین کارگری باید مخفی باشند و نمیتواند اسم و رسمشان معلوم باشد. خوشبختانه این مسئله الان حل شده، الان میبینید ده ها نفر محمد جراحی های زیادی در جامعه داریم که با اسم و رسم خودشان دارند مبارزه میکنند، تشکل و نهاد تشکیل داده اند، اطلاعیه میدهند، بیانیه میدهند، حتی از درون زندان اعتراض میکنند. و این دیگر خوشبختانه در جامعه و در جنبش کارگری به يك روش معمول تبدیل شده و کسی هم به آن اعتراضی ندارد. الان این قدم دوم همان قضیه است. بحث ما این است که چرا باید يك کمونیست فعالی، حتی بعد از درگذشتش، همچنان مخفی بماند. این چه چیزی را دارد نمایندگی میکند. این بنظر من آن سنتی که دوره اش گذشته است را نمایندگی میکند تا شرایط واقعی مبارزه را. بنظر من خیلی از این فعالینی که الان دارند اطلاعیه میدهند و اعتراض میکنند، دارند

در مورد آن گروه دومی که گفتید میگویند اینطور نبوده و حزب ادعای بی پایه کرده و غیره، و خواستار سند و مدرک شده اند، اجازه بدهید اینجا بگویم که مسئله بر سر این نیست. این هم يك گرایش در جنبش کارگری است که از حزبی نبودن و حزب گریزی يك فضیلت برای خودش ساخته است. اینها از استقلال طبقه کارگر صحبت میکنند ولی منظورشان بیشتر استقلال از احزاب است. (در صورتیکه) معنی واقعی استقلال طبقه کارگر یعنی تشکل های

کمونیست کارگری ایران هستند یا علیه عضویت، بحث ما يك بحث پایه ای تر است. بحث بر سر ضرورت و مطلوبیت و اهمیت تشکل حزبی برای طبقه کارگر است. طبقه کارگر آزاد نمیشود تا وقتی که حزب خودش را نداشته باشد، تا وقتی که متحزب نشود و مثل يك حزب در عرصه مبارزه سیاسی در مقابل طبقه سرمایه دار ظاهر نشود. تشکلهای توده ای کارگری با همه اهمیتی که دارند بخشی از مسئله هستند، ولی بخش مهمترش، بنظر من، تشکل حزبی طبقه کارگر است. و همانطور که گفتم، يك گرایش منفی در جنبش کارگری هست که باید از جنبش کارگری جمع کرد، و ما این را يك وظیفه پایه ای خود میدانیم و برایش مبارزه میکنیم که هرچه بیشتر مطلوبیت حزب، اهمیت حزب و تحزب در جنبش کارگری به يك گفتمان عمومی تبدیل شود. تا ما در بیانیه ها، در سخنرانیها، در اعتراضات، در ابراز وجود نهادها و فعالین جنبش کارگری شاهد این امر باشیم که طبقه کارگر را به حزیت و تشکل حزبی فرامیخوانند و این به يك گفتمان عمومی در جامعه تبدیل بشود. ■

این اعتبار الان در مقابل ما ایستاده اند. این هم یکی از آن گرایشات منفی است که باید ما با آن مقابله کنیم و آنرا از جنبش کارگری به کنار بزنیم.

کیوان جاوید: خوب، حمید تقوایی، تاثیر عضویت فعالین جنبشهای اجتماعی در يك حزب کمونیستی چه میتواند باشد، و در امر سرنگونی چه تاثیر مثبتی میتواند داشته باشد؟

حمید تقوایی: ببینید، این يك شعار جنبش کارگری است که "چاره کارگران وحدت و تشکیلات است." در این شعار، يك بخش مهم این تشکیلات تشکل حزبی است. الان در جنبش کارگری خیلی از این دفاع میشود و خوشبختانه فعالین زیادی دارند که در پی متشکل کردن توده های کارگران در تشکل های کارگری هستند. ولی بخاطر وجود این گرایشات منفی در همین سطح، مبارزه برای تشکل حزبی کارگران در جامعه (خوب) پیش نمیرود. بحث ما این است که این مانع را، که گفتم از فعالیت انفرادی يك فضیلت برای خودش ساخته، باید برطرف کرد. جدا از اینکه اهل عضویت در حزب

کارگری، قانون کارگری باید از احزاب بورژوایی و از دولت بورژوایی مستقل باشند و نه از احزاب کمونیستی و احزاب کارگری. منتهی برای این دوستان فعالیت فردی و اکتیویست منفرد برای خودش شده يك فضیلت. شما در اعتراض اینها يك نوع حمله هیستریک و یکنوع حزب گریزی شدید را میبینید. بنابراین، بحث من این است که مشکل اینها این نیست که ما سند و مدرک و غیر بدهیم. همه میدانند که يك حزب کمونیست کارگری در شرایطی مثل شرایط ایران نمیتواند سند محضری به کسی نشان بدهد که کسی عضو است یا عضو نیست. ما يك کلوپ ورزشی یا هنری نیستیم که عضویت در آن بدین صورت باشد. این را همه میدانند، و اعتبار و موقعیت حزب ما نشان میدهد که ادعاهای این افراد هیچ پایه و مایه ای ندارد. بهرحال، بحث من این است که کسانی که عضویت محمد جراحی در حزب را زیر سؤال میبرند، مسئله اساسی شان این است که اصلا عضویت هیچ فعال کارگری را در يك حزب کمونیستی نمیتوانند بپذیرند و این را عامل منفی میدانند و به

قانون کار واقعی کارگران، نفی نظام مزدی و ایجاد جامعه ای است که در آن هر کس داوطلبانه به اندازه توان و خلاقیتش در تولید وسائل زندگی و رفاه همگان شرکت میکند و به اندازه نیازش از محصولات این تلاش جمعی بهره میگیرد.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

قرار در مورد تشکیلیاتی حزبی طبقه کارگر

4 آبان 1396

از آنجا که یک رکن مهم تشکیلیاتی طبقه کارگر حزب و سازمانیابی حزبی است پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران از رهبری و فعالین حزبی در جنبش کارگری میخواهد که

مقابله فعال با حزب گریزی و نقد گرایشاتی که فعالیت غیرحزبی و "مستقل" از احزاب چپ و کمونیستی را یک فضیلت میدانند در دستور کار خود قرار بدهند و تلاش کنند ضرورت و حیاتی بودن حزب و حزب برای رهائی طبقه کارگر به یک گفتمان رایج در جامعه و در میان فعالین و توده کارگران تبدیل بشود.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران را به عضویت در این حزب فرا میخواند.

<http://rowzane.com/ca/article=104367>

پلنوم 47 حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ویژه بزرگداشت محمد جراحی

فرکانس: 12594
پلاریزاسیون عمودی: V
سمبل ریت: 2700

کانال جدید را ببینید
شبکه ماهواره ای: یاه ست
نام شبکه Kanal Jadid

تلویزیون کانال جدید را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید
کانال جدید صدای انسانیت، آزادی خواهی و
برابری طلبی است
کانال جدید صدای جنبش های اعتراضی
عدالت خواهانه در ایران است

ایمیل ها و تلفن تماس با کمیته آذربایجان:

فیس بوک: www.facebook.com/sahandazadiwpi
دبیر کمیته: ebrahimi1917@gmail.com
ایمیل سردبیر: farazazadi54@gmail.com
همکار فنی، اسماعیل اوجی: e.owji49@gmail.com
تماس تلفنی با نشریه و کمیته:
شهلا خباز زاده: 00491785598886
آدرس تلگرام سهند: <https://t.me/KSahand>

سرنگون باد جمهوری اسلامی - زنده باد سوسیالیسم